



وزارت علوم و تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

نقد و بررسی شبهات کلامی در مسأله مهدویت

استاد راهنما:

دکتر علی الهبداشتی

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد عابدی

نگارنده:

کبری خان آبادی

تابستان ۱۳۸۵

MANV

مجلس اطلاعات وزارت علوم و فناوری
تهران

۱۳۸۵ / ۹ / ۳۳

مجلس اطلاعات وزارت علوم و فناوری
تهران

تقدیر و تشکر

خدای تعالی را سپاس می‌گوییم که در تمام لحظات زندگی، بر من لطف و عنایت داشته و توفیق داده است که در مکتب امام صادق علیه السلام ره توشه علم و معرفت بگیرم.

و قدردانی از محضر ائمه معصومین علیهم السلام و کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام که توفیق پژوهش را به این حقیر عنایت نموده و مرا در این راه یاری رساندند.

و تقدیر و تشکر از اساتید بزرگواری که مرا در تدوین این رساله یاری کردند بویژه استاد علی اله‌بداستی با ارشادات کریمانه خویش راهنمایی این پژوهش را بر عهده گرفتند و تشکر از استاد محترم جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی که متواضعانه زحمت قبول مشاوره و راهنمایی این پایان‌نامه را متقبل شدند توفیق همه بزرگوارانی که مرا در این راه یاری رساندند از خدا تعالی خواستارم.

تقدیم به پیشگاه امام زمان (عج)
که با ظهورش، جهان را از ظلم و پیداد
نجات می‌دهد.

چکیده

همه ادیان و فرقه‌های مختلف اسلامی، اعتقاد به آمدن مصلح در پایان تاریخ دارند. از آنجایی که مهدویت دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است؛ لذا یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. از طرفی طرح اندیشه‌های موازی و انحرافی در این زمینه از سوی قدرت‌های جهان و برداشت‌های غیرکارشناسانه از این موضوع، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده؛ بنابراین سعی شده در این پایان‌نامه به شبهات و سؤالات در این زمینه (مهدویت) در حد بضاعت، پاسخی فلسفی و کلامی داده شود. آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود، پاسخگویی به سه سؤال در قالب سه فرضیه است. امام زمان (عج) یک حقیقت تاریخی است و صرفاً فرضیه فلسفی نیست. ادله ضرورت وجود معصوم و ادله وجود غیبت یکی است. ادله ضرورت وجود معصوم، ادله وجود حجت است. این سه فرضیه در قالب سه فصل بررسی شده و فصل پایانی هم راجع به این است که شریعت مهدی چه نوع شریعتی است، بحث شده است و بیان شد که شریعت حضرت حجت (عج) همان شریعت پیامبر ﷺ و احیای آن می‌باشد. دگرگونی و اصلاحات اجتماعی در روزگار امام زمان (عج)، انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین ﷺ و بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد الاقصی به صاحبان اصلی آن است.

کلید واژه‌ها: وجود معصوم، غیبت، قاعده لطف، شریعت محمدی، حقیقت تاریخی.

فهرست مطالب

- فصل اول: کلیات و مفاهیم ۱
۱. هدف‌ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق ۶
۲. فرضیه‌ها ۶
۳. تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق ۶
۴. سؤال‌های اصلی تحقیق ۶
۵. سابقه و پیشینه تحقیق ۷
۶. ضرورت انجام تحقیق ۷

فصل دوم: شبهه اول: آیا امام زمان یک حقیقت تاریخی است یا یک فرضیه فلسفی .. ۸

- ۱-۲. تبیین مقام امامت از دیدگاه ائمه عترت علیهم‌السلام ۱۰
- ۱-۱-۲. تحلیل امام جعفر صادق علیه‌السلام از امامت ۱۰
- ۲-۲. حقیقت تاریخی و تفاوت آن با فرضیه فلسفی ۱۲
- ۲-۲-۱. آیا ایمان به وجود امام زمان علیه‌السلام و ولادت او فرضیه‌ای فلسفی وطنی است؟ ۱۴
- ۲-۲-۲. آیا از براهین فلسفی می‌توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟ ۱۴
- ۳-۲. بررسی مهدویت به عنوان فرضیه فلسفی ۱۶
- ۴-۲. حقیقت تاریخی بودن امام زمان ۱۷
- ۲-۳-۱. اثبات وجود امام زمان (عج) بر اساس حساب احتمالات ۱۷
- ۲-۴-۲. نگرش اندیشمندان اهل سنت پیرامون مهدویت ۱۸

- ۱۹ ۲-۴-۲. ۱. بیهقی (درگذشته به سال ۴۵۸ هـ)
- ۲۰ ۲-۴-۲. ۲. ابن اثیر (درگذشته به سال ۶۰۶ هـ)
- ۲۰ ۲-۴-۳. ۳. ابن تیمیه و ظهور مهدی (درگذشته به سال ۶۲۵ هـ)
- ۲۱ ۲-۴-۴. ۴. محیی‌الدین ابن عربی (درگذشته به سال ۶۳۸ هـ)
- ۲۴ ۲-۴-۵. ۵. ابن ابی‌الحدید مدائنی (درگذشته به سال ۶۵۵ هـ)
- ۲۴ ۲-۴-۶. ۶. ابن خلدون (درگذشته به سال ۸۰۶ یا ۸۰۸ هـ)
- ۲۵ ۲-۴-۷. ۷. جلال‌الدین سیوطی (درگذشته به سال ۹۱۱ هـ)
- ۲۵ ۲-۴-۸. ۸. ابن حجر هیتمی (درگذشته به سال ۹۷۴ هـ)
- ۲۷ ۲-۴-۹. ۹. شیخ محمد عبده (درگذشته به سال ۱۳۲۳ هـ)
- ۲۸ ۲-۵. ۵. علائم مشخصه آن حضرت (علامات امامت)
- ۲۹ ۲-۵-۱. ۱. علائم تشریفی و تکریمی قائمیت
- ۳۰ ۲-۵-۲. ۲. اتفاق شیعه و سنی بر اصل قضیه مهدویت
- ۳۰ ۲-۵-۳. ۳. سخنان عالمان شیعه
- ۳۰ ۲-۵-۳-۱. ۱. شهید صدر؛
- ۳۱ ۲-۵-۳-۲. ۲. شیخ محمدرضا مظفر؛
- ۳۲ ۲-۵-۴. ۴. اتفاق بر وجود اعتقاد به امر مهدی (عج)
- ۳۳ ۲-۵-۴-۱. ۱. نقل سخنان علمای شیعه
- ۳۴ ۲-۵-۴-۲. ۲. نقل عبارات علمای اهل سنت
- ۳۵ ۲-۵-۵. ۵. فراگیر بودن دعوت و حکومت حضرت مهدی از نظر شیعه و سنی
- ۳۵ ۲-۵-۵-۱. ۱. دولت جهانی در قرآن کریم
- ۳۶ ۲-۵-۵-۲. ۲. دولت جهانی در روایات
- ۳۷ ۲-۶. ۶. دانشمندان اهل سنت و اعتراف به ولادت امام مهدی (عج)
- ۳۸ ۲-۶-۱. ۱. احادیث
- ۳۹ ۲-۷. ۷. اتفاق شیعه و سنی بر این که مهدی عجل الله فرجه از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

- ۸-۲. اتفاق شیعه و سنی بر این که لقب او «مهدی» است. ۴۱.....
- ۹-۲. اتفاق شیعه و سنی بر این که حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می‌کند. ۴۲.....
- ۱۰-۲. شباهت وجود حضرت مهدی (عج) به حضرت یوسف علیه السلام. ۴۳.....
- ۱-۱۰-۲. غیبت. ۴۴.....
- ۲-۱۰-۲. حضور. ۴۴.....
- ۳-۱۰-۲. زیبایی و بخشنندگی. ۴۴.....
- ۴-۱۰-۲. بهای اندک. ۴۵.....
- ۵-۱۰-۲. امید و نومییدی. ۴۵.....
- ۶-۱۰-۲. هدایت. ۴۶.....
- ۷-۱۰-۲. قدرشناسی. ۴۶.....
- ۸-۱۰-۲. دفع بلا. ۴۷.....
- ۹-۱۰-۲. محنت. ۴۷.....
- ۱۰-۱۰-۲. نیاز. ۴۸.....
- ۱۱-۱۰-۲. تنها پناه. ۴۸.....
- ۱۲-۱۰-۲. دلدادگی. ۴۹.....
- ۱۳-۱۰-۲. اقبال همگانی. ۴۹.....
- ۱۴-۱۰-۲. پیروزی نهایی. ۴۹.....
- ۱۱-۲. ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام تا تولد حضرت مهدی (عج). ۵۰.....
- ۱۲-۲. ولادت مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت. ۵۴.....
- ۱۳-۲. اعتراف اهل سنت به ولادت. ۵۴.....
- ۱-۱۳-۲. علامه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی (متوفای ۶۸۱ هـ). ۵۴.....
- ۲-۱۳-۲. شمس الدین محمد بن طولون حنفی (متوفای ۹۵۳ هـ). ۵۴.....
- ۳-۱۳-۲. محیی الدین بن عربی. ۵۵.....
- ۴-۱۳-۲. فخر رازی شافعی. ۵۵.....

- ۵۶-۲-۱۳-۵. ابوالبرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی (متوفای ۱۳۱۷ هـ).....
- ۵۶-۲-۱۴. شهادت امام حسن علیه السلام و سه نشانه امامت حضرت مهدی (عج) (نماز خواندن آن حضرت بر جنازه پدر).....
- ۵۸-۲-۱۴-۱. حضرت مهدی (عج) بر بالین پدر در لحظه شهادت.....
- ۶۰-۲-۱۵. تدابیری که امام عسکری علیه السلام برای تثبیت امامت فرزندش اندیشید.....
- ۶۰-۲-۱۵-۱. تعلیمات و بیانات.....
- ۶۱-۲-۱۵-۲. نشان دادن به خواص.....
- ۶۵- نتیجه گیری.....

فصل سوم: شبهه دوم: ادله ضرورت وجود امام معصوم و ارتباط آن با مسئله غیبت

- ۶۶- چیست؟.....
- ۶۸-۳-۱. قاعده لطف و وجوب امامت.....
- ۶۸-۳-۱-۱. تعریف لطف از دیدگاه متکلمان عدلیه.....
- ۶۸-۳-۱-۱-۱. شیخ مفید در تعریف آن گفته است.....
- ۶۹-۳-۱-۱-۲. ابواسحاق نوبختی در تعریف لطف گفته است.....
- ۶۹-۳-۱-۲. وجوب لطف: برهان حکمت.....
- ۶۹-۳-۱-۳. برهان لطف بر وجوب امامت.....
- ۷۰-۳-۱-۴. قاعده لطف و غیبت امام.....
- ۷۲-۳-۲. وجوب شناخت امام با احادیث اهل سنت.....
- ۷۳-۳-۲-۱. حدیث جابر بن یزید جعفی.....
- ۷۴-۳-۳. ضرورت وجود انسان کامل در صحنه هستی بر اساس روایات.....
- ۷۴-۳-۳-۱. انسان کامل:.....
- ۷۹-۳-۴. اثبات ضرورت حجت خدا در زمین به صورت کلی یا (برهان عقلی بر امامت).....
- ۸۱-۳-۵. ضرورت وجود حجت در روی زمین.....

- ۳-۵-۱. احادیث ثقلین ۸۲
- ۳-۶. گلچینی از آیات مهدویت ۸۵
- ۳-۶-۱. غلبه اسلام بر جمیع ادیان ۸۵
- ۳-۷. مهدویت، عامل وحدت ۸۸
- ۳-۷-۱. امام غائب چگونه امامت می‌کند؟ ۸۹
- ۳-۸. فلسفه غیبت امام مهدی (عج) ۹۲
- ۳-۸-۱. غلبه اسلام بر سایر ادیان ۹۲
- ۳-۸-۱-۱. بررسی آیات ۹۳
- ۳-۸-۲. تغییر مصالح به تغییر حالات ۹۴
- ۳-۸-۳. تکامل و پیشرفت بشر ۹۶
- ۳-۸-۳-۱. پیشرفت بشر از حیث ظرفیت دینی و اسلامی، ولودرطنه خاصی از آنها ۹۶
- ۳-۸-۳-۲. پیشرفت بشر در تکنولوژی برای بسط و گسترش حکومت در سطح عالم ۹۶
- ۳-۸-۴. ضرورت رهبری ۹۶
- ۳-۸-۴-۱. عالم به جمیع قوانینی باشد که بشر به آنها محتاج است ۹۶
- ۳-۸-۴-۲. قدرت خارق العاده داشته باشد ۹۶
- ۳-۸-۴-۳. از گناه و اشتباه و گمراهی به دور باشد ۹۶
- ۳-۸-۵. دوازده امام ۹۶
- ۳-۸-۶. خوف از قتل ۹۷
- ۳-۸-۷. بیعت نکردن امام زمان (عج) با حاکمان ۹۸
- ۳-۹. امامت و عصمت «دو اصل مبنایی برای غیبت» ۱۰۰
- ۳-۹-۱. غیبت و زمان غیبت ۱۰۰
- ۳-۹-۱-۱. دوران غیبت صغری ۱۰۱
- ۳-۹-۱-۱-۱. حکمت غیبت صغری قبل از غیبت کبری چه بوده است؟ ۱۰۳
- ۳-۹-۱-۲. امتیاز عصر غیبت صغری بر غیبت کبری چیست؟ ۱۰۳

- ۳-۹-۲. زمینه سازی خداوند برای امامت حضرت مهدی (عج)..... ۱۰۴
- ۳-۹-۳. زمینه سازی امامان برای غیبت حضرت مهدی (عج)..... ۱۰۴
- ۳-۹-۴. خبر دادن رسول اکرم ﷺ از غیبت امام زمان (عج)..... ۱۰۴
- ۳-۹-۵. امام علی ﷺ به غیبت حضرت مهدی (عج) اشاره کرده است..... ۱۰۵
- ۳-۹-۶. امام حسن ﷺ از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۰۶
- ۳-۹-۷. امام حسین ﷺ از غیبت فرزندش مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۰۷
- ۳-۹-۸. امام سجاد ﷺ از غیبت فرزندش مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۰۸
- ۳-۹-۹. امام باقر ﷺ از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۰۸
- ۳-۹-۱۰. امام صادق ﷺ از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۰۹
- ۳-۹-۱۱. امام کاظم ﷺ از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۱۰
- ۳-۹-۱۲. امام رضا ﷺ از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۱۱
- ۳-۹-۱۳. امام جواد ﷺ از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۱۲
- ۳-۹-۱۴. امام هادی ﷺ از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است..... ۱۱۳
- ۳-۹-۱۵. امام عسکری ﷺ برای غیبت فرزندش مهدی (عج) زمینه سازی نموده است..... ۱۱۳
- ۳-۹-۱۵-۱. تعلیمات و بیانات..... ۱۱۳
- ۳-۹-۱۵-۲. کم کردن ارتباطات خود با شیعیان..... ۱۱۴
- ۳-۹-۱۵-۳. اتخاذ نظام وکالت..... ۱۱۴
- ۳-۹-۱۵-۴. قربانی کردن برای فرزندش..... ۱۱۴
- ۳-۹-۱۵-۵. نشان دادن فرزند خود به خواص از شیعیان..... ۱۱۵
- ۳-۱۰-۱. حکومت جهانی مهدوی..... ۱۱۵
- اشاره..... ۱۱۵
- ۳-۱۰-۱. عقل و حکومت جهانی مهدوی..... ۱۱۶
- ۳-۱۰-۲. قرآن و حکومت جهانی مهدوی..... ۱۱۷
- نتیجه گیری..... ۱۱۷

فصل چهارم: شبهه سوم: شریعت مهدی (عج) چه نوع شریعتی است؟ (اثبات اینکه

شریعت مهدی (عج) اسلام است در روایات معصومین علیهم السلام) ۱۱۸

۴-۱. احیای سنت محمدی صلی الله علیه و آله ۱۲۰

۴-۲. دگرگونی‌ها و اصلاحات در روزگار امام زمان (عج) (شریعت مهدی علیه السلام) ۱۲۳

۴-۲-۱. احکام جدید ۱۲۳

۴-۲-۱-۱. اعدام زناکار و منع‌کننده از زکات ۱۲۳

۴-۲-۱-۲. قانون ارث ۱۲۴

۴-۲-۱-۳. کشتن دروغ‌گویان ۱۲۴

۴-۲-۱-۴. پایان حکم جزیه ۱۲۵

۴-۲-۱-۵. انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام ۱۲۵

۴-۲-۱-۶. حکم رهن و وثیقه ۱۲۶

۴-۲-۱-۷. سود تجارت ۱۲۶

۴-۲-۱-۸. کمک برادران دینی به یکدیگر ۱۲۶

۴-۲-۱-۹. حکم قطایع ۱۲۶

۴-۲-۱-۱۰. حکم ثروت‌ها ۱۲۷

۴-۲-۲. اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد ۱۲۷

۴-۲-۲-۱. تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن ۱۲۷

۴-۲-۲-۲. تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف ۱۲۷

۴-۲-۲-۳. ویران کردن مناره‌ها ۱۲۸

۴-۲-۲-۴. بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی ۱۲۸

۴-۲-۵. قضاوت ۱۲۸

۴-۲-۶. حکومت عدل ۱۲۹

نتیجه‌گیری ۱۳۰

فهرست منابع ۱۳۱

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

بی تردید از مشترکات مباحث دینی در میان ادیان و در میان فرقه‌های مختلف اسلامی، اعتقاد به آمدن مصلح در انتهای تاریخ است. اگر اختلافات و ویژگی‌های جزئی کنارگذاشته شود، خواهیم دید، آن مصلحی که توصیف گردیده و خصوصیاتش بیان شده، فرد خاصی است، چگونه می‌توان پذیرفت که ادیان و مذاهب درباره یک دوره شکوفا و طولانی سخن بگویند و در باره خوش‌بختی و عدالت آن زمان، قلم‌فرسایی کنند، اما این مرحله از حیات بشریت نسبت به هر دین متفاوت باشد.

طبیعی است که خداوند و انبیاء از یک مسئله خاص سخن گفته‌اند و همه رسولان به جهت وحیانی بودن سخنانشان فرد مشخصی را منظور داشته‌اند، و به زبان خود او را توصیف نموده‌اند هر چند که با گذشت زمان و ایجاد ناخالصی و تحریف در ادیان، چهره این فرد خاص مغشوش و ناشفاف گشته است اما انسان با بررسی تطبیقی و نگاه به شواهد می‌تواند به این نکته پی‌برد که فرد خاصی مورد توجه همه ادیان بوده است.

همچنین نباید تصور شود، اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام و زندگی ایده‌آل که با آمدن آن حضرت وعده داده شده، اختصاص به یک فرقه از مسلمین دارد. اگر به منابع روایی و مستندات معتبر اهل سنت و شیعه رجوع شود، مشخص می‌گردد که اعتقاد به مهدویت به همان میزان که در میان شیعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، در میان اهل سنت نیز چنین می‌باشد. در میان اندیشمندان اهل سنت بیش از ۵۰ کتاب مستقل درباره حضرت مهدی (عج) نوشته شده که به بیان شخصیت آن حضرت، علائم ظهور و ویژگی‌های پس از ظهور می‌پردازند مانند کتاب «البیان

فی اخبار صاحب الزمان» از الحافظ ابی عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (وفات ۶۵۸ هـ ق)، کتاب «الفتن» اثر ابن حماد المروزی (تولد ۲۲۶ هـ ق)، کتاب «السنن الواردة» اثر امام عمرو عثمان بن سعید الدانی (وفات ۴۴۴ هـ ق)، کتاب «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» اثر یوسف الشافعی السلمی (قرن ۷ هـ ق) و کتاب‌های فراوان دیگری که در کتاب‌نامه‌های مهدویت آمده است. البته این کتاب‌ها جدای از باب‌هایی است که در باره حضرت مهدی (عج) می‌باشد. این تعداد کتاب در باره حضرت مهدی (عج) در میان شیعیان به بیش از هزار جلد می‌رسد که در کتاب‌شناسی توصیفی اسامی آنها ذکر گردیده است. (۱)

در تمامی این کتاب‌ها، احادیث زیادی از پیامبر ﷺ مورد استناد قرار گرفته که بیان‌گر آمدن فردی به نام «مهدی» (عج) است و حتی تصریح شده که وی از فرزندان فاطمه ﷺ است. به عنوان مثال در سنن ابی داوود ام سلمه حدیثی را از پیامبر ﷺ نقل کرده است که ایشان فرمود:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه» (۲)

مهدی از فرزندان حضرت فاطمه است.

و یا در حدیث دیگری از پیامبر ﷺ به نقل از سنن ابن ماجه آمده است که می‌فرماید:

«المهدی منا اهل البیت یصلحهُ الله فی لیلۃ» (۳)

مهدی (عج) از میان ما اهل بیت ﷺ است که خداوند شرایط

ظهورش را در یک شب فراهم می‌سازد.

یا در حدیثی دیگر به نقل از انس بن مالک ذکر شده است که پیامبر ﷺ فرمود:

«نحن ولد عبدالمطلب سعادة اهل الجنة انا وحمزه وعلی وجعفر والحسن

۱. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات (قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (حمران)، ۱۳۸۴)، ص ۴۹.

۲. امام ابی عمرو عثمان بن سعید الدانی، سنن ابی داوود،

۳. حافظ ابی عبدالله محمد بن یزید القرینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی (بیروت: داراحیاء

التراث العربی، ۱۳۹۵ هـ / ۱۹۷۵ م)، کتاب الفتن، ج ۴۰۸۵.

والحسین والهدی»^(۱)

«ما فرزندان عبدالمطلب سروران بهشت هستیم، یعنی من، حمزه علیه السلام، علی علیه السلام، جعفر علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و مهدی (عج)».

به جهت کثرت روایات مأثور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غالب علماء اهل سنت، مسئله مهدویت و تحقق حکومت ایشان را قبل از به وجود آمدن قیامت، قبول نموده‌اند و اگرچه بعضی از اندیشمندان اهل سنت حضرت مهدی (عج) را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام ندانسته و می‌گویند، هنوز متولد نشده اما آنان هم بر آمدن حضرت یقین دارند و در باب «اشراف الساعة» [علائم قیامت] به مسائلی اشاره دارند که مورد قبول همه فرقه‌های اسلامی است، مانند: خروج دجال، آمدن سفیانی، به زمین آمدن عیسی علیه السلام، ظهور حضرت مهدی (عج) هر چند از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد؛ زیاد شدن هرج و مرج و بلایای طبیعی، بی‌نیازی مالی مردم، انفاق حضرت و امثال آن.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^(۲)

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ

الْوَارِثِينَ﴾^(۳)

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المهدی یخرج فی آخر الزمان»^(۴)

با فروپاشی کمونیسم در شرق و به بن‌بست رسیدن لیبرالیسم غرب، ملت‌ها از یک سو و کوچک شدن دنیا به دلیل گسترش ارتباطات و طرح دهکده جهانی و جهانی‌سازی از سوی دیگر، و در فصل عطش ناک زمین و برای نجات این نسل تشنه و خسته می‌باید طرحی نو در انداخت و آموزه‌ای را جست که با زبان مناسب و ادبیات جهانی، در برابر تئوری‌ها و نظریه‌های

۱. همان، ح ۴۰۸۷.

۲. اسراء: ۸۱.

۳. قصص: ۳.

۴. محمدبن الحسین طوسی، الغیبه (بیروت: مؤسسه علمی، ۱۴۰۳ ه.ق)، ص ۱۷۹.

نظریه پردازان بزرگ جهانی درباره پایان تاریخ و فرجام نهایی انسان‌ها بتوانند ایستادگی کند و با آنها به رقابت پردازد و در بسیج و جذب همگان از فرهیختگان گرفته تا توده‌های میلیونی نیز موفق باشد.

باید به دنبال آموزه‌ای بود اعتقادی، جهانی، فراگیر و بین ادیانی، اصیل و ریشه‌دار، آمانی، حیاتی و حیات‌بخش، سرنوشت‌ساز، متعلق به ما و عصر ما، نوبدبخش، پایان بخش همه اختلاف‌های مذهبی و غیرمذهبی، برطرف کننده مشکلات انسان‌ها، برآورد کننده آرزوها و خواسته‌های همه انسان‌ها در طول تاریخ، تعیین کننده حرکت جوامع، تحول آفرین و الگوساز در تمامی عرصه‌ها و ساحت‌های حیات بشری، و بالاخره دارای قدرت انفجاری عظیم و بی‌بدیل در بسیج توده‌ها و ملت‌ها در مقابله با همه ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها، آموزه‌ای با این گونه اوصاف و توانمندی به جز «مهدویت» نمی‌توان یافت.

در میان آموزه‌های دینی، مهدویت تنها آموزه‌ای است که این همه را با خود دارد و نه یک گزینه که تنها گزینه و نه یک راه که تنه‌راه است؛ «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلك غيره هلك». «السلام عليك يا باب الله الذي لا يؤتى الا منه» و «لا ابتغى بك بدلاً واتخذ من دونك ولياً»^(۱) گرچه همه آموزه‌های دینی، حیات آفرین و برای رسیدن انسان به کمال نهایی مورد توجه و اهتمام شارع‌اند. اما همه آنها در یک سطح قرار ندارند و اهمیت و کارکرد آنها یکسان نیست.

پژوهش پیرامون مهدویت و پاسخ به شبهات آن، اکسیر حیات‌بخش است که مس وجود انسان‌ها و ملت‌ها را به رغم همه اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که دارند به زرناب بدل می‌سازد و همه عالم و آدم را متحول می‌کند، چون مهدویت یعنی: امید به جهان آینده و آینده جهان یعنی فلسفه و تاریخ بشریت، مهدویت یعنی آخرین پناه و خاک ریز انسان معاصر در برابر همه سیاهی‌ها و تبااهی‌ها و در یک کلام یعنی: طرح حکومت جهانی صالحان با محوریت انسان مصلح موحد. و ما در این پژوهش کوشیده‌ایم به بیان چند شبهه که از جانب دیگر گروه‌ها و ادیان و مذاهب مطرح شده پردازیم و مهدویت را از دیدگاه دیگر ادیان مورد بررسی قرار دهیم و...

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان (قم: کانون انتشارات علمی، ۱۴۰۸ ه.ق)، زیارت حضرت صاحب الامر.

کما این که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

۱. هدف‌ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق

مهدویت به دلیل دارا بودن ویژگی منحصر به فرد، یکی از توان‌مندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جامعه باعث تعالی هر چه بیشتر جامعه و حفظ آن از فرد غلتیدن در ناراستی‌ها و فسادها و تباهی‌ها است.

۲. فرضیه‌ها

- ۱- امام زمان (عج) یک حقیقت تاریخی است و تنها یک فرضیه فلسفی نیست.
- ۲- ادله ضرورت وجود معصوم ادله وجود غیبت است.
- ۳- شریعت مهدی اسلام است.

۳. تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

با توجه به اعتقاد راسخ و اجماعی شیعه به مسئله حضرت مهدی (عج) که تقریباً از ارکان مذهب شیعه اثنی عشری است در دنیای امروز سؤالات و شبهاتی به این مسئله وارد شده لذا لازم است. این شبهات بررسی شود و پاسخ علمی و دقیق به آنها داده شود.

۴. سؤال‌های اصلی تحقیق

- ۱- آیا امام زمان یک حقیقت تاریخی است یا یک فرضیه فلسفی؟
- ۲- ادله ضرورت وجود امام معصوم و ارتباط آن با مسئله غیبت چیست؟
- ۳- ضرورت حجت و استفاده از آن در مسئله غیبت؟
- ۴- شریعت مهدی (عج) چه نو شریعتی است؟

۵. سابقه و پیشینه تحقیق

در رابطه با سؤالات و شبهات مطرح شده در این رساله مقالاتی نوشته شد از جمله پرسش‌ها و شبهات پیرامون امام مهدی (عج) که به برخی از شبهات این رساله در آنجا به طور مختصر پاسخ داده شده و هم‌چنین در مجموعه موعود به این پرسش‌ها در حد یک مقاله پاسخ داده شده است.

۶. ضرورت انجام تحقیق

امروزه با توجه جهان به موضوع مهم مهدویت و مطرح شدن اندیشه‌های موازی و انحرافی در این زمینه از سوی قدرت‌های جهان و برداشت‌های غیرکارشناسانه از این موضوع، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده لذا سعی شده در این رساله به شبهات و سؤالات در این زمینه (مهدویت) در حد بضاعت پاسخی فلسفی و کلامی داده شود.

فصل دوم:

شبهه اول: آیا امام زمان یک حقیقت تاریخی است یا یک فرضیه فلسفی

در هر بحثی پیش از پرداختن به مسائل آن، باید به ضرورت و بایستگی آن توجه کرد، تا با انگیزه قوی و توان کافی وارد آن شد.

مهدویت در راستای مسأله امامت و در امتداد نبوت و خاتمیت است، از این رو در مرحله‌ای حساس از تاریخ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است و تا آخرین لحظه حیات دنیوی بشر نیز باقی خواهد بود، بنابراین چگونگی «امامت» از امام علی علیه السلام تا ولی عصر (عج) و عکس العمل مسلمانان درباره امامت (به طور عام) و مهدویت (به طور خاص) و نیز حوادث تاریخی در این زمینه می‌تواند از موضوعات مهم و حساس تاریخ اسلام به شمار آید.

مسأله مهدویت در طول تاریخ مطرح بوده است. روایات شیعه و سنی مملو از بشارت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به آمدن حضرت مهدی (عج) است، موعودباوری در طول حیات تاریخی اسلام منشاء آثار فراوان بوده است.

جالب این است که بسیاری از حرکت‌های اصلاحی به خصوص در عصر حاضر متأثر از اندیشه مهدویت بوده است؛ به طوری که بسیاری از نهضت‌های ضد استعماری تحت تأثیر این حرکت قرار گرفت (مثل فاطمیان در مصر و مهدی سودانی در سودان و...)

حرکت اصلاحی موعودباوری آن چنان در جامعه اسلامی تأثیر شگرف گذاشت که برخی از دسیسه‌گران با استفاده ابزاری از واژه مهدی و ادعای مهدویت، عده‌ای از مردم را در جوامع اسلامی به خود مشغول کردند.

ما در این فصل بر آنیم که به این شبهه که «امام زمان (عج) یک حقیقت تاریخی است یا یک فرضیه فلسفی» پاسخ دهیم و به تبیین آن بپردازیم. و این فرضیه را که امام زمان (عج) یک حقیقت

تاریخی است و تنها یک فرضیه فلسفی نیست را اثبات نمائیم. إن شاء الله.
بررسی و نقد فصل (امام زمان (عج) حقیقت تاریخی است یا فرضیه فلسفی) و اثبات
فرضیه اول: (امام زمان (عج) یک حقیقت تاریخی است و تنها یک فرضیه فلسفی نیست).

۲-۱. تبیین مقام امامت از دیدگاه ائمه عترت علیهم السلام

۲-۱-۱. تحلیل امام جعفر صادق علیه السلام از امامت

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند متعال محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت برگزیده و او را خاتم انبیاء
و شریعت او را پایان شرایع قرار داد چنان که پس از او نه نبوتی از جانب
خداست و نه شرع و شریعتی جز اسلام کتابی بر او نازل نمود که این کتاب
نیز آخرین کتاب سماوی و الهی است. در این کتاب همه نظامات و قوانینی
که می باید جدول حلال و حرام را بیان دارد. بیان داشت، حلال های قرآن تا
روز قیامت حلال و حرام های آن تا روز قیامت حرام است، تمام احکام و
همه نظام اسلام و تمام حوائج و همه معارفی که انسانیت به آن نیاز دارد در
کتاب شرع اسلام آمده است. این کتاب را پیامبر صلی الله علیه و آله همچون پرچمی به
دست اوصیاء خود (امامان عترت) داد، اما گروهی از مردم از اوصیاء او
جدا شدند در حالی که آنها از جانب خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ناظرانی بر
شریعت و امت در هر زمان قرار داده شدند. گروهی از مردم از اوصیاء
پیامبر خدا، کناره گرفته و با دشمنان آنها هم دست و در قتل امامان عترت با
آنها هم داستان شدند، طاعت خود را درست به طاغوتیان عرضه کردند.
کار مخالفت را تا جایی کشانیدند که با پیروان و دوست داران اولوالامری یا
(امامان دین) و خوشه چینان از خرمن علم آنها نیز به دشمنی برخاستند»^(۱)

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۶، ح ۱۴.

در این جا امام استناد، و تمثیل به آیه از قرآن فرمود که مفاد آن چنین است. «گروهی از اهل کتاب قسمتی از دستورات خدا را از یاد بردند و از این جهت هر لحظه انتظار تجاوزی و گناهی از آنها می‌رود. (یعنی مسلمینی که از پرچم‌داران دین یا ائمه بریدند بر اثر عدم پیروی از رهبری آگاهانه دینی هر لحظه در معرض لغزش‌های تازه و انحراف‌های جدید و کج‌فهمی‌های زیان‌بار از مذهب می‌باشند) و این بدان جهت است که آنها از قرآن آگاه نیستند و نمی‌دانند چگونه باید به قرآن استناد کرد به منسوخ احتجاج می‌کنند و می‌پندارند که از ناسخ است و نه متشابه استناد می‌نمایند و آن را محکم می‌پندارند، به خاص استدلال می‌نمایند و آن را در ردیف عام می‌شمردند، به قسمتی از آیه استناد می‌کنند اما سبب استناد به این قسمت و ترک قسمت‌های دیگر را نمی‌دانند یا توجه نمی‌نمایند، به جملات قرآن آگاهی و وقوف ندارند و به مبدأ و منتهای کلام، آشنا نیستند، زیرا مفاهیم و معانی قرآن را از اهلش نگرفتند و راه فهم قرآن را از رهبران الهی نیاموختند، خود گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند، هان بدانید هر کس از قرآن، این کتاب عظیم الهی، ناسخ را از منسوخ و خاصی را از عام و محکم را از متشابه و مستحب را از واجب و مجاز را از ممنوع و مکی را از مدنی تشخیص ندهد و به اسباب و علل نزول آیات آگاه نباشد و به مبهمات لفظی و مجملات معنوی در الفاظ مفرده و مرکبه آشنا نباشد.

و از سوی دیگر به محتوای قرآن و فلسفه عمیق و عریق آن در آیات جبر و تفویض و قضا و قدر و اراده و اختیار و این که چرا آیاتی یا احکامی با مسائلی مقدم و مسائل دیگر مؤخر گردید و چرا مسائلی صریح و روشن و مسائلی مجمل و مبهم بیان شده، به اسرار ظاهر و باطن قرآن و ابتدا و انتهای آن و چگونگی سؤال‌ها و جواب‌های آن و مسائل جدا و پیوسته آن و استثنائات و عمومات آن و توجیهاتی که بعضی آیات نسبت به بعضی دیگر دارند و نیز آن جا که مسائلی به تفصیل بیان می‌شود و آنجا که به اختصار برگزار می‌گردد و یا مسائل اصولی و فرعی آن و مراتب جواز و عدم جواز از لحاظ اباحه و عذب و کراهت و تحریم و استحباب و وجوب و این که جای هر یک از این احکام کجا است و موقعیت هر یک از وجوب و حرام چگونه است، کدام واجب اکیدتر و کدام حرام شدیدتر و موجب هلاکت و الحاد است... بلی اگر به کل این‌ها و امثال این‌ها آگاهی بدور از خطا و اشتباه نداشته باشند هرگز نمی‌توان او را نسبت به قرآن، عالم و آگاه دانست

و اگر بدون سند و دلیلی کسی دعوی به چنین آگاهی ناحق کند به خدا و رسول و شریعت دروغ بسته و جهنم جایگاهش خواهد بود»^(۱) در این بیان امام علیه السلام فلسفه امامت و وجه لزوم آن که توجیه آگاهانه دین و پیاده کردن مواضع و موارد جزئیات شریعت و رهبری صحیح مردم در مرز اسلام است به خوبی تشریح گردید. از امثال این بیان می توان دریافت که امامت و رهبری آگاهانه امت است در محدوده شریعت کامله اسلام، رهبری از آن جهت که در جنب قوانین و مفاهیم همواره وجود اشخاص صالح و آگاه که آگاهی و مصونیت الهی دارند در جهت هدایت خلق به چگونگی های مفاهیم و موارد قوانین، ضروری است و نیز به وضوح دانسته می شود که امامت امتداد نبوت نیست زیرا نبوت پایان یافت، اما چگونگی استفاده از موازین نبوت تا ابد باقی است و این چگونگی است که به رهبری و امامت نیاز دارد تا تحریف شریعت از سوی و ضلالت خلق از سوی دیگر پدید نیاید.^(۲)

۲-۲. حقیقت تاریخی و تفاوت آن با فرضیه فلسفی

در بیان این مسأله، قبل از هر چیز باید ببینیم چه تفاوتی بین حقیقت تاریخی با فرضیه فلسفی می باشد. اینکه حقیقت تاریخی حقیقتی است که در طول تاریخ هیچ خللی در آن رخ نداده باشد و به طور کلی تغییرناپذیر است و به عنوان یک سند تاریخی می توان به آن استناد کرد. اما فرضیه فلسفی یک مسأله محتمل الوقوع است و بر پایه ثابتی استوار نیست، می توان در خارج واقع شود یا نمی تواند.

در این بخش ادعای ما بر آن است که امام زمان حقیقت تاریخی است و بر این ادعای خود، شاهد می آوریم.

اصل مهدویت و اعتقاد به ظهور مهدی را تمامی مسلمین خواه شیعه و خواه سنی از هر فرقه و مذهب اجمالاً قبول دارند، چه آنهایی که اصل امامت را پذیرفته و معتقد باشند یا نه،

۱. یحیی نوری، چهار رساله اسلام و تشیع، اصل امامت و دلائل آن، زندگی و سیره امامان، حضرت مهدی و فلسفه مهدویت (تهران: نوید نور، ۱۳۸۴)، ص ۱۴۲.

۲. همان، ص ۱۴۲.

فلسفه مهدویت در اسلام به طور خلاصه ناظر به این ایده و اصل است که بشریت به سوی تکامل معنوی نهایی روان است و ایمان به خدا و حق و درستی کامل، زمانی بر کل بشریت حاکم خواهد شد و در سراسر جهان، انسان‌ها به دنبال یک انقلاب عینی غیبی تحت رهبری مردی الهی از خاندان نبوت، از هر گونه ظلم و گناه و شرک و ناروایی به سوی ایمان مطلق و عدل مطلق و معنویت و سعادت مطلق رو می‌کنند....

مسئله سیر بشریت به سوی تکامل معنوی نهایی یا غلبه نهایی توحید بر شرک و درستی‌ها بر نادرستی‌ها و عدالت بر ظلم و بالاخره مرحله بلوغ انسانیت و تجلی گرفتن کامل همان نهادهای آفرینش انسانی یعنی فطرت انسان و... بی‌گمان از یک عینیت طبیعی تاریخی و قطعیت علمی برخوردار است که پیش‌گویی‌های ادیان و مذاهب و خواست‌های درونی و امیدهای فرد و جمع انسانی و روندهای اجتماعی و فلسفی و سیاسی و عمومی و قرائن و شواهد دیگر بزرگ‌زوی هم این سیر به سوی تکامل معنوی نهایی را نه تنها ایده آلیستی و تخیلی نمی‌شمرد بلکه عقل‌پسند و واقع‌گرایانه و طبیعی فطری و مقبول می‌بینند، بررسی ادیان و عقاید مانند دریافت‌های مصریان قدیم، قبطی‌ها، مذاهب چینی، هندو بودایی، آنی‌های ایرانیان قدیم و آئین مجوس و ادیان یهود و مسیحیت... نشان می‌دهد که همگی به نوعی از یک ظهور و تجلی کلی خرد و عواطف عالیه انسانی و ظهور نجات‌دهنده و مصلح بزرگ و انسان‌های وارسته و شایسته وارث زمین یا «عبادالله الصالحین» (به نقل از زبور و مزامیر آن) و ظهور انسان کامل و «عدالت‌گستر مطلق» و پیروزی نهایی نور بر ظلمت، با یک خیزش و انقلاب الهی به وسیله ظهور فردی الهی و قیام مسیح آرامش‌بخش جهان انسان و بالاخره امری که در اسلام از آن به «قیام ظهور» مهدی و مهدویت، تعبیر می‌شود، سخن‌ها گفته و بشارت‌ها داده‌اند، چنان‌که بینش‌های عقلی انسان‌های قدیم و جدید و آراء فلسفی این جا و آن جا تأکید دارد و می‌کوشد با به دست دادن یک رشته ارزش‌ها و معیارهای جهانی مانند: ایمان، عدالت، آزادی، حقیقت و واقعیت، فطرت، حقوق انسانی و... برای همه انسان‌ها در جهان و تکیه بر اصالت‌های انسانی و اصالت انسان و اومانیسیم منطقی، جامعه انسانی را از حصارهای خودخواهی و فردگرایی و ستیز و ظلم به هم و جنگ و تخریب بیرون آرد. این بینش و آراء از اعماق وجود یکایک انسان‌ها و فطرت همه بنی آدم جوشش دارد و

همین جوشش هاست که خروشها و انقلابها و سرنگون کردن جباران و طاغوتها و تاریخ آفرینیها و قیامها و شعرها و نثرها و تحولهایی در قانون و حقوق و اخلاق و غیره را در جهت رسیدن به چنان مقاصدی پدید می آورد و سرانجام جامعه بشری با همه سعی و کوشش خود و با کمک غیبی به چنان مرحله والای معنوی انسانی که در پی آن است خواهد رسید و باز چنان که سیر و تطور اجتماعی و سیاسی جهان نشان می دهد جامعه انسانی تدریجاً بر آن است که مرز زبانها و رنگها و نژادها و قومیتها و حکومتهای گوناگون را برای رسیدن به حکومت واحد جهانی و جهانی وطنی و پذیرفتن نظام و قانون واحد آماده کند، تا نظام و قانونی که بر مبنای فطریات انسانی باشد و رفاه و برابری و عدالت و شرف و مکرمت انسانی همراه داشته باشد روی کار آرد. (۱)

۲-۲-۱. آیا ایمان به وجود امام زمان (عج) و ولادت او فرضیه‌ای فلسفی وطنی است؟

باور به ولادت حضرت مهدی (عج) حقیقتی است که از نظر عقلی هیچ امتناعی ندارد و امری کاملاً طبیعی و ممکن است، و این باور با رجوع به ادله نقلی امری کاملاً یقینی می شود که ما در این جا پاره‌ای از روایات صحیح‌السند و متواترات نقلی و تاریخی را عرضه می نمایم تا حقیقت امر برای طالبان حق واضح شود. (۲)

۲-۲-۲. آیا از براهین فلسفی می توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات

رساند؟

همانطور که اشاره شد، ایمان به وجود امام زمان حقیقتی است که از راه عقلی امتناع ندارد و می شود از راه فلسفی اثبات کرد. اما به کمک ادله نقلی و متواترات یقینی خواهد شد. لذا در اینجا طبق قاعده فلسفی قسر دائم اولاً حکومت عدل جهانی را اثبات کرده ثانیاً به تبع آن عدالت گستر جهانی را اثبات می کنیم که همان مطلوب و فرضیه ما خواهد بود.

فلاسفه «قسر دائم» را در طبیعت محال شمرده اند چنانچه «قسر اکثری» را نیز نشدنی

۱. یحیی نوری، چهار رساله اسلام و تشیع، اصل امامت و دلائل آن، زندگی و سیره امامان، حضرت مهدی و فلسفه مهدویت، ص ۲۸۴.
 ۲. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۲۰۱.

می‌دانند، منظور از قسر دائم آن است که حقیقتی از حقایق هستی در دوره روزگارش از خواسته طبیعی خود محروم باشد، آتش هیچ‌گاه حرارت نداشته باشد و در جهان نیرویی باشد که از آغاز پیدایش آتش تا هنگامی که آتش در این جهان وجود دارد از حرارت آتش جلوگیری کند. یا نیرویی یافت شود که از ایزد دادن درخت سیب در دوره عمر این طبیعت، جلوگیری نماید، که فلاسفه آن را قسر دائم نامیده‌اند و آن را محال می‌دانند، منظورشان از قسر بیشتر آن است که طبیعت در اکثر دوره عمرش از اقتضای ذاتی خود محروم شود این را هم محال می‌دانند، پس هر طبیعتی در بیشتر دوره عمر، به خواسته طبیعتش می‌رسد و از اقتضای طبیعتش محروم نخواهد شد و نیروی مزاحمی در برابرش نیست، این نظریه فلسفی که به شکل قانون در جهان هستی جاری است به ما خبر می‌دهد که زورگار ظلم و جور در جامعه سپری خواهد شد و روزگار عدل و داد خواهد آمد، این نظریه فلسفی می‌گوید: قسر در انسانیت محال است؛ چنانچه در بیشتر عمر انسانیت نیز محال خواهد بود، پس روزگاری خواهد آمد که روزگار انسانیت باشد، عمر حیوانیت که در بشر حکومت می‌کند، سپری است و رفتنی و عمر حکومت انسانیت بر بشر درازتر از عمر حکومت حیوانیت خواهد بود، به یقین روزی خواهد آمد که بشر از اسارت و بردگی حیوان صفتان رهایی یابد و در سایه مهر انسانها زیست کند و زندگی داشته باشد، انسان کامل و مقدسی که رهبری جهان را به دست خواهد گرفت و به کمک عقل بشر خواهد شتافت و برپا دارنده عدالت ابدی و جهانی خواهد بود و در زبان دانش و معرفت «مهدی» نامیده شده است.^(۱)

آیا این نام را اسلام برای حضرتش نهاده است؟ آری.

مهدی کسی است که ظلم و ستم را از جهان برگند و خاور و باختر و شرق و غرب را از عدل و داد برای همیشه آکنده سازد. نظریه مهدی، سمبل مبارزه با ظلم و بیدادگری و برانداختن ستم‌کاری از صحنه گیتی است. این نظریه از امیدهای اصلی و اجتماعی بشر بوده و هست و در کانون نهاد هر کسی، چنین امیدی موجود است و حضرت مهدی نور این امید است، همه ادیان و مذاهب بشری بدان خبر داده و کسی را نام برده‌اند که او مهدی خواهد بود. ارمیای پیامبر ﷺ

۱. سید رضا صدر، راه مهدی صص ۲۵ و ۲۶؛ علی اصغر رضوانی، موعودشناسی، ص ۲۸.

در تورات از جنگی عظیم و جهانی خبر می‌هد که دو سوم ($\frac{2}{3}$) مردم زمین را نابود می‌کند، سپس پادشاه عادل آید و جهان را اصلاح فرماید. زیور داود، از آمدن مصلحی نوید می‌دهد که دریا تا دریا را داد کند و جمیع امت‌های جهان اطاعتش کنند. یهود و جهودان، «عزیز» نبی را مهدی می‌خوانند. مسیحیان و ترسایان، «مسیح» را مهدی می‌خوانند. نزد گبران و زرتشتیان نام مهدی «بهرام» است و فرزند سوم زرتشت و یا «سوشنانت» است که جهان را پر از پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک خواهد کرد.

بوداییان و برهمنایان که ۲۲۰ فرقه گوناگون هستند، انتظار بازگشت پیشوای خود را دارند. ایرانیان باستان، «کیخسرو» را منتظر بودند، می‌گفتند روی نمانده و باز خواهد آمد. ولی هیچ یک از ادیان گذشته مانند اسلام، نظریه مهدی را محکم و استوار نساخت، نه تنها پیروان خود را به وجود مهدی وعده داد پیروان مذهب دیگر را متوجه این نظریه نمود و آگاه ساخت که در مذهب خودشان اصل وجود مهدی ثابت است و این یکی از حق‌های بزرگ اسلام بر جامعه بشریت است. (۱)

۲-۳. بررسی مهدویت به عنوان فرضیه فلسفی

به وجود آمدن سازمان‌های گوناگون بین‌المللی و اندیشه‌های حقوقی بین‌المللی و نیز تطور تدریجی از تکیه بر مرزها و ملت‌ها که پایگاه ناسیونالیسم است به سوی انترناسیونالیسم که واحد اعلامی همکاری و همبستگی و وحدت و یکپارچگی انسان‌ها روی زمین را تحت نظام مقبول جهانی واحد می‌طلبد و نیز پیدایش و توسعه مکتب‌ها و فلسفه‌هایی که دم از رفاه و سعادت و بهبود زندگی و کمال معنوی کل انسانیت می‌زنند و تجهیز و گسترش روزافزون صنعتی و فنی و مسائل ارتباطات و... بر روی هم از نظر سیر اجتماعی و سیاسی و صنعتی نشانی دیگر از آماده شدن جهانی انسانی برای پذیرش یک ظهور الهی و حکومت عدل واحد یا مهدویت است. این‌ها و امثال این‌ها زمینه‌های فطری و فلسفی و تطور اجتماعی و سیر تکاملی انسانی مهدویت و ظهور

۱. سید رضا صدر، راه مهدی (ای.جا: ای.نا)، ۱۳۷۸، ص ۲۱.

و قیام مهدی می‌باشند. وجود حجت الهی در زمین یا به صورت حاضر یا غائب بعد دیگر مسأله است. بلی، ظهور و قیام مهدی و اصل مهدویت، غیبت طولانی مهدی و انتظار مثبت و حرکت آفرین و جهت‌دهنده امت اسلام برای رسیدن به چنان تکامل نهایی بشری و چنان تجلی کامل اسلام و کمال انسانی طبق صدها حدیث و تصریحات پیامبر ﷺ که در صدها کتاب معتبر حدیثی و تاریخی موجود است، خود یک اصل از اصول عقیدتی و یک فصل از فصول تربیتی و فلسفی قطعی اسلام است و از آن جا که مهدویت و مهدی بخشی از مجموعه اسلام و قسمتی از مسئولیت رهبری آن و جزئی از کل نظامات این شریعت است بدین جهت شریعت اسلام (نه آن گونه که آئین‌ها و ادیان گذشته به صورت کلی و نامشخصی ظهور یک منجی الهی را بر بشریت در آینده نوید می‌دادند) بلکه با ذکر کل خصوصیات فردی مهدی و علائم ظهور و چگونگی ظهور و تحولات پس از ظهور و مسئولیت‌ها و مسائل فراوان دیگر در این رابطه... کمترین ابهامی باقی نمانده است. (۱)

۲-۴. حقیقت تاریخی بودن امام زمان

۲-۳-۱. اثبات وجود امام زمان (عج) بر اساس حساب احتمالات

آیا می‌توان از راه حساب احتمالات، وجود امام زمان (عج) را به اثبات رساند؟
مرحوم شهید صدر در این باره می‌فرماید:

«قضیه مهدی (عج) حقیقتی است [تاریخی] که امت اسلامی در طول قرن‌ها با آن زندگی نموده است و خصوصاً در طول هفتاد سال سُفرا و نَوَاب خاص حضرت در خلال معاشرتشان با مردم به آن تذکر داده‌اند، در حالی که هیچ‌کس در این مدت حرف خلافتی از آن‌ها نشنیده است. آیا انسان می‌تواند باور کند که دروغی بتواند نه تنها در هفتاد سال بلکه قرن‌ها دوام بیاورد و یا چهار نفر به عنوان نایب آن حضرت بر او اتفاق داشته باشند، بدون آن که

۱. یحیی نوری، چهار رساله اسلام و تشیع، اصل امامت و دلائل آن، زندگی و سیره امامان، حضرت مهدی و فلسفه مهدویت، ص ۲۱۸.

هیچ‌گونه شک و تردیدی برای کسی پدید آید و بدون آن که بین آن چهار نایب کمتر علاقه خاصی وجود داشته باشد تا مجوز توافق بر کذب شود. از قدیم‌الایام گفته شده که ریسمان دروغ کوتاه است و نیز منطق حیات و زندگانی ثابت می‌کند که از جهت علمی و به حساب احتمالات محال است که دروغی به این شکل بتواند دوام آورده و اطمینان تمام امت را جلب نماید.^(۱)

پس نتیجه می‌گیریم که از راه حساب احتمالات نمی‌شود وجود امام زمان را ثابت کرد بلکه این امر یک حقیقت واقعی می‌باشد.

۲-۴-۲. نگرش اندیشمندان اهل سنت پیرامون مهدویت

به جهت کثرت روایات موجود در منابع حدیثی، اکثر عالمان اهل سنت مسئله مهدویت را نپذیرفته‌اند و حتی در این باره کتاب نوشته‌اند، دانشمندان اهل سنت وقتی می‌بینند، محدثان بزرگی مانند: ابوداود سجستانی، ابو عیسی ترمذی، نجاری جعفی، ابن ماجه، احمد حنبل، قشیری نیشابوری، احادیث صحیح را در باره علائم آخرالزمان و مهدیت گرد آورده‌اند و به آن وفادارند، از این رو نتوانسته‌اند به راحتی مسئله مذکور را نادیده گرفته و آن را نپذیرند، هرچند اهل سنت در جزئیات مسئله با شیعه اختلاف دارند، اما در اصل مسئله مهدویت با یکدیگر توافق دارند. به تعبیر مؤلف کتاب «کفایة الموحدين» احادیث نقل شده پیرامون مسئله از جانب شیعه و سنی به قدری زیاد است که مسأله مهدویت را همچون مسئله «غدیر خم» به حد تواتر می‌رساند^(۲)، به طوری که پاره‌ای اندیشمندان، مبحث مهدویت را نه یک بحث مذهبی و متعلق به یک فرقه، بلکه یک بحث اسلامی می‌دانند که اعتقاد به این موضوع اختصاص به مذهب خاصی ندارد و همه مذاهب به آن وفادار هستند.

۱. محمد باقر صدر، بحث حول المهدی (قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۳۸۲)، صص

۱۰۹ و ۱۱۰.

۲. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۸۰ (به نقل از اسماعیل بن

احمد نوری طبرسی، کفایة الموحدين (تهران: علمیه اسلامیة، ۱۳۶۳)، ج ۲، فصل ۱۲، مقاله نخست، صص ۲۸۱-۱۹۷).

در میان عالمان اهل سنت، از جمله کسانی که در باره امام مهدی (عج) کتاب نوشته و یا صریحاً اعتقاد خود را بیان نموده است، جلال الدین سیوطی، محمد امین بغدادی، و یا شیخ محمد عبده که از روشن فکران مصری شمرده می شود، می گوید: خاص و عام می دانند که در اخبار و احادیث، ضمن شمردن علائم قیام قائم، آمده است که مردی از اهل بیت پیامبر ﷺ خروج می کند که نام او مهدی (عج) است.

هم چنین صدرالدین قونوی از بزرگان تصوف و شارحان عرفان محیی الدین در وصیت نامه خویش ملاک صدق معارف را امام مهدی (عج) می داند و می گوید: «... و یاران خویش را وصیت می کنم که پس از من در مشکلات معارف ذوقی فرو نروند. لذا سخنی از هیچ کس نپذیرند، مگر کسی از آنان که امام مهدی (عج) را درک کرده باشد، سلام مرا به او برساند و از او - آنچه از معارف را که بیان می کند - فراگیرد.» همچنین قونوی صریحاً اعلام می کند که امام مهدی (عج) صاحب خلافت مطلقه الهی و ختم ولایت مقیده مضاف به ولایت مطلقه محمدی است که پیامبر ﷺ او را خلیفه خدا خوانده است، از این رو قونوی معتقد است که حضرت مهدی (عج) خلیفه بی واسطه الهی است.

تردید باقی نمی ماند که این قائم و نهضت همان چیزی است که قرن‌ها، مسلمانان منتظر آن هستند که شریعتش اسلام است و حکومت عدل را در جهان بر پا می کند. و ذهن هیچ فرد منصفی به فرد دیگری انصراف پیدا نمی کند، به همین جهت در طول تاریخ اسلامی تمام مدعیان دروغین مذهبی که خود را پیام آور اصلاح و حکومت جهانی قلمداد کردند، با عنوان مهدی خود را معرفی می نمودند، این امر بیانگر تواتری است که مسئله مهدویت در میان مسلمانان دارا می باشد.^(۱) و این که أدله ضرورت وجود معصوم ادله وجود غیبت است و هم چنین ادله ضرورت

۲-۴-۲. ۱. بیهقی (درگذشته به سال ۴۵۸ هـ)

امام بیهقی پس از ضعیف دانستن حدیث «لامهدی الا عیسی بن مریم» (هیچ مهدی نیست مگر عیسی بن مریم) می گوید: به طور قطع اسناد احادیثی که بر قیام مهدی، آشکارا دلالت دارد،

۱. سید رضا صدر، بحث حول المهدی (قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للمشهد الصدر، ۱۳۸۲)، صص ۷۹

صحیح تر است: این مطلب را «ابن حجر» در «تهذیب التهذیب»، در ترجمه محمد بن خالد جندی راوی حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم» آورده است و ابن میثم در «المنار المنفیف فی الحدیث الصحیح والضعیف» از او نقل کرده است.^(۱)

۲-۴-۲. ابن اثیر (در گذشته به سال ۶۰۶ هـ)

مهدی یعنی: کسی که خداوند راه حق را به او نشان داده است. این کلمه به صورت اسم به کار رفته است. تا جایی که «عَلَمَ به غلبه» شده است. و همین کلمه (مهدی) نام آن کسی است که پیامبر ﷺ مژده داده است که در آخر الزمان می آید.^(۲)

در حدیث آمده است که در روزگار مهدی: «زمان به هم نزدیک می شود (گذشت زمان محسوس نیست)، یکسال همچون یک ماه است».^(۳)

۲-۴-۳. ابن تیمیه و ظهور مهدی (در گذشته به سال ۶۲۵ هـ)

عبدالله بن زید المحمود رئیس دادگاه شرعی قطر در رساله خود لامهد ینتظر بعد الرسول خیر البشر در صفحه ۱۲ و ۱۳ پس از سخنانی در رابطه با انکار حدیث مهدی می گوید:

«اما ای بسا بعضی ها بگویند که شیخ الاسلام ابن تیمیه به صحت ظهور مهدی اعتقاد دارد و او عالم فرزانه است که صحت دیدگاه و درایت آشکارش مورد گواه همگان است. در پاسخ باید بگویم: آری من نیز گفتار شیخ الاسلام را دیده ام که در آن ثبت شده که هفت حدیث به روایت ابی داود پیرامون مهدی آمده است، من هم در آغاز جوانی بر باور شیخ الاسلام بودم و از گفته هایش تأثیر پذیرفتم، ولی چون به چهل سالگی رسیدم و از متون مطلع گردیدم با سستی ها، تضادها و اختلاف های آن آشنا و واقف شدم و بحمد الله سرانجام این اعتقاد ناپسند از ذهنم پاک شد و کاملاً

۱. محمد صدر، موسوعة الامام المهدی (قم: دار الفکر، ۱۳۸۲)، ج ۱، ص ۶۰۷.

۲. ابن اثیر جذری، النهایه فی غریب الحدیث والاثیر (قم: انتشارات اسماعیلیان، [بی تا])، ج ۵، ص ۲۵۴.

۳. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والاثیر، ج ۴، ص ۳۳.

دریافتیم که پس از پیامبر ﷺ و کتاب خدا «مهدی» در کار نیست.»^(۱)

شیخ ابن محمود می افزاید:

«لغزش عالم را به غرق شدن کشتی همانند دانسته‌اند که چون غرق شود گروه کثیری با آن غرق می‌شوند، و بدین ترتیب باید گفت که با این سخن شیخ الاسلام، چه بسیارند علماء و توده مردم که با اعتقاد به صحت ظهور مهدی غرق گشته‌اند، زیرا در دیدار با آنان همواره به سخن شیخ الاسلام استناد می‌کردند.»

و ی سبس

برای عذرخواهی از شیخ الاسلام می‌گوید:

«شاید این سخن، در آغاز جوانی از شیخ الاسلام سر زده باشد! یعنی از پیش از گسترش آگاهی و پختگی وی در علوم و متون به هر حال او مجتهد است و از این بابت «مأجور» خواهد بود و چه بسا یک عالم محقق سخنی بگوید که رجحان آن ضعیف باشد و مقلد و دنباله‌رو او در حصول اجر و رساندن بار به سر منزل مقصود به پایه و مرتبه او نرسد پس بر مقلد فرض است که اجتهاد کند، چه بسیارند علمایی که در اوایل جوانی چیزهایی گفته‌اند و بعدها ضعف گفتارشان بر خودشان معلوم گردیده آنگاه بر خلاف آنچه قبل گفته‌اند، سخن دیگر رانده‌اند.»^(۲)

۲-۴-۲-۴. محیی‌الدین ابن عربی (در گذشته به سال ۶۳۸ هـ)

مهدی حجت خدا بر مردم زمان خود و از پیروان پیامبر ﷺ است. پیامبر ﷺ در باره او گفته است: «او راه مرا پی می‌گیرد و به خطا نمی‌رود...». همین امر، گواهی می‌دهد که مهدی در بیان احکام مصون از خطاست، همان‌گونه که رسول خدا در ابلاغ آنچه از جانب خداست، عصمت دارد.^(۳)

۱. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۸۰.
۲. همان، ص ۱۸۶.
۳. ابن عربی، فتوحات مکیه (بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، [بی‌تا])، ج ۳، صص ۳۳۳ و ۳۳۷ و ۳۳۸.

و ی سبس

همانا خدا را خلیفه‌ای است که روزی قیام می‌کند و زمین را که سرشار از جور و ستم گشته است. از قسط و عدل بیاکند و اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را به اندازه‌ای طولانی گرداند، تا این خلیفه که از خاندان پیامبر ﷺ و از نسل فاطمه ﷺ و همانم رسول الله ﷺ است بیاید... بینی «رکن» و «مقام» با مردم بیعت می‌کند، سیمای ظاهری و بدن او همچون پیامبر ﷺ است... پیشانی‌ش بلند و تابنده و بینی‌اش کشیده و زیبا... مال را به طور مساوی میان مردمان تقسیم می‌کند، و عدالت می‌ورزد... هر کس از او چیزی بخواهد، چنان ارزایش می‌دارد که نتواند بر دوش کشد، در عصر سستی دین (و ارزش‌های دینی) بپا می‌خیزد، خدا به وسیله او چیزهایی را که با (رهنمودها و تعالیم) قرآن عملی نساخته، عینیت می‌دهد. فردی که شب هنگام تنگ‌نظر و ترسو است، در سپیده‌دمان جزو داناترین و باکرامت‌ترین و شجاع‌ترین مردمان می‌گردد. خدا کار و امور او را یک‌شبه اصلاح می‌کند. پیروزی پیشاپیش او در حرکت است...

فرمانروایی و حکومت (و قدرت) او را در (غفلت و) خطا فرو نمی‌برد. زمین‌گیران و درماندگان را تأمین می‌کند، و ضعیفان را در راه حق توانمند و قوی می‌سازد، مهمان را گرمی می‌دارد و در پیشامدها و مصیبت‌ها تکیه‌گاه مردم است. آنچه را می‌گوید عمل می‌کند و با آگاهی و شناخت حرف می‌زند. و آنچه را گواه است، می‌داند... ریشه‌ی ظلم و ظالمان را از بن می‌خشکاند و دین را به پا می‌دارد، در اسلام روح (حیات) می‌دهد، و به آن پس از ذلت، عزت می‌بخشد. و دوباره (در حیات اجتماعی) زنده‌اش می‌گرداند. جزیه را وضع می‌کند، و با (قدرت نظامی و) شمشیر مردم را به سوی خدا فرا می‌خواند، و آن که را سرباز زند، می‌کشد، و هر که با وی درآویزد، به خواری می‌افتد، دین را چنان که باید قوام می‌دهد. و جز دین خالص (و ناب توحیدی) دیگر ادیان را از زمین بر می‌چیند، دشمنان او آن دسته از مقلدانند که حکم و اندیشه‌اش را سازگار با نظر رهبران خود نمی‌بینند. و از ترس شمشیر و قدرتش و نیز برای دستیابی به چیزهای رغبت‌انگیزی که در نزد اوست، فرمان او را گردن می‌نهند. توده‌ی ملمانان بیش از خواص آنان شاد می‌شوند.

عارفان خداجو، که اهل حقیقت، شهود و کشف‌اند، با او بیعت می‌کنند، (کارگزاران او)

مردانی انعطاف‌پذیرند که دعوتش را پاس می‌دارند و او را یاری می‌کنند و مسئولیت‌های سنگین را می‌پذیرند و او را مسئولیتی که خدا بر عهده‌اش گذاشته مدد می‌رسانند...
ظهور مهدی، نشانه نزدیکی قیامت است، و همراه با فتح روم (قسطنطنیه بزرگ)، و جنگی خونین و شدید...!

او حجت خدا بر اهل زمان خویش است، یعنی همتای پیامبران در این مرتبه. خدای متعال (در قرآن) می‌گوید: ﴿أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعِيَ﴾^(۱) (با بصیرت به سوی خدا فرا می‌خوانم؛ من و کسانی که از من تبعیت کنند). (بی‌گمان) مهدی از پیروان پیامبر ﷺ است و از آن جاکه پیامبر ﷺ در دعوت مردم به خداپرستی، به خطا نمی‌رود، پیرو او نیز چنین است، و چنان چه در روایت آمده است، مهدی راه پیامبر ﷺ را دنبال می‌کند و به خطا گام بر نمی‌دارد، و این همان عصمت در دعوت به خداشناسی است و بسیاری از اولیای خدا، بلکه همه آنان، به آن می‌رسند....

مهدی خشم نگیرد جز برای خدا. از این رو، در هنگام غضب از حیطة اقامه حدود خدا فراتر نمی‌رود و جز انگیزه حدود خدا هدفی ندارد، چنین کسی که تنها برای خدا به خشم می‌آید، جز عادل و دادگر نخواهد بود و با ظلم و بیداد بیگانه ست، و نشانه این مقام آن است، که پس از اجرای حکم بر مجرم، خشمش فرو می‌نشیند و چه بسا مونس و همدم او گردد... علم امام به آینده، به روش تنزیل الهی به دست می‌آید، و نیز به شیوه قیاس. علم القیاسی را که مهدی می‌داند، نه برای حکم کردن که برای دوری کردن از آن است، مهدی تنها بر اساس القایات ملکی - که نزد خدا مبعوث بر او ست - راهنمایی می‌شود و حکم می‌کند و این همان شریعت راستین محمدی است که اگر پیامبر ﷺ زنده بود خود چنین می‌کرد. بنابراین با نصوصی که خدا در اختیار امام نهاده، قیاس بر او حرام است و به همین خاطر پیامبر ﷺ در باره مهدی فرموده است: او روش مرا پی می‌گیرد و به خطا نمی‌رود. و از این جا دانسته می‌شود که مهدی راهبر و معصوم است، نه پیرو. عصمت در حکم، زمانی معنا دارد که در نسبت حکم به رسول خطا

۱. سورة یوسف (۱۲): ۱۰۸.

صورت نگیرد، زیرا پیامبر ﷺ به هوس سخن نمی‌گوید، گفته او همه وحی است و چنانچه قیس با وجود و حضور رسول جایز نیست، بر اهل مکاشفه جریان ندارد، زیرا نبی نزد آنان موجود است و حکم را جز از او نستانند...

و اختلاف در احکام با وجود امام مهدی ﷺ در دنیا از میان می‌رود...

این صفات و ویژگی‌های نه‌گانه (عذرخواهی برای بندگان نزد خدا و...) در هیچ‌یک از امامان دین و خلفای خدا و رسولش تا روز قیامت، در کسی گرد نیامده است مگر برای امام مهدی ﷺ، به نص پیامبر ﷺ. (۱)

۲-۴-۲-۵. ابن ابی‌الحدید مدائنی (در گذشته به سال ۶۵۵ هـ)

در کتاب شرح نهج البلاغه:

«قد وقع اتفاق الفريقين من المسلمين اجمعين على أن الدنيا والتكليف

لا ينقضى الا عليه». (۲)

میان همه فرق مسلمین اتفاق قطعی است، که عمر دنیا و احکام و

تکالیف پایان نمی‌پذیرد، مگر پس از ظهور مهدی.

۲-۴-۲-۶. ابن خلدون (در گذشته به سال ۸۰۶ یا ۸۰۸ هـ)

«اعلم أنّ المشهور بين الكافة من اهل الاسلام على ممرّ الاعصار، انه لابدّ

في آخر الزمان من ظهور رجلٍ من اهل البيت، يؤيّد الدّين، ويظهر العدل، ويتبعه

المسلمون ويستولون على الممالك الاسلاميّة، ويسمّون المهدّيّ». (۳)

بدان مشهور بین کافه مسلمانان بنا بر آنچه که در طی اعصار گذشته

اینکه بناچار در آخر زمان مردی از اهل بیت ظهور می‌کند و دین را تأیید

می‌کند و عدل را ظاهر می‌کند و مسلمانان پیروی می‌کنند او را بر ممالک

اسلامی مستولی می‌شود و نامیده می‌شود مهدی.

۱. محی‌الدین بن عربی، فتوحات مکیه، ص ۳۶۶.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ هـ ق)، ج ۲، ص ۵۳۵.

۳. ابن خلدون، مقدمه، ترجمه گنابادی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۵۹). ص ۳۶۷.

۲-۴-۷. جلال الدین سیوطی (درگذشته به سال ۹۱۱ هـ)

عبدالله بن حرث زبیدی، از پیامبر ﷺ روایت کرده است که فرمود:
«مردمان از مشرق زمین قیام می‌کنند، و زمین حکومت مهدی را فراهم می‌آورند.» این مردم همان کسانی‌اند که با پرچم‌های سیاه از مشرق (خراسان) به پا می‌خیزند، و در حدیث ذکر آنها آمده است، و پیامبر ﷺ از همه خواسته است با امیر آنان (مهدی) بیعت کنند.^(۱)

سیوطی در کتاب الحاوی للفتاوی می‌گوید:

«عقد ابوداود فی سننه باباً فی المهدی، وأورد فی صدره حدیث جابر بن سمره عن رسول الله ﷺ: لا یزال هذا الدین قائماً حتی یكون اثنا عشر خلیفة کلهم تجتمع علیه الامه». وفی روایة «لا یزال هذا الدین عزیزاً الی اثنی عشر خلیفة کلهم من قریش». فأشار بذلك الی مقاله العلماء: ان المهدی احدی الاثنی عشر فاته لم یقع الی الآن وجود اثنی عشر اجتمعت الأمة علی کل منهم».^(۲)

«ابوداود در سنن خود بابی را به مهدی اختصاص داده است، و در آنجا آن حدیث پیامبر ﷺ را آورده است که فرمود: «تا زمانی که دوازده خلیفه بیایند که همه امت درباره آنها اتفاق نظر دارند این دین همواره استوار می‌ماند.» و بنابر روایتی «تا حضور دوازده خلیفه که همه آنها از قریش است، اسلام همواره عزیز است».

ابوداود در این دو روایت به نظر علما اشاره دارد که می‌گویند: مهدی یکی از دوازده خلیفه است، و تاکنون دوازده خلیفه که هر یک از آنان مورد اتفاق همه امت باشد، نیامده است.

۲-۴-۸. ابن حجر هیتمی (درگذشته به سال ۹۷۴ هـ)

«والذی یتعیّن اعتقاده، مادلت علیه الاحادیث الصحیحة من وجود المهدی المنتظر، الذی یرجّ الدجال و عیسی فی زمانه، وانه المراد حیث اطلق

۱. علی بن حسام الدین متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۴۷؛ جلال الدین سیوطی، العرف الوردی (فی اخبار المهدی)، ص ۶۰.

۲. جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۵.

المهدی...» (۱)

اعتقاد به وجود مهدی منتظر، بنابر احادیث صحیح، امری لازم است، عیسی و دجال در زمان او ظاهر می‌شوند و هر جا «المهدی» به طور مطلق آورده شود، مراد اوست.

- برکت دعای پیامبر ﷺ در نسل علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام پیداست... و همین که مهدی از نسل آنان است (تأثیر دعای پیامبر ﷺ را در حق می‌نمایاند) و برای این امر بس است. (۲)

- «حسن» (پس از قضیه استسقا) به خانه برگشت، محترمانه زیست... تا این که در سامرا در ۲۸ سالگی از دنیا رفت... وی فرزندی به جز «ابوالقاسم محمد حجت» نداشت که در آن هنگام ۵ ساله بود، و خدا در همان کودکی به او (علم و) حکمت داده بود و «قائم منتظر» نامیده می‌شود. گفته شده، بدان خاطر او را «منتظر» می‌نامند که در شهر از دیده‌ها غائب گردید و مکان او پنهان ماند. (۳)

نیز در کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، می‌گوید:

«این که از پیامبر ﷺ روایت شده است: «مهدی از فرزندان عمویم عباس است»... با اخباری که می‌گوید: «مهدی از خاندان پیامبر ﷺ و از فرزندان فاطمه است» منافات ندارد، زیرا احادیثی که مهدی را از فرزندان پیامبر ﷺ می‌داند صحت و اعتبار استوارتری دارد، تا آنجا که برخی از حافظان امت و امامان بزرگ گفته‌اند: این که مهدی از نسل پیامبر ﷺ است از مسائل قطعی و متواتر بوده و هرگز نمی‌توان از آن عدول کرد.

۱. علی بن حسام الدین متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۶۸.

۲. احمد ابن حجر تیمی مکی، صواعق المحرقة، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، (قاہرہ: مکتبۃ القاہرہ، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق - ۱۹۶۵ م)، ص ۱۶۱.

۳. همان، صص ۱۹۰-۱۶۲.

از این رو جمع بین احادیث به این است که گفته شود: مهدی از دودمان پیامبر ﷺ و از فرزندان او خواهد بود، اگر چه از سوی مادر به «عباس» برسد، نکته اساسی این است که مهدی از اهل بیت پیامبر ﷺ است و این سخن با احادیثی که او را از فرزندان «حسن بن علی» یا «حسین بن علی» و یا «عباس» می‌داند ناسازگاری ندارد.»^(۱)

۲-۴-۲-۹. شیخ محمد عبده (در گذشته به سال ۱۳۲۳ هـ)

خاص و عام می‌دانند که در اخبار و احادیث، ضمن شمردن علائم قیام قیامت، آمده است که مردی از اهل بیت پیامبر ﷺ خروج می‌کند، که نام او مهدی است، او زمین را، پس از آن که از جور و بیداد آکنده باشد، از عدل و داد آکنده می‌سازد، در آخر ایام او، عیسای مریم ﷺ از آسمان فرود می‌آید...^(۲)

دکتر محمد احمد اسماعیل مقدم در کتاب المهدی وفقه أشراف الساعة در جواب اشکالی از بحث مهدویت و این که چه ثمره‌ای بر آن مترتب می‌شود، به نکاتی پرداخته که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تصدیق و اعتقاد به این امور علمی خبری که از آن به «جانب نظری دین» تعبیر می‌کنیم و وحی نیز از آن خبر داده واجب است، زیرا این مسائل اصل دین و خالص اسلام و جوهر توحید است....

۲- ایمان به این امور از لوازم شهادت به رسالت پیامبر اسلام ﷺ است.

۳- تصدیق این امور از مستلزمات ایمان به روز قیامت است، زیرا از جمله علائم قیامت، خروج مهدی ﷺ است که قبل از برپایی قیامت لازم است، اعتقاد به علائم آن نیز واجب است. شیخ ناصرالدین البانی وهابی می‌گوید:

«عقیده به خروج مهدی ﷺ عقیده‌ای است ثابت و متواتر که از پیامبر اسلام ﷺ رسیده و ایمان به آن واجب است، زیرا این عقیده از

۱. همان، ص ۱۹۰.

۲. محمد رشید رضا، تفسیر المنار (بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۳۹۳ق)، ج ۶، ص ۵۷.

امور غیبی است که ایمان به آن واجب است، زیرا این عقیده از امور غیبی

است که ایمان به آن از صفات متقین در قرآن شمرده شده است....»^(۱)

هم چنین عبدالمحسن بن حمد عباد استاد دانشگاه مدینه منوره می گوید:

«تصدیق و اعتقاد به قضیه مهدویت در زمره ایمان به رسالت پیامبر

اکرم ﷺ است، زیرا از آثار ایمان به پیامبر ﷺ تصدیق او در اموری

است که به آن خبر داده و داخل در ایمان به غیبی است که خداوند متعال

مؤمنان را به جهت ایمان به آن مدح کرده است؛ آن جا که می فرماید: «الم

ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»^(۲) الف،

لام، میم، این است کتابی که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست و مایه

هدایت تقوای پیشگان است، آنان که به غیب ایمان دارند....»

۴- تصدیق به خروج مهدی ﷺ داخل در ایمان به قدر الهی است، زیرا علم به خلق به

مقدرات الهی از دو طریق است: یکی وقوع شیء و دیگری اخبار از جریان های گذشته یا واقعه ای

که در آینده اتفاق خواهد افتاد....^(۳)

۲-۵. علائم مشخصه آن حضرت (علامات امامت)

نوع دیگر از نشانه های آن حضرت علامات امامت است، به طور کلی هر کس امام باشد

باید دارای این خصوصیات باشد که نشانه و علامت امامت اوست، این علامات در اخبار متعدد

ذکر شده که هر حدیثی متعرض قسمتی از آن گشته و اکثر آن اخبار در مجلد هفتم بحارالانوار باب

جامع در صفات امام و شرایط او ص ۲۰۰ مسطور است. حدیثی که از همه بیشتر ذکر علامات

کرده حدیثی است که از حضرت رضا ﷺ روایت شده که مشتمل بر سی علامت است در «من

لا يحضره الفقيه» است و «معانی الاخبار» و «خصال» و «عیون اخبار الرضا» و «احتجاج» طبرسی

۱. به نقل از: سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۷۸.

۲. بقره: آیات ۱-۳.

۳. به نقل از: سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۸۰.

و مجلد هفتم «بحار» و در «اثبات الهداة» ج ۷ مجموع علامات به طور تخلص از آن حدیث و غیر او نقل می شود: ۱- متولد می شود پاک و پاکیزه ۲- چون از شکم مادر به زمین آید بر دو کف خود قرار گیرد و صدأ به شهادتین بلند کند. ۴- چشم او بخوابد و دل او بیدار باشد. ۵- او را سایه نباشد. ۶- از همه مردم عامل تر باشد. ۷- از همه حلیم تر ۸- از همه عابد تر ۹- از همه حاکم تر یعنی حکمش از همه بهتر باشد. ۱۰- از همه پرهیزگارتر باشد. ۱۱- از همه شجاع تر ۱۲- از همه سخی تر ۱۳- از همه عامل تر به کتاب خدا باشد. ۱۴- از همه تواضعش برای خدا بیشتر باشد. ۱۵- از همه عالم تر باشد به آنچه او امر می کند. ۱۶- از همه ترک کننده تر باشد از آنچه نهی می کند. ۱۷- مهربان تر است به مردم از خود ایشان. ۱۸- دارای معجزه باشد. ۱۹- محدث باشد تا هنگامی که از دنیا برود، یعنی ملائکه با وی حدیث گویند. ۲۰- مستجاب الدعوة باشد حتی اگر این که بر سنگی دعا کند دو نیم گردد. ۲۱- سلاح و شمشیر پیغمبر ﷺ یعنی ذوالفقار نزد او باشد. ۲۲- زره پیغمبر تن او راست آید و چون دیگری ببوشد خواه بلند و خواه کوتاه قد یک و جب زیاد آید. ۲۳- مصحف فاطمه نزد او باشد. ۲۴- نزد او صحیفه ای است که در وی اسامی شیعیان او تا روز قیامت ثبت است. (۱)

۲-۵-۱. علائم تشریفی و تکریمی قائمیت

نوع دیگر از علائم آن حضرت و نشانه هایی که معرف شخصیت آن حضرت است اموری است که جنبه تشریفی و تکریمی برای او دارد، از جهت خصوصیت قائمیت او، یعنی چون او قائم آل محمد ﷺ است و به امر خدا قیام می کند، پس از جهت سمت قائمیت به خصوصیات فوق العاده ای مکرم و مشرف گردیده، از این جهت این امور را علائم تشریفیه قائمیت نامیدند و منافاتی ندارد که ائمه دیگر واجد بعضی یا جمیع این امور باشند و مع ذلك به طور اختصاص به آن حضرت توصیف شده زیرا که مقصود از اختصاص مأمور بودن به اظهار و نمایاندن به مردم است و یا جاری شدن بر دست او و ظاهر شدن برای اوست. و این علائم تکریمی بر دو نوع است: نوعی از آن عبارتست از آثار انبیاء و موارث ایشان، قسمتی از آثار انبیاء سابق و قسمتی آثار

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، باب جامع، ص ۲۰۰.

پیغمبر خاتم ﷺ و همچنین از امیرالمؤمنین ﷺ و نوع دیگر کراماتی است که خاصه خود آن حضرت است که برای او ظاهر می شود و یا از او ظاهر می شود. (۱)

۲-۵-۲. اتفاق شیعه و سنی بر اصل قضیه مهدویت

یکی از موارد اتفاق شیعه و سنی در قضیه مهدویت اتفاق بر اصل آن قضیه است. امت اسلامی - مگر عده قلیلی از غرب زدگان و روشن فکر نمایان مثل احمد امین مصری و شاگردانش - بر این مسئله اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی به نام مهدی، از ذریه پیامبر اسلام ﷺ از اولاد حضرت زهرا ﷺ ظهور کرده، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و...

عمده علت تأکید بر این اعتقاد، وجود تعداد بسیار و در حد تواتر روایات صحیح در باره این قضیه از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ در کتاب های حدیثی مسلمین است، معلوم است هر قضیه ای که به حد تواتر برسد از دایره شک و ظن خارج می شود و انسان را به یقین می رساند. همان گونه که در علم حدیث و اصول به آن اشاره شده، حدیث تواتر احتیاج به بررسی سند ندارد، زیرا از راه تراکم احتمالات می تواند انسان را به یقین برساند. (۲)

۲-۵-۳. سخنان عالمان شیعه

۲-۵-۳-۱. شهید صدر؛

مرحوم علامه شهید صدر می فرماید:

«إن فكرة المهدي (عج) بوصفة القائد المنتظر لتغيير العالم الى الافضل قد جاء في أحاديث الرسول الاعظم عموماً وفي روايات ائمة اهل البيت ﷺ خصوصاً. وأكدت في نصوص كثيرة بدرجة لا يمكن أن يرقى إليها الشك. وقد أحصى أربعاً حديث عن النبي ﷺ من طرق إخواننا اهل السنة، كما أحصى مجموع الاخبار الواردة في الامام المهدي ﷺ من طرق الشيعة والسنة، فكان أكثر من ستة آلاف رواية. وهذا رقم إحصائي كبير لا يتوفر نظيره في كثير من

۱. ر.ک: محمد باقر صدر، بحث حول المهدي، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۶۵.

قضایا الاسلام البديهیه التي لا يشك فيها مسلم عادة» (۱)

به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. در روایات فراوان به حدی به این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی‌گذارد. و تنها از طریق برادران اهل سنت، حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره حضرت مهدی علیه السلام احصا و شماره شده است؛ همان گونه که مجموعه روایات مهدویت که از طریق شیعه و سنی رسیده و احصا شده، بیش از شش هزار روایت برآورد شده است؛ و این، رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی برای آن نظیری نیست؛ قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی‌کنند.

۲-۳-۵. شیخ محمدرضا مظفر؛

او می‌گوید:

«ان البشارة بظهور المهدي» من ولد فاطمه فی آخر الزمان ليملا الارض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً ثابتة عن النبي صلی الله علیه و آله بالتواتر و سجلها المسلمون جميعاً فيما رووه من الحديث عنه على اختلاف مشاربهم وليست هي بالفكرة المستحدثه عند الشيعة، دفع اليها انتشار الظلم والجور فحملوا بظهور من يظهر الارض من رجس الظلم، كما يريد أن يصورها بعض المغالطين غير المنصفين ولو لا ثبوت فكرة المهدي علیه السلام عن النبي على وجه عرفها جميع المسلمين وتنبعث في نفوسهم واعتقدواها لما كان يتمكن مدعوا المهديه في القرون الاول كالكيسانيه والعباسيين وجمله من العلويين وغيرهم من خدعة الناس واستغلال هذه العقيدة فيهم طلباً للملك والسلطان، فجعلوا ادعائهم

۱. محمد باقر صدر، بحث حول المهدي، صص ۶۳ و ۶۴.

المهدیه الکاذبه طریقاً للتأثیر علی العامة، وبث نفوذهم علیهم»^(۱)

«مسأله بشارت به ظهور مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه زهرا علیها السلام در آخرالزمان و این که زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد از مسائلی است که به طور متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است و مسلمانان نیز در کتاب های روایی خود آنها را نقل کرده اند، اعتقاد به مهدی، عقیده جدید نزد شیعه امامیه نیست که به جهت انتشار ظلم و جور به آن روی آورده و به ظهور کسی که زمین را از پلیدی ظلم پاک کند معتقد شده باشند. عده ای غیرمنصف در صدد ارائه تصویری این گونه از قضیه مهدویت اند. اگر قضیه مهدویت که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است نزد جمیع مسلمین ثابت نبود و در نفوس آنها رسوخ پیدا نکرده بود، هرگز مدعیان مهدویت همانند کیسانیه و عباسیین و جماعتی از علویین و دیگران، نمی توانستند در طول قرن ها برای رسیدن به ملک و سلطنت، مردم را فریب دهند و با مستمسک کردن این عقیده، ادعای مهدویت نمایند، اینان توانستند از راه دروغین مهدویت راهی برای تأثیر در عموم مردم پیدا کنند و از این طریق نفوذ خود را در میان مردم توسعه دهند»^(۲)

۲-۵-۴. اتفاق بر وجود اعتقاد به امر مهدی (عج)

قضیه امام مهدی علیه السلام از امور غیبی است که از طریق وحی به آن خبر داده شده است. قرآن کریم به صراحت بر این نکته تأکید دارد که یکی از علائم و نشانه های پرهیزکاران ایمان به غیب است. خداوند متعال می فرماید:

﴿الْم﴾ ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾^(۳)

۱. محمدرضا مظفر، عقائد الامامیه، تحقیق محمدجواد الطریحی (قم: موسسه امام علی، ۱۴۱۷ ه.ق)، ص ۷۷.

۲. محمدرضا مظفر، عقائد الامامیه، ص ۷۷.

۳. بقره: آیات ۱-۳.

الم در آن کتاب شکی نیست برای متقین مایه هدایت و رستگاری

است. متقین کسانی اند که ایمان به غیب دارند....

خروج امام زمان علیه السلام در آخر الزمان از امور غیبی است که در مصادر اسلامی به آن اشاره صریح و بلیغ شده است، لذا بر ما واجب است که برای وارد شدن در جرگه مؤمنین به آن ایمان آوریم؛ زیرا حد فاصل بین جامعه مؤمنان که به رسالت‌های الهی اعتقاد دارند و جوامع مادی که به این گونه امور اعتقادی ندارند، ایمان به غیب و ماورای طبیعت و شهود است، به همین دلیل، جماعتی از علمای شیعه و اهل سنت بر لزوم اعتقاد به خروج حضرت مهدی علیه السلام استدلال نموده‌اند که به بعضی از سخنان آنان اشاره می‌کنیم.

۲-۵-۴-۱. نقل سخنان علمای شیعه

مرحوم شیخ صدوق (ره) بعد از بحث در باره وجوب اعتقاد و ایمان به قیام حضرت حجت علیه السلام و نقل روایات متعدد در این موضوع و انطباق (ایمان به غیب) که یکی از صفات متقین در سوره بقره شمرده شده، بر یکی از مصادیق بارزش، یعنی ایمان به ظهور حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

«ولا یكون الايمان صحيحاً من مؤمن الا من بعد علمه يحال من يؤمن، به
كما قال الله تبارك وتعالى: ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^(۱). فلم یوجب لهم
صحة ما یشهدون به الا من عد علمهم. ثم كذلك لن ینفع ایمان من آمن بالمهدی
القائم علیه السلام حتی یكون عارفاً بشأنه فی حال غیبه.»^(۲)

«ایمان از شخص مؤمن به آن حضرت علیه السلام بدون علم به حال امام زمان (عج) صحیح نخواهد بود، همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾؛ مگر کسانی که شهادت به حق دادند در حالی که می‌دانند. گواهی شهادت دهندگان به حق صحیح واقع نمی‌شود مگر بعد از این علم. مسئله امام زمان علیه السلام نیز چنین است؛ زیرا ایمان کسی که به قضیه مهدویت اعتقاد دارد به او نفعی نمی‌رساند مگر در صورتی که عارف به شأن آن حضرت علیه السلام

۱. زخرف: آیه ۸۶:

۲. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه (قم: مرکز انتشارات اسلامی، [بی‌تا])، ج ۱، ص ۱۹.

در زمان غیبت باشد».

به همین سبب در روایات شیعه و سنی مشاهده می‌کنیم که منکر خروج مهدی علیه السلام کافر شمرده شده است. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله، ومن انکر

نزول عیسی فقد کفر ومن انکر خروج الدجال فقد کفر. فان جبرئیل علیه السلام اخبرنی

بان الله عز وجل یقول: «من لم یؤمن بالقدر خیره وشره فلیأخذ رباً غیری».

«کسی که منکر خروج مهدی است، به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل

شده کافر گردیده است و کسی که منکر نزول عیسی علیه السلام است کافر است.

کسی که منکر خروج دجال است کافر است. به راستی جبرئیل به من خبر داد

که خداوند متعال می‌فرماید: هر کس که ایمان به قدر - چه خیر آن و چه شر

آن - نداشته باشد، باید پروردگاری غیر از من را برگزیند.»^(۱)

در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند متعال:

«الم» «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»

می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «متقین شیعیان علی علیه السلام هستند و

غیب نیز همان حجت غائب است، یعنی مهدی منتظر (عج)».^(۲)

در روایتی امام صادق علیه السلام یکی از مصادیق غیب را خروج مهدی علیه السلام در آخرالزمان

ذکر می‌کند.

۲-۴-۵. نقل عبارات علمای اهل سنت

۱- احمد بن محمد بن صدیق می‌گوید:

۱. ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السطين و الائمة من فريتهم (ع) (تهران: داوود، ۱۳۷۸)، ج ۲، ص ۲۳۴ باب ۶۱: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳: الاذاعة، ص ۱۳۷: يوسف بن يحيى المقدسى شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق عبدالفتاح محمدلو، چاپ اول، (تهران: انتشارات نصایح، ۱۴۱۶ هـ.ق)، ص ۱۵۷.

۲. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴.

«...فالایمان یخروجه واجب واعتقاد ظهور تصدیقاً لخبر الرسول محتم
لازب كما هو مدون فی عقائد اهل السنة والجماعة من سائر المذاهب ومقرر فی
دفاتر علماء الامة علی اختلاف طبقاتها والمراتب...»^(۱)

ایمان به خروج مهدی علیه السلام واجب، واعتقاد به ظهور او به جهت
تصدیق خیر پیامبر صلی الله علیه و آله حتمی و ثابت است، همان گونه که در عقاید اهل
سنت و جماعت از جمیع مذاهب اسلامی تدوین شده و نیز در دفاتر
علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب آنان تقریر گردیده است.

۲- سفارینی حنبلی می گوید:

«فالایمان بخروج المهدی واجب كما هو مقرر عند اهل العلم ومدون فی
عقائد اهل السنّة والجماعة»^(۲)

ایمان به خروج مهدی واجب است، همان گونه که نزد اهل علم تقریر
یافته و در عقائد اهل سنت و جماعت تدوین شده است.

۲-۵-۵. فراگیر بودن دعوت و حکومت حضرت مهدی از نظر شیعه و سنی

یکی از موارد اتفاق در قضیه مهدویت در بین شیعه و سنی، اتفاق بر فراگیر بودن دعوت و
حکومت جهانی آن حضرت علیه السلام است. آیات و روایات بسیاری بر این مسئله دلالت دارد که به
برخی از آنها اشاره می کنیم:

۲-۵-۵-۱. دولت جهانی در قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که یقیناً بندگان نیکوکار من

زمین را وارث و متصرف خواهند شد.^(۳)

۱. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، صص ۴۳۳-۴۳۶.

۲. الاذاعة، ص ۱۴۶.

۳. انبیاء: آیه ۱۰۵.

و نیز در آیه دیگری می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْأَرْضِ﴾^(۱)

خداوند به کسانی که از شما بندگان که «آنان را به خدا و حجت عصر»

ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده است که (در ظهور امام زمان)

در زمین خلافت دهد.

و نیز در جایی دیگر می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

كُرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

و اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد

تا بر همه ادیان جهان تسلط و برتری دهد.^(۲)

۲-۵-۵. دولت جهانی در روایات

حاکم نیشابوری به سندش از ابوسعید خدری نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«تَمَلَّأَ الْأَرْضَ جَوْرًا وَظُلْمًا فَيُخْرِجُ رَجُلًا مِّنْ عَتْرَتِي يَمْلِكُ الْأَرْضَ سَبْعًا أَوْ

تَسْعًا فِيمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»^(۳)

زمین پر از ستم می شود، در این هنگام شخصی از عترتم خروج

می کند و مدت هفت یا نه روز مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام

زمین پر از عدل و داد خواهد کرد.

۲- و نیز احمد بن حنبل به سندش از ابوسعید خدری نقل کرده است که رسول خدا ﷺ

فرمود:

۱. نور: آیه ۵۵.

۲. توبه: آیه ۳۳.

۳. ابو عبدالله محمد بن عبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، مصطفی عبدالقادر عطا، (بیروت: دار

الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ هـ، ۱۹۹۰ م)، ج ۴، ص ۵۵۸؛ احمد ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل (قاهره: [بی نا]، ۱۳۱۳ ق)، ج ۲.

ص ۳۸.

«لاتقوم الساعة حتى تملأ الارض ظلماً وعدواناً. قال: ثم يخرج رجل من

عترتي من اهل بيتي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً»^(۱)

قیامت برپا نمی‌شود تا این که زمین پر از عدل و داد نشود. فرمود: آن

هنگام مردی از عترتم از اهل بیتم خروج کرده، زمین را پر از عدل و داد

می‌کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

۲-۶. دانشمندان اهل سنت و اعتراف به ولادت امام مهدی (عج)

مرحوم شیخ نجم الدین طبری و نیز علامه معاصر آیت الله العظمی صافی در کتب

ارزشمند خود نام گروهی از علما و دانشمندان اهل سنت را آورده‌اند که همگی به ولادت آن

حضرت اعتراف کرده‌اند که برای نمونه به چند مورد متذکر می‌شویم:

۱- «محمد بن طلحه حلبی شافعی» در کتاب خود ضمن بحث گسترده‌ای می‌نویسد:

«باب دوازدهم در مورد حضرت مهدی (عج) است...» و آن‌گاه ضمن

برشمردن نام‌ها و القاب آن حضرت می‌نویسد: «او در شهر تاریخی سامرا،

دیده به جهان گشود...»^(۲)

۲- «محمد بن یوسف گنجی شافعی» از دیگر علمای بزرگ اهل سنت است. او در کتاب

خویش می‌نویسد:

«حضرت مهدی عليه السلام فرزند جناب حسن عسکری عليه السلام است. آن

وجود گران‌مایه، زنده و در اوج سلامت و طراوت از زمان غیبت خویش

تاکنون در این جهان زندگی می‌کند...»^(۳)

۳- «عبدالوهاب شعرانی» عالم دیگر اهل سنت در کتاب خویش تحت عنوان «نشانه‌های

نزدیک شده رستاخیز» از جمله قیام و ظهور حضرت مهدی عليه السلام را می‌نویسد. آن‌گاه می‌افزاید:

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷؛ امام ابی عمرو عثمان بن سعید الدانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۵۲.

۲. محمد بن طلحه نصیبی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول (بیروت: مؤسسه القرى، ۱۳۷۸)، ص ۸۸.

۳. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۳۶.

«امام مهدی عجل الله فرجه از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است و در پانزدهم شعبان به سال ۲۵۵ به دنیا آمده و او زنده و باقی است تا طبق روایات رسیده از پیامبر ص با حضرت عیسی علیه السلام که به هنگام ظهور او از آسمان‌ها فرود می‌آید، دیدار کند...»^(۱)

۴- استاد بهجت افندی در کتاب خود می‌نویسد:

«امام مهدی عجل الله فرجه در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشود و مادرش نرجس بود...»^(۲)

۲- ۱- احادیث

روایاتی که اوصیای پیامبر ص را دوازده نفر معرفی می‌کند. در بخش امامت نمونه‌هایی از احادیث از رسول خدا ص ذکر می‌کنیم که از جمله آن که حضرت دوازده تن اوصیا و جانشینان بعد از خود و امامان امت را با نام و نشان معرفی می‌نماید. و مکرر تصریح می‌فرماید: «مهدی دوازدهمین آنها و از ذریه من است و از نسل علی و فاطمه و حسین و نهمین نسل حسین است و او امام قائم و پرکننده دین از عدل و داد می‌باشد و در احادیث فراوان دیگر به مسأله انتظار و نیز غیبت کبری مهدی که نوعی آزمایش الهی و مقدمه تشدید طلب عدل و حق در مردم است، توجه می‌دهد مانند احادیثی که امیر مؤمنان علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و سلمان و جمعی زیاد از اصحاب از رسول الله ص نقل می‌نمایند. به عنوان نمونه:

«سعید بن جبیر عن ابن عباس عن رسول الله ص قال ان علي ابی طالب امام امتی و خلیفتی من بعدی ومن ولده القائم المنتظر المهدی الذی یملا الله به الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً والذی بعثنی بالحق بشیراً و نذیراً ان الثابتین علی القول به فی زمان غیبه لا عز من الکبریت الاحمر...»^(۳)

۱. عبدالوهاب شعرانی، الیواقیت و الجواهر (مصر: [بی‌نا]، [بی‌تا])، ج ۲، ص ۱۴۳.

۲. به نقل از: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۳۷.

۳. همان.

طی احادیث و ارشادات و توجیهاات فراوان دیگر مشخص می‌گردد که با ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه و قیام او که به امداد و عنایت خداوند در چنان مقطع زمانی مربوط می‌شود تحول و جهشی عظیم در شرائط فکری و عقلانی جامعه انسانی پدید می‌آید. اسلام تجلی کامل و تحقق عینی و عملی می‌گیرد. توحید فراگیر می‌شود، جهان انسانی زیر پرچم واحد حکومت مهدی واقع می‌شود. برادری و عدل و مساوات حاکم و تبعیض‌ها و ظلم و تجاوز از میان می‌رود از آن پس دیگر قطره‌ای خون ناحق به زمین نمی‌ریزد و ...

مجموع احادیث و ارشادات در باره حضرت مهدی عجل الله فرجه از لحاظ اصول تربیتی و فلسفی یک آینده روشن را برای بشریت محقق می‌گرداند و مطرح می‌نماید. و یک جامعه فکری انسانی - الهی را که از یک سو به تلاش‌های بشری و از سوی دیگر به امدادهای الهی مربوط می‌شود عنوان می‌نماید، امید، شوق و رغبت به حیات و نوید به خیر و رحمت و کمال را زنده می‌سازد و با نوید به چنان آینده، خوش‌بینی را به جای بدبینی حاکم می‌نماید. در عین تأکید بر مسئولیت انتظار و طلب و جستجو و عطش که در یک منتظر الهام می‌بخشد همه و همه را به ایجاد و تحقق چنان زندگی پر از معنویت و توحید و نورانی و پر از عدل و پر از رحمت و محبت و برادری و برابری و ایمان و ... بسیج می‌نماید.

۷-۲. اتفاق شیعه و سنی بر این که مهدی عجل الله فرجه از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

با ملاحظه روایاتی که از طریق شیعه و سنی به دست ما رسیده است، پی می‌بریم که یکی دیگر از موارد اتفاقی بین این دو فرقه در قضیه مهدویت، اتفاق در این است که مهدی موعود از اهل بیت و ذریه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. اینک به بعضی از روایات در این باب اشاره می‌کنیم:

۱- «روی سعید بن مسیب قال: کنا عند ام سلمه فتذکرنا المهدی فقالت:

سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمه عجل الله فرجه»^(۱)

۱. حافظ ابی عبدالله محمد بن یزید القرینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۶؛ تاریخ نجاری، ج ۳، ص

سعید بن مسیب می گوید: نزد ام سلمه بودیم که سخن از مهدی به میان آمد. ام سلمه فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدیم که می فرمود: مهدی (عج) از عترتم از اولاد فاطمه ﷺ است.

۲- و نیز از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«لا تقوم الساعة حتى تملأ الارض ظلماً وعدواناً. قال: ثم يخرج رجل من

عترتی أو من اهل بیتی یملاًها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً.»^(۱)

قیامت برپا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شده باشد.

فرمود: سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم قیام می کند و زمین را پر از عدل

و داد می نماید، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

۳- امام باقر ﷺ می فرماید:

«المهدی رجل من ولد فاطمه ﷺ»^(۲)

مهدی مردی از اولاد فاطمه ﷺ است.

۴- ترمذی به سند خود از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است:

«یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی»^(۳)

شخصی از اهل بیتم متولی کل زمین خواهد شد که نام او همانام من

است.

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶، مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۷۴، حدیث ۹۸۷؛ صحیح بن حبان، ج ۸، ص ۲۹۱، حدیث ۶۸۷۴.
۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار (بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ هـ.ق)، ج ۵۱، ص ۴۳، حدیث ۳۲.
۳. محمد بن عسی ترمذی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۱)، ج ۴، ص ۵۰۵؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲-۸. اتفاق شیعه و سنی بر این که لقب او «مهدی» است

برای امام زمان عجل الله فرجه القاب و عناوین متعددی در روایات ذکر شده است ولی یکی از القابی که مورد اتفاق شیعه و سنی است، لقب «مهدی» است. اینک به بعضی از روایات اشاره می‌کنیم:

۱- حاکم نیشابوری به سند خود از ابی سعید خدری نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«المهدی منا اهل البيت...»^(۱)

مهدی از ما اهل بیت علیهم السلام است .

۲- نجاری به سند خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«المهدی حق وهو من ولد فاطمه علیها السلام»^(۲)

مهدی حق و او از اولاد فاطمه علیها السلام می‌باشد.

۳- مقدسی شافعی به سند خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«یخرج المهدي، على رأسه غمامة، فيها ينادى: هذا المهدي خليفة رسول

الله صلی الله علیه و آله فاتبعوه»^(۳)

مهدی خروج می‌کند در حالی که بالای سر او ابری است، در میان آن

ایر کسی ندا می‌کند: این مهدی خلیفه رسول خداست؛ او را اطاعت نمائید.

۴۱

۱. ابو عبدالله محمد بن عبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷.

۲. تاریخ نجاری، ج ۳، ص ۳۶۶؛ شیخ طوسی، الفهبة، ص ۱۱۴.

۳. یوسف بن یحیی المقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۳۵، باب ۶: علامه محمد باقر مجلسی،

بحار الانوار، ج ۵، ص ۸۱: العطر الوردی، ص ۵۴.

۲-۹. اتفاق شیعه و سنی بر این که حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا

می‌کند

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج حضرت مهدی (عج) حضرت عیسی علیه السلام نیز از آسمان فرود می‌آید و در نماز به امام زمان علیه السلام اقتدا خواهد نمود، اینک به برخی از روایات در این مورد اشاره می‌کنیم:

۱- مسلم در صحیح و با سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«لا تزال طائفة من امتی علی الحق ظاهرین الی یوم القیامة، قال: فینزل عیسی بن مریم فیقول امیرهم: تعال صل فیقول: لا ین بعضکم علی بعض امراء تکرمه الله هذه الامة»^(۱)

دائماً طایفه‌ای از امتم بر حق و ظاهرند تا روز قیامت. سپس فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود آید، امیر آنها به حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید: پیش آی و برای ما امامت کن. او در جواب می‌گوید: خیر، به راستی بعضی از شما بر بعضی دیگر امیر است به جهت اکرام خدا بر این امت.

از این حدیث استفاده می‌شود که هنگام نزول حضرت عیسی علیه السلام، امام زمان (عج) از او می‌خواهد که بر این امت، امامت جماعت کند. او نیز این تقاضا را به جهت احترام گذاشتن بر حضرت و امت اسلامی نمی‌پذیرد و امر امامت جماعت را به امام زمان (عج) واگذار می‌کند.

۲- نجاری به سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا فرمود:

«کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم وامامکم منکم»^(۲)

چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود آمده در حالی که امام بر شما

فردی از خودتان است؟

۱. امام مسلم نیشابوری، صحیح مسلم (بیروت: دارالفکر، [بی تا])، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. امام محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری (بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ.ق)، ج ۴، ص ۲۰۵.

۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

«القائم منصور بالعرب، مؤيد بالنصر، تطوى له الارض وتظهر الكنوز،
ويبلغ سلطانه المشرق والمغرب ويظهر الله عز وجل به دينه ولو كره المشركون،
فلا يبقى من الارض خراب الا عمر وينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلى
خلفه»^(۱)

قائم به توسط ترس یاری و تأیید می‌گردد زمین برای او خواهد
چرخید و سلطنتش مشرق و مغرب عالم را فرا خواهد گرفت خداوند عز و
جل به واسطه او دینش را ظاهر می‌کند، هر چند مشرکان به آن کراهت داشته
باشند. روی زمین جای خرابی نیست، مگر آن که آباد شود و روح الله عیسی
بن مریم فرود می‌آید و پشت سر او اقامه نماز خواهد کرد.

۴- ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که می‌فرمود:

«منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه»^(۲)

از ماست کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می‌گذارد.

۲- ۱۰. شباهت وجود حضرت مهدی (عج) به حضرت یوسف علیه السلام

یکی از پیامبرانی که امام مهدی (عج) به او تشبیه شده حضرت یوسف است که در روایات
متعدد از جهات گوناگون این شباهت‌ها بیان شده است. چراکه وجود حضرت یوسف را
برادرانش انکار می‌کردند در حالی که حضرت یوسف زنده بودند لذا این بخش برای اثبات فرضیه
ما که حقیقت تاریخی بودن امام زمان (عج) می‌باشد کمک می‌کند که بعضی حقایق تاریخی انکار
می‌شوند در حالی که واقعاً وجود دارد.

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، حدیث ۲۴.

۲. یوسف بن یحیی المقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۲۵، باب ۱؛ جلال الدین عبدالرحمن
السیوطی، جامع الصغیر من حدیث البشیر و النذیر، تحقیق: عبدالله محمد الدرویش (بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱هـ)، ج ۲،
ص ۵۴۶؛ علی متقی هندی، کنز العمال (بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۷هـ.ق)، حدیث ۳۸۶۷۳.

۲-۱۰-۱. غیبت

برجسته‌ترین شبهات بین امام مهدی (عج) و حضرت یوسف علیه السلام همانندی در غیبت است. امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمودند: «شبهات او به حضرت یوسف علیه السلام در غیبت از اقوام دور و نزدیک و از برادران خود...»^(۱). البته بین غیبت امام (عج) و غیبت یوسف علیه السلام تفاوت وجود دارد. زیرا غیبت یوسف، غیبتی نسبی است، چون نسبت به پدر و مادر و برادران و کنعانیان غائب بود ولی از دیدگان مصریان غائب نبود. ولی غیبت امام مهدی (عج) غیبتی است مطلق و حضرت از دیدگان همگان غائب است.

۲-۱۰-۲. حضور

برادران یوسف وقتی به خاطر قحطی و جهت خرید آذوقه به مصر آمدند و به بازرگانه یوسف علیه السلام وارد شدند، یوسف را نشناختند ولی یوسف علیه السلام برادران خود را شناخت. ^(۲) در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«او در بازارهایشان راه می‌رود و بر فرش‌هایشان گام می‌نهد ولی مردم او را نمی‌شناسند تا هنگامی که خداوند به او اجازه دهد که خودش را معرفی کند، همان گونه که به یوسف علیه السلام اجازه داد...»^(۳)

۲-۱۰-۳. زیبایی و بخشندگی

همان گونه که حضرت یوسف علیه السلام در زیبایی و بخشندگی، شهره آفاق بود، امام مهدی (عج) نیز به بالاترین درجه این دو ویژگی آراسته است. امام باقر علیه السلام فرمودند:

«شبهات او با یوسف علیه السلام در زیبایی و درخشندگی است.»^(۴)

۱. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴۳.

۲. سوره یوسف: آیه ۸۵.

۳. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۰.

۴. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۷۱.

۲-۱۰-۴. بهای اندک

کاروانیان که یوسف علیه السلام را یافتند او را به بهای اندکی فروختند، زیرا ارزش آن دُرّ یگانه را نمی دانستند.^(۱) برخی از شیعیان نیز، به دلیل ناآگاهی از مقام و منزلت امام مهدی (عج) و از سر هواپرستی و دنیاخواهی، افتخار محبت و خدمت به آستان او را به بهای اندک فروخته و می فروشند! به عنوان مثال شخصی به نام ابوطاهر، محمد بن علی بن بلال، به طمع اموالی که از ناحیه حضرت نزد او بود، ادعا کرد که خود وکیل حضرت است و امانت را به محمد بن عثمان، نائب دوم خواهد سپرد.^(۲)

۲-۱۰-۵. امید و نومیدی

وقتی که خورشید یوسف علیه السلام، در پس ابرهای غیبت فرو رفت، یعقوب علیه السلام هرگز امید خود را از دست نداد و از رحمت الهی و بازگشت یوسف علیه السلام نومید نشد و از خداوند درخواست دیدار یوسف را نمود؛ ولی برادران به امید این که قافله‌ای او را با خود ببرد، یوسف را نکشتند و به چاه انداختند، وی را فراموش کرده بودند و حتی پدر خود را به خاطر امید به برگشت یوسف علیه السلام، سرزنش می کردند.^(۳) در غیبت امام مهدی (عج) نیز برخی از هدایت الهی برخوردارند و پیوسته با امید به فضل خدا، ظهور او را انتظار کشیده و هرگز نومید نمی شوند، در مقابل گروهی دیگر که خداوند بر دل‌هایشان قفل زده و از درک حقایق ناتوان‌اند، امیدی به آمدنش ندارند، حتی گاهی وجودش را انکار و منتظرانش را سرزنش می نمایند. امام صادق علیه السلام به زراره فرمود:

«او کسی است که آمدنش را انتظار کشند، اوست که مردم در تولدش

شک می کنند، برخی می گویند: پدرش از دنیا رفت و فرزندی نداشت... و

برخی می گویند: هنوز به دنیا نیامده است.»^(۴)

۱. یوسف: ۲۰.

۲. محمد بن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۴۰۰.

۳. یوسف: آیات ۱، ۸۵، ۸۳، ۹۴، ۹۵.

۴. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴.

۲-۱۰-۶. هدایت

یوسف علیه السلام در زندان نیز از رسالتی که در برابر هدایت مردم بر عهده داشت، غافل نشد، هنگامی که دو یار زندانی یوسف علیه السلام خواب خود را بیان نمودند و تعبیر آن را از او خواستند، یوسف علیه السلام از فرصت به دست آمده استفاده کرد و پیش از تعبیر خواب آنان، چنین گفت:

«ای همراهان زندانی من؛ آیا خدایان پراکنده بهترند یا خداوند

یکتای پیروز؟ این معبودهایی که غیر از خدا می پرستید چیزی جز اسم‌هایی که (بی‌مسئله) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده‌اند، نیست. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده است. حکم، تنها از آن خداست، خدا فرمان داده است که جز او را نپرستید، این است آئین پایرجا، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»^(۱) هر چند امام مهدی (عج) نیز در پس پرده غیبت است، اما لحظه‌ای از انجام رسالت خود یعنی هدایت مردم، غفلت نمی‌ورزد و مردم از فیض او بهره‌مند می‌شوند. امام مهدی (عج) همیشه در حال هدایت، سازندگی و پرورش است؛ گاه مخفیانه و گاه آشکارا، در کتاب‌های معتبر، نمونه‌های فراوانی از هدایت‌های ویژه آن حضرت آمده است.»^(۲)

۲-۱۰-۷. قدرشناسی

خدمت عزیز مصر و همسرش به یوسف علیه السلام - رهاکردن او از بردگی و پرورش دادن وی در دامان مهر و محبت خود - سبب شد که یوسف علیه السلام هنگام گرفتاری و قحطی به کمک آنان بشتابد، به یقین خدمت‌گزاری آستان مقدس امام زمان (عج) که بهترین شکل آن زمینه‌سازی برای ظهور و تحقق بخشیدن اهداف ایشان است، برخوردار از عنایت‌های مخصوص آن حضرت را در پی خواهد داشت. آیا می‌توان پنداشت که یوسف زهرا (عج) در بخشش به اندازه یوسف یعقوب علیه السلام نباشد؟! هرگز!!

۱. یوسف: آیات ۳۹ و ۴۰.

۲. رک: میرمهر مسعود پورسید آقایی.

۲-۱۰-۸. دفع بلا

یوسف علیه السلام از اهل مصر و حتی کشورهای هم‌جوار و برادران خود، بلای فحطی و خشک‌سالی را دفع کرد. هرچند برادران و مصریان با یوسف برخوردی شایسته نداشتند ولی یوسف علیه السلام از کمک و دستگیری آنان فروگذاری نکرد. امام مهدی (عج) نیز سپر بلا از شیعیان می‌باشند. ظریف می‌گوید: به محضر امام مهدی (عج) وارد شدم، ایشان فرمودند: آیا مرا می‌شناسی؟ عرض کردم: آری. فرمودند: که هستم! عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. فرمودند: منظورم این نبود. عرض کردم: فدایت شوم منظورتان چیست؟ فرمودند: من آخرین اوصیا هستم و خداوند به واسطه وجود من بلا را از اهل و شیعیانم رفع می‌کند.^(۱) برای نمونه می‌توان به عنایت امام مهدی (عج) به شیعیان بحرین اشاره نمود که به قضیه «انار» معروف می‌باشد.^(۲)

۲-۱۰-۹. محنت

دیدار با یوسف علیه السلام رخ نداد مگر پس از رنج‌ها و محنت‌های فراوانی که برادرانش به جان خریدند و خون دل‌های یعقوب در فراق یوسف علیه السلام و اشک‌هایی که به هجران او ریخت. خورشید یوسف زهرا علیها السلام نیز طلوع نخواهد کرد مگر پس از محنت‌های فراوان و سیل‌های مصیبتی که بر دل شیعیان خواهد ریخت. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یاری خداوند به سوی شما نخواهد آمد مگر هنگامی که در چشم مردم از مرده پست‌تر شوید و این همان کلام خداوند در سوره یوسف علیه السلام است که فرمود:

«تا آنگاه که رسولان ناامید شدند و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است، در این هنگام یاری ما به سراغ آنان آمد.» آنگاه هنگام قیام قائم ما، مهدی (عج) است.»^(۳)

۱. محمدبن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۴۰۰.

۲. میرزا حسن طبرسی نوری، نجم الثاقب (در احوال حضرت ولی عصر صاحب العصر والزمان بقیه الله الاعظم عجل الله) (قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۷۷)، ص ۵۵۶.

۳. سلیمان بن ابراهیم قندوزی الممتقی، ینابیع الموده (قم: انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۷ ق)، ص ۲۴۲.

۲-۱۰-۱۰. نیاز

نیاز برادران به آذوقه، قحطی و فشار و تنگی معیشت، زمینه‌ساز دیدار آنان با یوسف علیه السلام شد. احساس نیاز به وجود امام عصر (عج) در ژرفای جان انسان‌ها نیز زمینه‌ساز ظهور خواهد بود. امام مهدی (عج) در نامه‌ای خطاب به اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: «واكثر والدعا بتعجيل الفرج» برای فرج من بسیار دعا کنید.^(۱) یکی از زمینه‌های دعا، احساس نیاز است. آدمی تا کمبودی در وجودش احساس نکند، دست به دعا بر نمی‌دارد؛ دعا در بستر نیاز می‌رود. بنا بر این دستور به دعا، برانگیختن احساس نیاز واقعی به امام در وجودمان می‌باشد.

۲-۱۰-۱۱. تنها پناه

آنچه یوسف علیه السلام داشت، نزد دیگران یافت نمی‌شد. از این رو با این که میان یوسف علیه السلام و برادرانش، هجده روز فاصله بود، آنها برای تهیه آذوقه این مسیر طولانی را پیمودند. مطمئناً اگر آذوقه در جای دیگر نیز یافت می‌شد، هرگز سختی این راه طولانی را به جان نمی‌خریدند. گمشده بشر امروزی - عدالت، معنویت و در یک کلام رشد انسان - تنها نزد حجت خداست و بس. او تنها کسی است که می‌تواند نیازهای بشریت را برآورده سازد و او را در همه ابعاد به کمال برساند تا این باور در انسان‌ها شکل بگیرد، او ظهور نخواهد کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ظهور رخ نخواهد داد مگر هنگامی که همه گروه‌ها بر مردم حکومت

کنند و کسی نگوید: اگر ما حاکم بودیم، به عدالت رفتار می‌کردیم، پس از

این وضعیت قائم (عج) همراه با حق و عدالت قیام خواهد کرد.»^(۲)

این حدیث به این معنا است که مردم باید دریابند که خودشان توان هدایت و رهبری و

رسیدن و رسانیدن به آرمان‌های خود را ندارند پس باید در پی منجی واقعی باشند.

۱. محمدبن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۴۰۰.

۲. ابن ابی زینب محمدبن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، چاپ اول (تهران: ناشر کتابخانه

صدوق، ۱۳۶۳)، ص ۲۷۴. به نقل از معجم الاحادیث الامام المهدی (عج)، ج ۳، ص ۲۴۶.

۲-۱۰-۱۲. دلدادگی

برادران یوسف، آذوقه او را می خواستند: ﴿فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ﴾: پیمان‌ها را کامل کن»^(۱) ولی یعقوب وصال یوسف علیه السلام را می خواست و حضور او را؛ زیرا حضرت یوسف علیه السلام خواستنی و دوست داشتنی بود و لذا به پسرانش هنگام عزیمتشان به مصر فرمود: «پسرانم! بروید و یوسف را بجوئید». همیشه در طول تاریخ هم، منتظران امام مهدی (عج) دو دسته بوده‌اند: برخی که او را برای سرسبزی، خرمی، فراوانی نعمت و... خواسته‌اند و گروهی هم او را خواسته‌اند چون امام و خلیفه خدا و آینه تمام‌نمای اسماء و صفات الهی و سرشار از معنویت و روحانیت است.

۲-۱۰-۱۳. اقبال همگانی

برادران یوسف، آنگاه از جام حضور و دیدار یوسف علیه السلام سیراب شدند که همگان به صورت دسته‌جمعی به سوی او رفته و به او اظهار نیاز نمودند برای دمیدن آفتاب جمال یوسف زهرا (عج) نیز چاره‌ای نیست جز درخواست همگانی و لذا امام مهدی (عج) در نامه خود به شیخ مفید نوشتند:

«اگر همه شیعیان ما - که خداوند آنان را در فرمان برداری یاری دهد - بر عهد و پیمانی که با ما بسته‌اند، با هم یکدل می‌شدند، برکت زیارت و دیدار ما برایشان به تأخیر نمی‌افتاد و از سعادت دیدار ما بهره‌مند می‌گشتند.»^(۲)

۲-۱۰-۱۴. پیروزی نهایی

سرانجام بعد از فراز و نشیب‌های فراوان، وعده خداوند تحقق پیدا کرد و حضرت یوسف علیه السلام به اوج شوکت و قدرت رسید؛ به طوری که برادرانش در برابر این شکوه به خاک افتادند.^(۳)

۱. یوسف: ۸۸.

۲. ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم البهادری، (قم: اسوه، ۱۳۹۳ق)، ج ۳، ص ۶۰۲.

۳. یوسف: ۱۰۰.

وعدۀ الهی در مورد امام مهدی (عج) هم محقق خواهد شد؛ سرانجام دوران غیبت به سر می آید و جهان و جهانیان در برابر حق سر تعظیم فرو خواهند آورد.»^(۱)

۲-۱۱. ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام تا تولد حضرت مهدی (عج)

نام دختری که به عقد امام حسن عسکری علیه السلام درآمد ملیکا بود که دختر یشوعا و نوۀ قیصر روم بود ماجرای ازدواج این بزرگوار بسیار شگفت‌انگیز است که به طور مفصل در کتاب «امام مهدی از ولادت تا ظهور» آمده است، در قسمتی از این کتاب ماجرا این‌گونه آمده که: مرحوم صدوق (ره)، از «محمد بن عبدالله مطهری» آورده است که می‌گوید: پس از شهادت حضرت عسکری علیه السلام به محضر بانوی اندیشمند و دخت‌گران‌مایه امام جواد علیه السلام حکیمه، شرفیاب شدم تا از امام راستین پس از حضرت عسکری علیه السلام که بر اثر بازی‌ها سیاسی دست‌گاه خلافت، مردم در مورد وجود گرانمایه او دچار اختلاف عقیده و حیرت و سرگردانی می‌شدند، سؤال کنم. به او گفتم:

«بانوی گرامی! آیا حضرت عسکری علیه السلام دارای فرزند است؟» او تبسم کرد و گفت: «اگر او پسر نداشته باشد، پس امام راستین پس از آن حضرت کیست؟ در حالی که همواره خاطر نشان ساخته‌ام که پس از دو سبط گرانمایه پیامبر صلی الله علیه و آله، حسن و حسین علیهما السلام هرگز امامت در دو برادر بسان آنان نخواهد بود.»^(۲)

گفتم: «سرورم! از ولادت سالارم دوازدهمین امام نور و از غیب او برابیم بگو؟» پاسخ داد: من کنیز بافضیلت و برجسته‌ای به نام «نرجس» داشتم که روزی فرزند برادرم حضرت عسکری علیه السلام به دیدار من آمد و او را دید. به او گفتم: «سالارم! اگر اجازه می‌دهید او را به خانۀ شما بفرستم تا به

۱. قصص: ۵.

۲. این جمله اشاره به امامت دروغین جعفر کذاب بود که به تحریک رژیم عباسی و انگیزه جاه‌طلبی به دروغ مدعی بود که امامت پس از برادرش، حضرت عسکری علیه السلام، به او رسیده است.

افتخار همسری شما مفتخر گردد؟» فرمود: «نه عمه جان! اما شخصیت و ویژگی های او مرا به تحسین واداشت.» گفتم: «سرورم کدامین ویژگی او، شما را به تحسین واداشت؟» فرمود: «او مادر فرزندی خواهد بود که در پیشگاه خدا عزیز و سرافراز است، بزرگ مردی را به دنیا خواهد آورد که خداوند به دست او زمین را مملو از عدل و داد خواهد ساخت، همانگونه که از جور و پیداد، لبریز باشد.» گفتم: «سرورم پس او را به خانه شما می فرستم، آیا اجازه می دهید؟» فرمود: «در این مورد از پدر گرانمایه ام اجازه بگیرید.»^(۱)

جناب حکیمه می گوید: «لباس خویش را پوشیدم و به خانه حضرت هادی علیه السلام آمدم. پس از نثار درود بر آن وجود گرانمایه نشستم که آن حضرت سخن آغاز کرد و فرمود: «حکیمه! نرجس را به خانه پسرم حسن، بفرست.» گفتم: «سالار من! من به همین دلیل به دیدار شما آمدم تا در این مورد کسب اجازه نمایم.» حضرت فرمود: «خدا دوست دارد در این پاداش پرشکوه تو را شریک و در این کار شایسته بهره ورت سازد.» این بانوی گرانقدر می افزاید: «من به خانه بازگشتم و بی درنگ نرجس را آنگونه که شایسته بود آراسته ساخته و به ازدواج حضرت عسکری علیه السلام در آوردم و در خانه خویش از آنان مهمانداری کردم، چندی آن حضرت نزد ما بود و آنگاه همراه همسرش به خانه پدرش بازگشت.»^(۲)

در جای دیگری از کتاب امام مهدی از ولادت تا ظهور پیرامون ولادت آن حضرت چنین

۱۸۳

آورده شده که:

«من، با بانوی بانوان به گفتگو نشستم و به او گفتم: «دخترم! همین

۱. سیدمحمدکاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی - سیدمحمد حسینی، (قم):

الهادی، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲.

امشب خداوند پسری گرانمایه به تو ارزانی خواهد داشت، پسری که سرور دنیا و آخرت خواهد بود... درست نیمه شب گذشته بود که برای نماز نافله شب بپا خاستم. نماز را خواندم، دیدم «نرجس» خواب است و حادثه‌ای رخ نداده است، به تعقیبات نماز نشستم و بار دیگر خوابیدم و بیدار شدم اما دیدم او هنوز در خواب است. پس از آن بود که برای نماز نافله شب بپا خاست و نماز را در اوج ایمان و اخلاص به جا آورد و با شور و عشق و صف‌ناپذیری به نیایش نشست. دیگر از تحقق وعده و نوید حضرت عسکری علیه السلام دچار تردید می‌شدم که آن حضرت از اطاق خویش مرا مخاطب ساخت و فرمود: «عمه جان! شتاب موز که تحقق وعده الهی نزدیک است.» من از آن حضرت و تردیدی که در دلم پدید آمد شرمنده شدم و در اوج شرمندگی پس از نظاره به افق به اطاق باز می‌گشتم که دیدم در «نرجس» نماز را به پایان برده و به خود می‌پیچد. جلو درب اطاق به او رسیدم که می‌خواست از اطاق خارج گردد، پرسیدم: «آیا از آنچه در انتظارش بودم، چیزی حس نمی‌کنی؟» پاسخ داد: «چرا عمه جان!...» گفتم: «خدا یار و نگاهدارت باد! خود را مهیا ساز و بر او اعتماد نما و نگران مباش که لحظات تحقق آن وعده مبارک فرا رسیده است.» و آنگاه متکأیی برگرفتم و در وسط اطاق، آن بانو را بر روی آن نشاندم و بسان یک مددکار آگاه و دلسوزی که زنان در شرایط ولادت فرزندشان بدان نیازمندند به یاری او کمر همت بستم. او دست مرا گرفت و فشار داد و از شدت درد، ناله زد و بر خود پیچید. حضرت عسکری علیه السلام از اطاق خویش دستور داد که برایش سوره مبارکه «قدر» را تلاوت کنم... و شگفتا که دیدم کودک دیده به جهان نگشوده به همراه من به تلاوت قرآن پرداخت و سوره مبارکه قدر را با من تا آخرین واژه تلاوت کرد. از شنیدن نوای دل‌انگیز قرآن او، هراسان شدم که حضرت عسکری علیه السلام مرا ندا داد و فرمود: «عمه جان! آیا از قدرت الهی

شگفت زده شده‌ای؟ اوست که ما را در خردسالی به بیان دانش و حکمت توانا ساخته و به سخن می‌آورد و در بزرگسالی ما را در روی زمین حجت خویش قرار می‌دهد چه جای شگفتی است؟!» هنوز سخن حضرت عسکری علیه السلام به پایان نرسیده بود که «نرجس» از نظر ناپدید گردید گویی حجابی میان من و او، فرو افکنده شد و ما را از هم جدا ساخت.» در روایت دیگری آمده است که: «سپس لحظاتی چند، حالت وصف‌ناپذیری برایم پیش آمد به گونه‌ای که گویی دستگاه دریافت وجودم از کار افتاده است و نمی‌دانم چه می‌گذرد، به خودم آمدم و فریاد زنان و به سرعت، به طرف اطاق حضرت عسکری علیه السلام شتافتم، اما پیش از آن که چیزی بگویم فرمود: «عمه جان بازگرد که او را در همان جا خواهی یافت که از برابر دیدگانم ناپدید شد.» به اطاق نرجس بازگشتم دیدم پرده‌ای که ما را از هم جدا ساخته بود، برطرف شده است. چشمم به آن بانو افتاد و دیدم چهره‌اش غرق در نور است به گونه‌ای که دیدگانم را خیره ساخت و در همین لحظات کودک گرانمایه‌ای را دیدم که در حال سجده است و خدای را ستایش می‌کند.

بر بازوی راست او این آیه شریفه نوشته شده است که: «جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^(۱) و در سجده خویش می‌فرمود: «اشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له وانّ جدی محمداً رسول الله انّ ابی امیر المؤمنین ولی الله...»^(۲)

۱. سورة اسراء: آیه ۸۱.

۲. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۱۸۴.

۲-۱۲. ولادت مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت

ولادت امام مهدی (عج) از موارد اختلاف شیعه و اهل سنت است؛ گرچه تعداد بی شماری از علمای اهل سنت، همانند شیعه امامیه معتقدند امام عسکری علیه السلام فرزند بی نام محمد داشته است همچنین برخی از آنان، همانند شیعه معتقدند که صاحب الزمان و مهدی و کسی که در آخر الزمان قیام می کند هموست، اما بعضی دیگر از اهل سنت با این عقیده مخالفند، اکنون به بررسی این موضوع می پردازیم.

۲-۱۳. اعتراف اهل سنت به ولادت

با مراجعه به کتاب های تاریخی و دیگر کتاب های اهل سنت پی می بریم که عده بسیاری از آنها به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده اند. و اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۲-۱۳-۱. علامه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی (متوفای ۶۸۱ هـ)

او می گوید:

«ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری فرزند علی هادی فرزند محمد جواد دوازدهمین امام نزد شیعه دوازده امامی معروف به حجت... ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. هنگام وفات پدرش پنج سال داشت...»^(۱)

۲-۱۳-۲. شمس الدین محمد بن طولون حنفی (متوفای ۹۵۳ هـ)

او در شرح حال امامان می گوید:

«... دوازدهمین آنان، فرزند محمد بن حسن ابوالقاسم است... ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد و هنگام

۱. احمد بن محمد ابن خلکان، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان* (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ هـ. ۱۹۹۸ق)، ج ۴، ص ۱۷۶.

وفات پدر، پنج سال داشت...»^(۱)

۲-۱۳-۳. محیی الدین بن عربی

او می‌گوید:

«بدانید که خروج مهدی حتمی است. خروج نمی‌کند تا زمین پر از جور و ظلم شده باشد؛ آن‌گاه آن را پر از عدل و داد خواهد کرد... او از غیرت رسول خدا ﷺ و از فرزندان فاطمه ﷺ است - جدش حسین بن علی بن ابی‌طالب ﷺ و پدرش حسن عسکری ﷺ - فرزند امام علی نقی ﷺ... است. هم‌نام رسول خداوند است. مسلمانان با او بین رکن و مقام بیعت می‌کنند...»^(۲)

۲-۱۳-۴. فخر رازی شافعی

وی در کتابی که در موضوع علم انساب تدوین کرده، می‌گوید:

«اما حسن عسکری او دو پسر و دو دختر داشت. یکی از پسرانش صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است... آنگاه می‌نویسد: نصوص اکثر مورخان و صاحبان تراجم و معاجم بر ولادت حجت ابی‌القاسم محمد بن حسن بن علی عسکری ﷺ اتفاق دارد. او از صلب پدر و از رحم مادرش خانم نرجس در سال ۲۵۲ یا ۲۵۵ یا ۲۵۹ هجری به دنیا آمد، اگرچه طبق نظر شیعه در سال ۲۵۵ در نیمه شعبان به دنیا آمده است...»^(۳)

۱. به نقل از: احمد بن محمد ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۲. ابن عربی، فتوحات مکیه، باب ۳۶۶.

۳. محمد بن عمر فخر رازی، الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه (قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النحفی،

چاپ دوم، ۱۳۷۷)، صص ۸۷ و ۷۹.

۲-۱۳-۵. ابوالبرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی (متوفای ۱۳۱۷ هـ)

او می‌گوید:

«مشهورترین مذاهب اسلامی، مذهب امامیه است که می‌گوید:
مهدی همان محمد بن حسن عسکری بن علی الهادی... است که نزد امامیه
معروف به حجت منتظر و قائم است...»^(۱)

۲-۱۴. شهادت امام حسن علیه السلام و سه نشانه امامت حضرت مهدی (عج) (نماز خواندن آن حضرت بر جنازه پدر)

أبولادیان یکی از شیعیان خاص و نامه‌رسان امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید: آن حضرت در بستر شهادت، مرا به حضور طلبید و چند نامه را به من داد و فرمود:
«این نامه‌ها را به مدائن ببر و به صاحبانش برسان و پس از پانزده روز مسافرت وقتی که به شهر سامرا بازگشتی، از خانه من صدای گریه و عزاداری می‌شنوی و جنازه مرا روی تخته غسل می‌نگری.»
أبولادیان می‌گوید، گفتم: «ای آقای من! اگر چنین پیش آید به چه کسی مراجعه کنم؟» فرمود: به کسی رجوع کن که آن دارای سه علامت باشد.»

۱- پاسخ نامه‌های مرا از تو مطالبه کند که او قائم بعد از من است.

گفتم: نشانه بیشتر بفرمائید، فرمود:

۲- کسی که بر جنازه من نماز می‌خواند.

گفتم نشانه بیشتر بفرمائید، فرمود:

۳- آن کسی که از محتوا و اشیای داخل همیان خبر دهد، او قائم بعد از من است.

سپس شکوه امام علیه السلام مانع شد که سؤال بیشتر کنم، به سوی مدائن رفتم و نامه‌ها را به

۱. به نقل از: سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۰۰.

صاحبانشان دادم و پاسخ‌های آنها را گرفتم و پس از پانزده روز به سامرا بازگشتم، ناگاه همانگونه که فرموده بود صدای گریه و عزا از خانه امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم، به خانه آن حضرت آمدم ناگاه دیدم جعفر کذاب (برادر آن حضرت) در کنار خانه ایستاده و جمعی از شیعیان اطراف او را گرفته و به او تسلیت گفته و به او به عنوان امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام مبارک باد می‌گویند. با خود گفتم: اگر امام، این شخص باشد، مقام امامت تباه خواهد شد زیرا من جعفر را می‌شناختم که شراب می‌خورد و قمار بازی می‌کرد و با ساز و آواز سر و کار داشت، نزد او رفتم و تسلیت و تهنیت گفتم، از من هیچ سؤالی نکرد.

سپس «عقید» غلام امام حسن علیه السلام آمد و به جعفر گفت: ای آقای من جنازه برادرت کفن شد برای نماز بیا. جعفر و شیعیان اطراف او وارد خانه شدند. من نیز همراه آنها بودم و در برابر جنازه کفن شده امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفتیم، جعفر پیش آمد تا نماز بخواند، همین که آماده تکبیر شد، کودکی که صورتی گندم‌گون و موی سرش به هم چسبیده و بین دندان‌هایش گشاده بود به پیش آمد و ردای جعفر را گرفت و کشید و گفت:

تأخر یا عم فانا أحق بالصلوة علی ابی

ای عمو! به عقب برگرد، من سزاوارتر به نماز خواندن بر جنازه پدرم

هستم.

جعفر به عقب بازگشت در حالی که چهره‌اش تغییر کرده و غبارگونه شده بود. کودک جلو آمد و نماز خواند و سپس آن حضرت را در کنار قبر پدرش امام هادی علیه السلام در شهر سامرا به خاک سپردند. سپس آن کودک به من گفت: پاسخ‌های نامه‌ها را که در نزد توست بیاور، آنها را به آن کودک دادم و با خود گفتم: این دو نشانه (۱- نماز ۲- مطالبه نامه‌ها) اما نشانه سوم (خبر از محتوای همیان) باقی مانده است.

سپس نزد جعفر کذاب رفتم دیدم مضطرب است، شخصی به نام «حاجر و شاء» به جعفر گفت: آن کودک چه کسی بود؟ جعفر گفت: «سوگند به خدا هرگز آن کودک را ندیده‌ام و نشناخته‌ام.»

أبوالادیان در ادامه سخن گفت: ما نشسته بودیم ناگاه چند نفر از قم آمدند و جویای امام

حسن عسکری علیه السلام بودند، دریافتند که آن حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: «امام بعد از او کیست؟» مردم با اشاره، جعفر را به آنها نشان دادند.

آنها بر جعفر سلام کردند و به او تسلیت و تهنیت گفتند و عرض کردند: «همراه ما نامه‌ها و اموال است، به ما بگو نامه‌ها را چه کسی فرستاده و اموال، چه مقدار است؟!» در این هنگام خادم (از جانب امام عصر عج) بیرون آمد و گفت: نزد شما نامه‌هایی است از فلان کس و فلان کس (نام آنها را به زبان آورد) و در نزد شما همیانی است که هزار دینار دارد که ده دینار آن، طلا روکش دارد.

قمی‌ها آن نامه‌ها و همیان را به آن خادم دادند و گفتند: امام همان کسی است که تو را نزد ما فرستاده است (به این ترتیب سومین نشانه نیز آشکار شد)

پس از آن ماجرا، جعفر کذاب نزد معتمد عباسی رفت و گفت: در خانه برادرم حسن عسکری علیه السلام کودکی هست که شیعیان به امامت او معتقدند.

معتمد، دژخیمان خود را برای دستگیری آن کودک فرستاد، آنها آمدند و پس از جستجو کنیز امام حسن علیه السلام به نام «صقیل» را دستگیر کرده و کودک را از او مطالبه کردند، او انکار و اظهار بی‌اطلاعی کرد و برای منصرف کردن آنها از جستجوی آن کودک گفت: من حملی از آن حضرت دارم (یعنی از امام حسن علیه السلام حامله هستم).

مأموران آن کنیز را به ابن ابی‌الشوارب قاضی سپردند (تا وقتی که بچه متولد شد آن را بکشد) در این میان عبیدالله بن یحیی بن خاقان وزیر از دنیا رفت و صاحب‌الزنج (امیر زنگیان) در بصره خروج کرد و دستگاه خلافت سرگرم این امور شد و از جستجوی کودک منصرف گردیدند و کنیز (صقیل) از خانه قاضی به خانه خود آمد.^(۱)

۱۴-۲-۱. حضرت مهدی عج بر بالین پدر در لحظه شهادت

شیخ طوسی ره و شیخ صدوق ره از ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی روایت کردند که گفت: هنگامی که امام حسن علیه السلام لحظات آخر عمر را می‌گذرانید، به حضورش شرفیاب شدم.

۱. شیخ صدوق ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، صص ۱۵۰ تا ۱۵۲.

آن حضرت به خدمت‌کار سیاه‌چهره خود (عقید) فرمود: «آب و مصطکی را برای من بجوشان.» عقید آن را جوشانید، آن‌گاه حضرت نرجس علیها السلام آن را در ظرفی نزد امام حسن علیه السلام نهاد. امام حسن علیه السلام وقتی که ظرف را به دست گرفت، تا آن جوشنده را بنوشد دستش چنان لرزید که آن ظرف به دندان‌هایش می‌خورد، آن ظرف را به زمین گذاشت و به عقید فرمود: «برو آن اطاق، کودکی در حال سجده می‌بینی، او را نزد من بیاور.» عقید می‌گوید: به اتفاق دیگر رفتم و در جستجوی کودک بودم، ناگاه دیدم کودکی در حال سجده است و انگشت سبابه خود را به سوی آسمان بلند کرده است، نزد او رفتم و سلام کردم، نماز خود را مختصر کرد و به پایان رسانید، به او عرض کردم «آقای من دستور داد که نزدش بروی» در این هنگام مادرش نرجس علیها السلام آمد و دست او را گرفت و نزد پدرش امام حسن علیه السلام آورد، وقتی که آن کودک در حضور پدر، به راه افتاد، دیدم: «رنگش درخشان، موی سرشش به هم چسبیده و بین دندان‌هایش، گشاده است» وقتی نگاه امام حسن علیه السلام به او افتاد گریست و فرمود: «ای سرور خاندان خود، این آب (جوشانده) را به من بنوشان، من به سوی پروردگار خواهم رفت.» کودک آن ظرف را که جوشانده مصطکی داشت به دست گرفت و لب‌های مبارکش را به دعایی حرکت داد و آن را به پدرش نوشانید. سپس امام حسن علیه السلام به او فرمود: «مرا برای نماز آماده کنید.»

دستمالی در کنارش گسترده و آن کودک به یک یک اعضای وضوی پدر را وضو داد سپس

بر سر و پای پدر مسح کشید. امام حسن علیه السلام به آن کودک فرمود:

«پسر جانم مژده باد به تو! تو صاحب زمان هستی، تو مهدی

می‌باشی، تو حجت خدا بر زمینش هستی، تو فرزند من و وصی من می‌باشی

و من پدر تو هستم. تو محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی

بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام از نسل

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشی و تو آخرین فرد از امامان پاک و معصوم هستی،

رسول خدا صلی الله علیه و آله به وجود تو بشارت داده است و نام و کنیه تو را به زبان

آورده و این مطلب را به پدرم از پدران معصوم خود نقل کردند. درود

خداوند، پروردگار ما بر ما خاندان باد. اوست ستوده و نیکو» آنگاه آن

حضرت در همین لحظه از دنیا رفت.»^(۱)

۲-۱۵. تدابیری که امام عسکری علیه السلام برای تثبیت امامت فرزندش اندیشید

حضرت برای تثبیت امامت حضرت مهدی (عج) از راه‌های مختلف استفاده نمود.

۲-۱۵-۱. تعلیمات و بیانات

موسی بن جعفر بن وهب بغدادی می‌گوید از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود:

«کانی بکم وقد اختلفتم بعدی فی الخلف منی، اما أن المقر بالائمة بعد

رسول الله المنکر لولدی کمن اقر بجمیع انبیاء الله ورسله ثم انکره نبوه محمد

رسول الله صلی الله علیه و آله»^(۲)

«گویا شما را می‌بینم که در حق جانشین من اختلاف خواهید کرد،

آگاه باشید هر کس به امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله اقرار کند ولی منکر

فرزندش شود، همانند آن است که به جمیع انبیای خدا و رسولان او اقرار

کرده ولی نبوت محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا را انکار کرده است.»

احمد بن اسحاق می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود: ستایش را خداوندی

سزااست که قبل از آن که از دنیا رحلت کنم جانشین بعد از خودم را نشانم داد. در روز سوم ولادت

حضرت مهدی (عج) پدرش امام حسن عسکری علیه السلام او را بر اصحاب خود عرضه کرد و فرمود:

«هذا صاحبکم من بعدی و خلیفتی علیکم وهو القائم الذی تمتد الیه

الاعناق بالانتظار...»^(۳)

این فرزند صاحب و امام شما بعد از من و خلیفه من بر شماست او

قائمی است که مردم در انتظار او به سر خواهند برد....

انتهی

انتهی

۱. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۲۹، باب ۴۳: علامه محمدباقر مجلسی.

بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۱.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶.

۳. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۳۱.

۲-۱۵-۲. نشان دادن به خواص

احمد بن اسحاق بن سعد اشعری می‌گوید:

«خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم تا از جانشین آن حضرت سؤال کنم، حضرت در ابتدا فرمود: ای احمد بن اسحاق! خداوند، تبارک و تعالی هرگز زمین را از زمان خلقت آدم تا روز قیامت از حجت بر خلق خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت، به توسط حجت است که بلا از اهل زمین دفع می‌کند و به واسطه اوست که باران نازل کرده است و برکات زمین را بیرون می‌آورد.

آنگاه عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ حضرت فوراً از جا بلند شد و داخل اتاق گشته، در حالی که کودکی به مانند ماه پاره با حدود سه سال بر شانه خود داشت بر من وارد شد و فرمود: «یا احمد بن اسحاق! لو لا کرامتک علی الله عز وجل و علی حججه، ما عرضت علیک ابنی هذا...»^(۱) «ای احمد بن اسحاق اگر کرامت تو نزد خداوند عز وجل و حجت‌های خدا نبود این فرزند را بر تو عرضه نمی‌کردم.»

معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمّری می‌گویند:

«ما با چهل نفر در منزل امام حسن عسکری علیه السلام بودیم که آن حضرت فرزند خود را بر ما عرضه کرده و فرمود: این امام و خلیفه شما بعد از من است، او را اطاعت کنید و بعد از من در ادیان خود متفرق نشوید که هلاک خواهید شد، بدانید که بعد از این روز هرگز او را مشاهده نخواهید کرد...»^(۲)

آیا در بین احادیث ولادت حضرت، حدیث صحیح‌السند نیز وجود دارد؟

۱. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، صص ۳۸۴ و ۳۸۵، ح ۱.

۲. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۳۵، ح ۲.

در بین احادیثی که دلالت بر ولادت حضرت مهدی (عج) دارد پی به روایاتی می‌بریم که از سند صحیح یا حسن یا موثقی برخوردار است. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- کلینی به سند صحیح اعلائی از محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی از عبدالله بن جعفر حمیری نقل می‌کند که فرمود:

«اجتمعت أنا والشیخ ابو عمرو (ره) عند احمد بن اسحاق فغمزنی احمد بن اسحاق أن أسأله عن الخلف، فقلت له: یا ابا عمرو! انی ارید أن أسألك عن شیء وما انا بشأك فیما ارید أن أسألك عنه، فان اعتقادی و دینی ان الارض لا تخلو من حجة الا اذا كان قبل يوم القیامة بأربعین يوماً فاذا كان ذلك رفعت الحجة وأغلق باب التوبة... ولكنی احببت أن ازداد یقیناً. ثم قال: سل حاجتك؟ فقلت له: أنت رأیت الخلف من بعد ابی محمد علیه السلام فقال: أی والله ورقبته مثل ذا، و اوماً علیه السلام بیده...» (۱)

من و شیخ ابو عمرو - عثمان بن سعید عمّری - خدمت احمد بن اسحاق بودیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ابو عمرو در باره جانشین امام سؤال کنم، به ابو عمرو گفتم: از تو سؤال می‌پرسم که در باره آن شک ندارم، زیرا اعتقادم این است که زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نمی‌ماند مگر چهل روز قبل از برپایی قیامت، که چون آن روز فرا رسد حجت برداشته و راه توبه بسته خواهد شد... ولی من دوست دارم که بر یقینم افزوده شود... سپس گفتم: خواسته‌ات را سؤال کن! گفتم: سؤال این است که: آیا جانشین امام عسکری علیه السلام را دیده‌ای؟ ابو عمر فرمود: آری به خدا سوگند، گردن او چنین بود و با دست اشاره کرد...» شیخ صدوق؛ نیز این حدیث را با سند صحیح نقل کرده است. (۲)

۱. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، مترجم: آیه الله محمدباقر کمره‌ای (قم: انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵). ج ۱. صص ۳۲۰ و ۳۳۰ با تلخیص.
۲. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۴۱.

۲- و نیز کلینی به سند صحیح از حسین بن علا نقل کرد، که گفت:

«قلت لابی عبدالله علیه السلام: تکون الارض لیس فیها امام؟ قال: لا.»^(۱)؛

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است که زمین بدون امام

باشد؟ حضرت فرمود: هرگز.

۳- و نیز به سندی دیگر که آن هم صحیح است از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«إن الارض لا تخلو الا وفيها إمام»^(۲)

همانا زمین هرگز از وجود امام خالی نمی‌گردد.

۴- و نیز به سند صحیح از حسن بن علی و شاء نقل می‌کند که از امام رضا علیه السلام سؤال

کردم:

«هل تبقى الارض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: إنا نروى أنها لا تبقى إلا يسخط

الله عز وجل على العباد. قال: لا تبقى إذا لساخت»^(۳).

آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود: هرگز. عرض کردم:

ما چنین روایت می‌کنیم که زمین از حجت خالی نمی‌ماند مگر آن که

خداوند بر بندگانش غضب کند؟ حضرت فرمود: زمین «بدون حجت» باقی

نمی‌ماند و در غیر این صورت مضطرب می‌شود.

چه عواملی در حصول تواتر و یقین به دلالت امام مهدی علیه السلام مؤثر است؟

از آنجا که اعتبار خبر متواتر به جهت حصول یقین است، در مورد موضوع ولادت امام

مهدی علیه السلام عواملی چند در حصول یقین به این موضوع دخالت داشته است:

۱- احادیثی که به دلالت مطابقی بر ولادت امام مهدی علیه السلام و بشارت به آن حضرت

دلالت دارد که مجموع آنها به ۲۴ حدیث می‌رسد.

۲- روایاتی که در مورد سال ولادت حضرت رسیده است.

۱. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. همان، ص ۱۷۹، ح ۱۳.

- ۳- روایاتی که در رابطه با خصوصیات فردی امام زمان علیه السلام وارد شده است.
- ۴- روایاتی که نص بر امامت آن حضرت دارد.
- ۵- توقیعاتی که از ناحیه مقدسه صادر شده است که عدد آنها به ده‌ها توقیع می‌رسد.
- ۶- ترضیقات سیاسی که از ناحیه حکومت بنی‌العباس برای مواجهه و مقابله با حضرت و قتل ایشان گذاشته شده بود.
- ۷- وجود چهار سفیر در عصر غیبت صغری و ارتباط مردم با حضرت از طریق آنها.
- ۸- وکلای ناحیه مقدسه که در کشورها و شهرهای مختلف وجود داشته‌اند.
- ۹- عده زیادی که مشرف به لقا و رؤیت حضرت مهدی علیه السلام شده‌اند.
- ۱۰- معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام صادر شده و در کتاب‌ها مکتوب است.
- ۱۱- اعتراف علمای انساب به ولادت فرزند حضرت امام عسکری علیه السلام.
- ۱۲- اجماع و ثبوت شیعه بر ولادت و وجود امام مهدی (عج).
- ۱۳- تصریح مورخان بر ولادت حضرت مهدی (عج).
- ۱۴- مدعیان سفارت دروغین از طرف امام زمان (عج).
- ۱۵- شهادت هر یک از معصومین علیهم السلام بر ولادت حضرت مهدی (عج).

نتیجه‌گیری

با توجه به احادیثی که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و وجود آیات بسیاری پیرامون مهدویت، با این که پشتوانه عقلی و فلسفی قطعی دارد. ولی ادله نقلی و قرآنی نیز بر آن دلالت دارد و تنها یک فرضیه ظنی و فلسفی نیست. و ادله ضرورت وجود امام معصوم همان ادله غیبت است و همان طور که در بخش‌های پیشین گفته شد نه تنها روایات فراوانی در حد تواتر بر ولادت حضرت دلالت دارد بلکه احادیث صحیح‌السند نیز این موضوع را تأیید می‌کند و نیز ادله نقلی فراوانی در حد تواتر بر وجود حضرت دلالت دارد، بنابراین وجود مبارک حضرت یک حقیقت تاریخی است و جنبه ظنی و فلسفی ندارد.

فصل سوم:

شبهه دوم: ادله ضرورت وجود امام معصوم و ارتباط آن با مسأله غیبت چیست؟

لطف خداوند چنین اقتضاء کرد که پیامبری را بفرستد و احکامی را به مردم ابلاغ کند تا مردم را به سوی هدفی معین هدایت نماید، و این پیامبران دستورات الهی را بدون هیچ‌گونه خطا و اشتباهی در دسترس مردم، قرار دهند و این از جانب ما، یک نیاز است. چراکه علوم و مدرکات ما از خطا و اشتباهات، معصوم و محفوظ نیستند، زیرا حواس و قوای مدرکه در حصول آنها دخالت دارند و خطای حواس بر کسی پوشیده نیست، اما علوم و احکامی که از جانب خدا به پیامبر وحی می‌شود از این قبیل نیست و خطا و اشتباه در آن راه ندارد. و کسی که عین حقایق و کمالات و سعادت خویش را مشاهده کند، هرگز تخلف نمی‌کند و کمالات حقیقی را با چشم دل مشاهده می‌کند و هرگز کمال خویش از دست نمی‌دهد. که این دلیلی بر نبوت می‌باشد.

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خاتم پیامبران است باید فردی باشد تا مردم را هدایت و رهبری نماید باید در بین نوع انسان فرد کاملی وجود داشته باشد که به تمام عقاید حقه الهی عقیده مند بوده و تمام اخلاق و صفات نیک انسانی را به کار بسته و بر تمام احکام دین عمل نماید و همه را بدون کم و زیاد بداند و در این مراحل از خطا و اشتباه و عصیان، معصوم باشد، به واسطه علم و عمل، تمام کمالات ممکنه انسانی، در وی به فعلیت رسیده و پیش رود. امام قافله انسانیت باشد.

ما در این فصل به ضرورت وجود این حجت در عالم پرداخته و ارتباط آن را با مسأله غیبت بیان می‌نمایم و این فرضیه را بیان می‌کنیم که ادله ضرورت وجود معصوم، همان ادله وجود حجت و غیبت است.

۳-۱. قاعده لطف و وجوب امامت

قاعده لطف یکی از قواعد مهم کلامی است که متکلمان عدلیه، بسیاری از مسائل کلامی را بر اساس آن تبیین کرده‌اند، از دیدگاه متکلمان امامیه، امامت از مصادیق این قاعده کلامی است، آنان این مطلب را در کتب کلامی خویش مورد تحقیق قرار داده‌اند، از سویی دیگر، از طرف مخالفان، اشکالاتی بر این دیدگاه وارد شده است که متکلمان امامیه به آنها پاسخ داده‌اند. این نوشتار در پی آن است که نخست تقریر روشنی از قاعده لطف ارائه دهد، آنگاه چگونگی انطباق آن را بر مسئله امامت بیان کند، سپس اشکالاتی را که بر این مطلب است، بررسی و تحلیل کند، مهم‌ترین دلیل عقلی متکلمان امامیه بر وجوب امامت مبتنی بر قاعده لطف است، قاعده لطف یکی از قواعد مهم و اساسی در کلام عدلیه (امامیه و معتزله) به شمار می‌رود، مسائل کلامی بسیاری بر این قاعده استوار شده است، وجوب نبوت عصمت پیامبران، تکالیف شرعی، وعده وعید از جمله مسایل کلامی است که از مصادیق و معترفات قاعده لطف به شمار می‌روند، متکلمان امامیه بر این عقیده‌اند که امامت نیز از مصادیق و فروع قاعده لطف است. پیش از آن که برهان لطف بر وجوب امامت را تقریر کنیم لازم است به اختصار با این قاعده مهم کلامی آشنا شویم: (۱)

۳-۱-۱. تعریف لطف از دیدگاه متکلمان عدلیه

متکلمان عدلیه، عبارت‌های گوناگونی را در تعریف لطف به کار برده‌اند، برخی از این تعاریف چنین است:

۳-۱-۱-۱. شیخ مفید در تعریف آن گفته است

«اللطف ما يقرب المكلف معه الى الطاعة و يبعده عن المعصية و لاحظ له

فی التمکین ولم يبلغ حد الالغاء»

لطف آن است که به سبب آن مکلف به طاعت نزدیک و از معصیت

دور می‌شود و در قدرت مکلف بر انجام دادن تکلیف، مؤثر نیست و به مرز

۱. علی ربانی گلپایگانی، فصل‌نامه علمی تخصصی ویژه امام عصر (عج)، مرکز تخصصی مهدویت، ص ۱۱۱.

اجبار نیز نمی‌رسد. (۱)

۱-۱-۲. ابواسحاق نوبختی در تعریف لطف گفته است

لطف امری است که خداوند نسبت به مکلف انجام می‌دهد و مستلزم ضرر نیست و از وقوع طاعت از مکلف معلوم می‌شود که خداوند آن را در حق مکلف انجام داده است و اگر آن لطف نبود وی طاعت نمی‌کرد. (۲)

۱-۲-۳. وجوب لطف: برهان حکمت

مهم‌ترین برهان وجوب لطف بر خداوند، مبتنی بر حکمت الهی است، یعنی **لطف** مستلزم نقض غرض است که با حکمت الهی منافات دارد، این که به مقتضای حکیمانه بودن افعال الهی، تکلیف، باید غرض معقولی داشته باشد، غرضی که با هدف آفرینش انسان هماهنگ باشد، هدف آفرینش انسان، تعالی و تکامل معنوی است که از طریق انجام اوامر الهی به دست می‌آید. اکنون اگر انجام دادن کاری از جانب خداوند که زمینه انجام اوامر الهی را فراهم سازد، در تحقق هدف مزبور تأثیر داشته باشد، انجام دادن آن واجب و لازم خواهد بود، زیرا فاعل حکیم همه تدابیر معقول و میسوری که در تحقق یافتن هدف مؤثر است، انجام دادن آن به مقتضای حکمت، واجب و ضروری می‌باشد.

۱-۳-۳. برهان لطف بر وجوب امامت

متکلمان امامیه بالاتفاق، بر این عقیده‌اند که امامت، از مصادیق لطف خداوند است و چون لطف به مقتضای حکمت الهی، واجب است، امامت نیز واجب است. از طرفی لطف امامت، از آن گونه الطافی است که فعل مباشر و مستقیم خداوند است (۳). و از این نظر وجوب امامت، همچون وجوب نبوت است. بنابراین در این جا دو مدعا مطرح است: ۱- امامت لطف است. ۲- امامت لطفی است که فعل مستقیم خداوند است، و تعیین امام باید از جانب خداوند انجام گیرد، که مطلب نخست مورد نظر و تبیین ماست یعنی تبیین این که امامت، لطف خداوند در

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳. علامه شعرانی، کشف المراد (تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۶)، ص ۴۶۱.

حق مکلفان است. سید مرتضی در تبیین لطف بودن امامت چنین گفته است: ما امامت و رهبری را به دو شرط لازم می‌دانیم: یکی این که تکالیف عقلی وجود داشته باشد و دیگر این که مکلفان معصوم نباشد. هرگاه هر دو شرط یا یکی از آن دو، منتفی گردد امامت و رهبری لازم نخواهد بود. دلیل بر وجوب امامت و رهبری با توجه به دو شرط یاد شده، این است که هر انسان عاقلی که با عرف و سیری عقلایی بیشتر آشنایی داشته باشد، این مطلب را به روشنی تصدیق می‌کند که هرگاه در جامعه‌ای، رهبری با کفایت و تدبیر باشد که از ظلم و تباهی جلوگیری و از عدالت و فضیلت دفاع کند، شرایط اجتماعی برای بسط فضایل و ارزش‌ها فراهم‌تر خواهد بود و مردم از ستمگری و پلیدی دوری می‌گزینند و یا در اجتناب از پلیدی و تبه‌کاری، نسبت به وقتی که چنین رهبری در بین آنان نباشد، وضعیت مناسب‌تری دارند، این چیزی جز لطف نیست، زیرا لطف چیزی است که با تحقق آن مکلفان به طاعت و فضیلت روی می‌آورند و از پلیدی و تباهی دوری می‌گزینند و یا این که در شرایط مناسب‌تری قرار می‌گیرند. پس امامت و رهبری در حق مکلفان لطف است؛ زیرا، آنان را به انجام دادن واجبات عقلی و ترک قبايح بر می‌انگیزد و مقتضای حکمت الهی، این است که مکلفان را از آن محروم ننماید این مطلب از بدیهیات عقلی است و اگر کسی آن را انکار کند، چونان فردی است که منکر بدیهیات شود و شایستگی بحث و گفتگوی علمی را از دست خواهد داد. (۱)

۳-۱-۴. قاعده لطف و غیبت امام

از جمله اشکالاتی که متکلمان اهل سنت بر امامیه در قاعده لطف دارند چنین است که: امامیه به غیبت امام اعتقاد دارد و وجه غیبت را این می‌داند که مکلفان به وظایف خود نسبت به امام که اطاعت و انقیاد از او و نصرت و یاری دادن او است عمل نکردند، بلکه در صدد قتل وی برآمدند، از طرفی لطف بودن امام، مشروط به این است که امام در میان مردم حضور داشته و دست‌رسی به او امکان‌پذیر باشد. بنابراین در عصر غیبت، لطف بودن امام در حق مکلفان تحقق نخواهد پذیرفت. (۲)

۱. همان، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۱۴.

پاسخ: این اشکال یکی از معروف‌ترین شبهاتی است که مخالفان بر عقیده شیعه در باب امامت وارد کرده‌اند. به گمان آنان، اعتقاد به وجوب امامت در هر زمان، از یک سو، و اعتقاد به جواز غیبت امام، از سوی دیگر، دو عقیده‌ی ناسازگارند، در حالی که یکی از اساسی‌ترین شرایط درستی یک نظریه است، با دقت کافی در این مسئله، بی‌پایگی این شبهه روشن خواهد شد. برای آن که این حقیقت کاملاً روشن شود نکاتی یادآور می‌شویم: ۱- چنین نیست که وجود امام هر چند غائب، به هیچ وجه، در حق مکلفان لطف نباشد، زیرا، اعتقاد به این که امام اگر چه غائب است، ولی از گفتار و رفتار مردم آگاه است و اصولاً، غیبت او به این صورت نیست که در نقطه‌ای دور از مردم زندگی کند و از مردم به کلی بی‌خبر باشد، می‌تواند نقش مؤثری در گرایش انسان‌ها به سوی فضیلت و معنویت و دوری از تباهی و معصیت داشته باشد. پس وجود او به خودی خود، لطف در حق مکلفان است، هر چند تصرف او در امور و رهبری دینی و سیاسی او، در فرض حضور، لطف دیگری است. محروم شدن از این لطف، ناشی از سوء رفتار مردم است و به امام یا خداوند متعال باز نمی‌گردد. ۲- لطف در باب امامت، در حقیقت از سه لطف تشکیل می‌شود: الف) لطفی که فعل خداوند است. آن، عبارت است از آفریدن امام و اعطای منصب امامت به او. ب) لطفی که فعل امام است. آن عبارت است از این که امام، منصب امامت را پذیرا شود و برای تحقق بخشیدن به آن آمادگی داشته باشد. ج) لطفی که فعل مکلفان است آن این که آنان، امامت را پذیرا و از او اطاعت کنند و او را یاری دهند. اقسام یاد شده بر هم ترتب دارند؛ یعنی، تا لطف نخست تحقق نیابد، نوبت به لطف دوم نمی‌رسد و تا لطف دوم تحقق نیابد، به لطف سوم تحقق نخواهد یافت، بر این اساس از آنجا که لطف سوم فعل مکلفان است، آنچه به خداوند مربوط می‌شود، این است اطاعت از امام و یاری دادن او را بر آنان واجب کند، و چون فعل لطف بر خداوند واجب است، پس واجب کردن اطاعت از امام و یاری دادن او، مقتضای لطف خداوند و واجب است. از طرفی، این تکلیف بدون این که، امام را بیافریند و منصب امامت را به او بدهد تکلیف مالا یطاق است و این نوع تکلیف کردن بر خداوند محال است بنابراین، فرض نیافریدن امام، خلاف موازین عدل و حکمت الهی است. از طرفی چنین نیست که بر وجود امام غائب، هیچ‌گونه اثری از آثار لطف مترتب نباشد. پس نمی‌توان گفت: «در چنین فرضی، لطف بر خداوند واجب نیست.»

با توجه به نکاتی که در بالا اشاره شد در پاسخ به این شبهه باید بگوییم که غیبت امام زمان از جهتی از ناحیه ما می باشد و لذا در ظهور او نیز عملکرد ما دخیل است و دیگر اینکه در عصر غیبت هرگز حدود الهی و تنفیذ احکام و دعوت به حق و جهاد با دشمنان تعطیل نمی گردد. بلکه بنا بر توکیل عام از جانب امام زمان (عج) این امور به فقها واگذار شده است. پس باز هم به این نتیجه می رسیم که وجود امام زمان از ناحیه لطف خداوند است.

۳- اصولاً یکی از آثار حکیمانه ای که بر وجود رهبران الهی، اعم از پیامبر و امام، مترتب است، اتمام حجت بر مکلفان است، ممکن است همه مکلفان، نسبت به حجت های الهی بر بشر، معصیت ورزند، ولی این امر باعث نمی شود که آفریدن آن حجت و فرستادن او به سوی مردم، بی فایده و لغو باشد؛ چرا که اگر خداوند، حجت خود را بر بشر تمام نکند ممکن است آنان در مقام احتجاج بگویند:

«پروردگارا، اگر حجت خود را بر ما تمام می کردی، ما راه عبادت و

بندگی را بر می گزیدیم»^(۱)

قرآن کریم در باره یکی از اهداف بعثت پیامبران، فرموده است:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾^(۲)

پیامبرانی که بشارت گر و هشدار دهنده بودند تا برای مردم پس از فرستادن پیامبران در مقابل خدا بهانه و حجتی نباشد.

۳-۲. وجوب شناخت امام با احادیث اهل سنت

ابن عمر قال: «سمعت رسول الله ﷺ يقول: من مات بغير امام مات

ميتة جاهلية ومن نزع يدا من طاعة جاء يوم القيمة لا حجة له»^(۳)

۱. طه: ۱۳۲.

۲. نساء: ۱۶۵.

۳. سلیمان بن داوود الطیالسی، مسند الطیالسی، تحقیق عبد المحسن الترقی (إبی جا): دار الهجر، ۱۴۲۰ق، ص

۲۳۹، به نقل از احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۸۵.

ابن عمر، می‌گوید: شنیدم که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: کسی که بدون (شناسایی) امام بمیرد به مرگ جاهلیت (کفر) مرده است و کسی که دست از اطاعت (امام) بردارد روز قیامت وارد محشر خواهد شد در حالی که نتواند از خود دفاع کند.

حافظ نیشابوری:

«قال: قال رسول الله ﷺ من لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية»^(۱)

حافظ نیشابوری می‌گوید: که رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت (کفر) مرده است.

عیسی بن السری:

قال: قال الصادق ﷺ (فی الحديث): قال رسول الله ﷺ: «من مات لم يعرف امامه مات ميتة جاهلية قال الله عز وجل: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُؤْيُوا الْأَمْرَ مِنْكُمْ»، فكان على صلوات الله عليه ثم صار من بعد حسن ثم حسين ثم من بعده علي بن الحسين ثم من بعده محمد بن علي وهكذا يكون الامر، ان الارض لا تصلح الا بامام ومن مات لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية»^(۲).

۱-۲-۳. حدیث جابر بن یزید جعفی

جابر در خلال گفتگوهایی در امامت، سوالاتی از امام باقر ﷺ کرده و امام در یکی از پاسخ‌ها می‌فرماید: پیشوایان آنهایی هستند که رسول خدا ﷺ آشکارا نامشان را برده و فرموده است: «آنگاه که به معراج رفتیم برکنار عرش نام آنها می‌درخشید، نوشته بود: علی و دو فرزندش، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجة قائم، پیشوایان ممتاز پاک سرشت همین‌ها هستند.»

جابر: آیا شما امام و حاکم بر مردم نیستید؟

۱. حافظ قشیری نیشابوری از علماء اهل سنت در صحیح خود ج ۸، ص ۱۰۷ به نقل از احقاق الحق ج ۱۳، ص ۸۵.

۲. سلیمان بن ابراهیم قندوزی المتقی، ینابیع الموده، ص ۱۱۷، ط اسلامبول، به نقل از احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۸۶.

امام: چرا

جابر: برای چه کنار کشیده، قیام نمی‌کنید در حالی که قرآن، از شما محاهده و کوشش پیگیر در راه حق را خواسته؟ آن جا که می‌گوید: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ...﴾^(۱)

امام: چرا امیرالمؤمنین علیه السلام از حق خود صرف نظر کرد؟ شخص امام در پاسخ این سؤال خود توضیح می‌دهد برای آن که دیگر پشتیبان و یآوری نداشت. نوح پیغمبر علیه السلام چرا گفت خدایا دیگر شکست خورده‌ام یاریم فرما؟ موسی علیه السلام چرا گفت: ﴿رَبِّ اِنِّي لَا اَمْلِكُ اِلَّا نَفْسِي وَاَخِي فَاَفُرُّ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفٰسِقِينَ﴾^(۲)؛ «خدایا من اختیار بیش از خودم و برادرم را ندارم، بین ما و این مردم نادان جدایی افکن»

این کناره‌گیری انبیاء برای چیست؟ آنگاه که مواجه با ناتوانی می‌شوند کنار کشیده معذورند، وقتی پیغمبران معذورند امام معذور نیست؟ ای جابر مثل امام مثل کعبه است مردم به سوی آن می‌روند ولی کعبه از جا تکان نمی‌خورد.^(۳)

۳-۳. ضرورت وجود انسان کامل در صحنه هستی بر اساس روایات

۳-۳-۱. انسان کامل:

انسان کامل، آن است که مثال‌اعلای خداوند و آیت کبری او و بیان‌کننده حق و نبأ عظیم بوده و بر صورت حق آفریده شده است و با دست او قدرت یافته و خلیفه خدا بر مخلوقاتش است و کلید باب معرفت حق می‌باشد که هر که او را بشناسد خدا را شناخته است. پیغمبر اسلام که اولین مرد انسانهاست و بزرگترین انسان کامل است. رسول خدا صلی الله علیه و آله انسان کاملی است که در رأس این عالم واقع است. ذات مقدس حق تعالی است که غیب است و در عین حال ظاهر است و مجموع همه کمال به طور غیرمتناهی است، در رسول اکرم صلی الله علیه و آله متجلی است به تمام اسماء و صفات و در قرآن متجلی است، به تمام اسماء و صفات و روز بعثت روزی است که

۱. سوره حج: ۷۸.

۲. مائده: ۲۵.

۳. سلیمان بن ابراهیم قندوزی المتقی، ینابیع الموده، ص ۲۲۷.

خدای تبارک و تعالی موجود کاملی که از او کاملتر نیست و نمی شود باشد، مأمور کرد که تکمیل کند او را و بعد از پیغمبر اکرم که خاتم پیامبران است ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان کاملترین انسانها شناخته شدند. (۱)

ابو حمزه می گوید:

«خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون وجود

امام باقی می ماند؟ فرمود: اگر زمین بی امام گردد فرو خواهد رفت.» (۲)

و شاء می گوید:

«خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بی امام می ماند؟

فرمود: نه. گفتم: برای ما روایت شده که زمین بی امام نمی گردد در صورتی

که خدا بر بندگانش غضب نماید. پس آن جناب فرمود: زمین بی امام

نمی گردد والا فرو خواهد رفت.» (۳)

ابن الطیار می گوید:

«از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود اگر در زمین بیش از دو

نفر هم موجود نباشد، یکی از آنان حتماً حجت خدا خواهد بود.» (۴)

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند! خدا از آن وقتی که ادم را قبض روح کرده تا حال،

هرگز زمین را بی امامی که مردم به واسطه او هدایت یابند رها نکرده است و

اوست حجت خدا بر بندگانش. زمین هرگز بی امام باقی نمی ماند تا خدا بر

۱. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (تهیه و تنظیم)، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی (تهران: نشر عزوج، چاپ اول، ۱۳۸۱)، ص ۹۷.

۲. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۴.

۳. همان، ص ۳۳۰.

۴. همان، ص ۳۳۵.

بندگان‌ش حجتی داشته باشد.»^(۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«خدا ما را به نیکوترین خلقت آفرید و در آسمان و زمین خزانه دار علوم خویش قرار داد. درخت با ما تکلم نمود و به عبادت کردن ما خدا عبادت می‌شود، اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی‌شد.»^(۲)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«اوصیا درهای علوم ربوبی هستند، باید از آن درها داخل دین شد، اگر آنان نباشند خدا شناخته نمی‌شود و به وجود آنان خدا بر بندگان‌ش احتجاج می‌نماید.»^(۳)

ابو خالد می‌گوید: تفسیر این آیه: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» را از حضرت ابی جعفر علیه السلام پرسیدم. فرمود: ای اباخالد! به خدا سوگند مراد از نور، ائمه علیهم السلام می‌باشند، ای اباخالد نور امام در دل‌های مؤمنین از نور شمس تابنده‌تر است. آنان هستند که قلوب مؤمنین را نورانی می‌گردانند. خدا نور آنان را از هر کس بخواهد مستور و ممنوع می‌کند، پس قلبش تاریک و پوشیده می‌گردد.^(۴)

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«وقتی خدا اراده کرد فردی را برای امور بندگان‌ش انتخاب کند، شرح صدری به وی عطا نموده قلبش را چشمه حقایق و حکمت‌ها می‌گرداند و علوم خودش را همواره به او الهام می‌کند، بعد از آن از هیچ جوابی عاجز نخواهد ماند و در بیان حقایق و راهنمایی صحیح به ضلالت و گمراهی مبتلا نمی‌گردد. از خطا معصوم است و از تأییدات و توفیقات و راهنمایی‌های

۱. همان، ص ۳۳۳.

۲. همان، ص ۳۶۸.

۳. همان، ص ۳۶۹.

۴. همان، ص ۳۷۲.

خداوندی همواره برخوردار می‌باشد و از خطاها و لغزش‌ها در امان است. خدا او را به این مقام برگزید تا بر بندگانش، حجت و گواه باشد، این بخشش است خدایی که به هر کس خواست عطا می‌کند و فضل خدا بزرگ است.»^(۱)

پیغمبر ﷺ فرمود:

«ستارگان امان اهل آسمانند، اگر نابود شوند اهل آسمان نیز نابود می‌گردند. اهل بیت من امان ساکنین زمین می‌باشند، پس اگر اهل بیت من وجود نداشته باشند اهل زمین نیز هلاک می‌گردند.»^(۲)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«زمین از قائمی که برای خدا قیام کند و حجت خدای را بر پا دارد خالی نمی‌گردد، گاهی ظاهر و مشهور است، گاهی ترسان و پنهان، برای این که حجت‌های خدا باطل نگردد، عدد آنان چه بسیار کم و کجا هستند؟ به خدا سوگند! از حیث عدد کم می‌باشند لیکن از حیث قدر و مقام بزرگند. خدا به وسیله آنان حجت و براهین خویش را حفظ می‌کند تا هنگامی که آن براهین را در نزد امثال خودشان ودیعه گذارند و در قلوب آنان کشت و زرع کنند... علم، آنان را به حقیقت و بینایی رسانده است، به روح یقین برخورد کرده واصل شده‌اند، آنچه را مستان و شیفتگان مال و ثروت سخت و دشوار می‌شمارند در نظر آنان سهل و آسان است. به چیزی که جهان از آن وحشت دارند مانوسند. مصاحبتشان با دنیا، به واسطه بدن‌هایی است که ارواح آنها به محل اعلا معلق و مربوط است. آنان در زمین خلیفه‌های خدا و دعوت‌کنندگان دین هستند.»^(۳)

۱. همان، ص ۳۹۰.

۲. ابن جوزی، تذکرة الخواص (بیروت: موسسه اهل البیت، ۱۴۰۱ هـ ق - ۱۹۸۱ م)، ص ۱۸۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«گوهرهای گران‌بهای قرآن در وجود اهل بیت علیهم السلام نهاده شده، آنان گنج‌های خدا می‌باشند، اگر سخن گویند صادقند و اگر ساکت بمانند کسی بر ایشان سبقت نمی‌جوید.»^(۱)

حضرت علی علیه السلام در باره اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«به برکت وجود آنان حق در جایش مستقر می‌شود و باطل زائل می‌گردد و زبانش از بیخ قطع می‌شود. آنان دین را تعقل نموده‌اند تعقلی که با فهم و عمل همراه است، نه تعقلی که به مجرد شنیدن و نقل کردن باشد. به درستی که روایت کنندگان علم بسیارند لیکن رعایت کنندگان آن کم یابند.»^(۲)

سخن را کوتاه کرده: از دلیل عقلی مذکور و احادیثی که در این موضوع صادر شده استفاده می‌کنیم: مادامی که نوع انسان روی زمین باقی باشد، باید همواره در بین آنها فرد کامل معصومی وجود داشته باشد که تمامی کمالاتی که برای آن نوع امکان دارد، در او به فعلیت رسیده، علماً و عملاً هدایت افراد را عهده‌دار باشد و چنین فرد ممتازی امام و پیشرو انسانیت خواهد بود. اگر وجود مقدسی در راه کمالات انسانی صعود می‌کند و بقیه افراد نوع را به سوی آن کمالات و مقامات دعوت می‌نماید و به واسطه وی همواره بین عالم غیبی و عالم انسانی رابطه و اتصال برقرار است. افاضات عوالم غیبی اولاً بر آن وجود شریف و به برکت او بر دیگران تراوش می‌کند، اگر چنین فرد ممتاز و کاملی در بین مردم وجود نداشته باشد لازم می‌آید که نوع انسان بدون غایت و منقطع گردد و نوع بدون اتصال و غایت، انقراض برایش ضروری است پس قطع نظر از ادله دیگر، این دلیل نیز دلالت می‌کند که: هیچ عصر و زمانی و از جمله عصر ما، از وجود امام خالی نخواهد بود و چون در عصر ما امام ظاهری وجود ندارد باید گفت در حالت غیبت و اختفاء

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

زندگی می‌کند. (۱)

۳-۴. اثبات ضرورت حجت خدا در زمین به صورت کلی یا (برهان عقلی بر امامت)

قبل از بیان این موضوع ابتدا باید دلیل نبوت عامه را بیان کنیم:

الطاف خداوندی چنین اقتضا دارد که پیامبرانی را بفرستد تا احکام و قوانین لازم را به مردم ابلاغ کنند و آنان را به سوی غایت و هدف ایجاد هدایت و کمک نمایند. در صورتی منظور حق تعالی تأمین می‌شود و احکام و دستورات لازم بدون کم و زیاد، در دسترس مردم گذاشته می‌شود و عذرشان منقطع می‌گردد که پیغمبر از خطا و اشتباه و نسیان در امان و محفوظ باشد. یعنی در گرفتن احکام و ضبط آنها و ابلاغ به مردم از خطا و نسیان معصوم باشد، علاوه بر این باید خودش به حقیقت آن احکام متحقق باشد و به علم خویش عمل نماید و قولاً و عملاً مردم را به سوی کمالات حقیقی دعوت کند تا عذرشان منقطع گردد و در تشخیص راه حق، در ضلالت و گمراهی واقع نشوند زیرا پیغمبر اگر به احکام دین پای بند و مقید نباشد کلامش از اعتبار ساقط می‌شود و مردم به وی اعتمادی نخواهند نمود زیرا او بر خلاف گفتارش عمل می‌کند و به واسطه عمل خویش مردم را به سوی خلاف آن احکام دعوت می‌نماید و معلوم است که دعوت عملی اگر از دعوت قولی مؤثرتر نباشد کم اثرتر هم نخواهد بود. به بیان دیگر: علوم و مدرکات ما از خطا و اشتباه معصوم و محفوظ نیستند، زیرا حواس و قوای مدرکه در حصول آنها دخالت دارند و خطاهای حواس بر کسی پوشیده نیست، اما علوم و احکامی که از جانب پروردگار عالم برای هدایت مردم، به پیغمبران وحی الهام می‌شود، از این قبیل نیست و از راه حواس و قوای مدرکه آنها تحصیل نکرده‌اند و گرنه لازم می‌آید که خطا و اشتباه در معلومات آنان نیز راه داشته باشد و احکام واقعی به دست مردم نرسد، بلکه علوم آنان به این طریق است که حقائق عوالم غیبی بر باطن ذات و قلب آنان نازل می‌شود. عین آن حقایق را به علم حضوری مشاهده می‌نمایند و آنچه را با چشم دل مشاهده می‌کنند از عالم بالا نازل کرده در دسترس مردم قرار می‌دهند، چون عین آن

۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان (قم: انتشارات شفق، چاپ یازدهم، ۱۳۶۹)، ص ۸۳.

حقایق را مشاهده و درک می‌کنند پس در گرفتن و تحمل و ضبط آنها خطا و اشتباهی راه ندارد. به همین علت، از عصیان و مخالفت آن دستورات معصوم و در امان هستند و به علوم خویش عمل می‌نمایند. زیرا کسی که عین حقایق و کمالات و سعادت خویش را مشاهده کند بدون شک بر طبق مشاهداتش رفتار می‌کند و هرگز تخلف نمی‌نماید، زیرا تمام طرق و راه‌های اشتباه کاری نفس و قوا، بر او را بسته است و کمالات حقیقی خویش را با چشم دل مشاهده می‌کند و چنین شخصی هرگز کمال خویش را از دست نمی‌دهد.

بعد از روشن شدن دلیل نبوت عامه، اکنون تصدیق می‌فرمایند که عین همین برهان نیز اقتضا دارد که هر وقت پیغمبری در بین مردم موجود نبود، باید یکی از افراد انسان جانشین و خزینه‌دار احکام خدایی باشد و در تحمل و نگهداری و تبلیغ آنها سعی و کوشش نماید، زیرا منظور حق تعالی از بعثت پیغمبران و فرستادن احکام، در صورتی تحقق می‌پذیرد و الطافش به حد کمال می‌رسد و حجت بر بندگان تمام می‌شود که تمام آن قوانین و دستورات بدون کم و زیاد، در بین بشر محفوظ بماند. پس در مورد فقدان پیغمبران، لطف خدا چنین اقتضا دارد که یکی از افراد انسان را مسئول حفظ و نگهداری و تحمل احکام نماید. آن فرد برگزیده نیز باید در گرفتن احکام و ضبط و ابلاغ آنها از خطا و اشتباه معصوم باشد تا منظور حق تعالی تأمین شود و حجت بر بندگان تمام گردد. باید به حقیقت و واقعیت احکام دین مستحق باشد و خودش بدانها عمل کند تا دیگران اعمال و اخلاق و اقوال خویش را با اعمال وی تطبیق نمایند و از او پیروی کنند و دریافتن راه حقیقت، دچار شک و تردید نشوند و عذر و دستاویزی به دستشان نیاید. چون امام نیز باید در تحمل این مسئولیت بزرگ، از خطا و اشتباه معصوم و محفوظ باشد، باید گفت که: این قبیل علومش را از راه حواس و قوای مدرکه کسب نکرده و با علومی معمولی مردم بسی تفاوت دارد، بلکه به واسطه راهنمایی پیغمبر، چشم بصیرتش روشن شده و حقائق و کمالات انسانیت را با چشم دل مشاهده می‌کند، چون چنین است از خطا و اشتباه معصوم است و همین مشاهده حقایق و کمالات است که علت عصمت وی شده و باعث این می‌شود که بر طبق علوم و مشاهداتش عمل نماید و به واسطه علم و عمل، امام و پیشوا و پیشرو انسانیت گردد. به عبارت دیگر: همیشه باید در بین نوع انسان فرد کاملی وجود داشته باشد که به تمام عقائد حق الهی

عقیده‌مند بوده تمام اخلاق و صفات نیک انسانی را به کار بسته به تمام احکام دین عمل نماید و همه را بدون کم و زیاد بداند. در تمام این مراحل، از خطا و اشتباه و عصیان معصوم باشد. به واسطه علم و عمل، تمام کمالات ممکنه انسانی، در وی به فعلیت رسیده پیشرو و امام قافله انسانیت باشد. اگر نوع انسان، زمانی از چنین فرد ممتازی خالی گردد لازم می‌آید که احکام الهی که به منظور هدایت انسانیت نازل گشته محفوظ نمانده از بین مردم مرتفع گردد و افاضات و امدادهای غیبی حق تعالی منقطع شود و بین عالم ربوبی و عالم انسانی ارتباطی برقرار نباشد.

به عبارت دیگر:

«باید همیشه در بین نوع انسان فردی وجود داشته باشد که همواره مورد هدایت و تأییدات و افاضات حق تعالی بوده باشد و به واسطه افاضات معنوی و کمک‌های باطنی و هر فردی را بر طبق استعدادش به کمال مطلوب برساند و گنجینه و خزینه‌دار احکام الهی باشد تا افراد بشر، در صورت احتیاج و عدم ایجاد مانع، از علومش بهره‌مند گردند. وجود مقدس امام، حجت حق و نمونه دین و انسان کاملی است که می‌تواند در حد توانایی بیشتر خدا را بشناسد و پرستش کند، و اگر او وجود نداشته باشد، خدا به کمال شناخته و عبادت نمی‌شود، قلب و باطنی امام خزینه علوم خداوندی و مخزن اسرار الهی است و مانند آینه‌ای است که حقایق عالم هستی در آن جلوه‌گر شود تا دیگران از انعکاسات آن حقائق بهره‌مند گردند.»^(۱)

۳-۵. ضرورت وجود حجت در روی زمین

از مجموعه‌ای از روایات و ادله عقلی استفاده می‌شود که بقای امام معصوم و حجت خدا در روی زمین تا روز قیامت از امور ضروری است، به ادله عقلی آن در قسمتی دیگر به صورت

۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۷۸.

جداگانه می پردازیم، اما اکنون به برخی از روایات که این مضمون از آنها استفاده می شود اشاره می کنیم:

۳-۵-۱. احادیث ثقلین

در ذیل بعضی از آنها چنین آمده است:

«... انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»^(۱)

.... همانا کتاب و عترت از یکدیگر جدا نمی شوند تا دوازده کنار حوض

کوثر بر من وارد شوند.

این حجر هیتمی در کتاب الصواعق المحرقة می نویسد:

«وفی احادیث احدث علی التمسک باهل البیت إشارة الی عدم انقطاع

متأهل منهم للتمسک به الی یوم القيمة، كما إنَّ الكتاب العزیز كذلك، ولهذا كانوا

اماناً لاهل الارض...»^(۲)

احادیثی که مردم را به تمسک به اهل بیت و ادار می کند اشاره دارد به

این که تا روز قیامت زمین خالی از شخص شایسته از اهل بیت نیست تا این

که مردم به او تمسک کنند، همان طوری که کتاب عزیز این چنین است.

علامه مناوی در فیض الغدیر، سیوطی در شرح جامع الصغیر و علامه سمهودی در

جواهر العقدین به همین مضمون تصریح کرده اند.

۲- احادیث معرفت امام که از طریق شیعه و سنی وارد شده که پیامبر ﷺ فرمود:

«من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»^(۳)

هر کس که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا

رفته است.

۲- احادیث بسیاری به این مضمون از طرق شیعه وارد شده که اگر زمین از حجت خالی

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۱.

۲. احمد ابن حجر تمیمی مکی، صواعق المحرقة، ص ۱۴۹.

۳. سلیمان بن احمد طبرانی، معجم الکبیر (بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا])، ص ۱۱.

گردد زمین دگرگون می شود. مرحوم کلینی به سند صحیح از ابی حمزه نقل می کند که فرمود: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود:

«لو بقیت الارض بغير امام لسخت»^(۱)

اگر زمین بدون امام شود، هر آینه دگرگون خواهد شد.

در کتاب های روایی، روایات صحیح در روی زمین باشد تا بتواند آن را از دگرگونی نجات دهد؛ کسی که بر عالم ماده و ناسوت حجت است.

مجموع آیاتی که جمع آوری شده ۲۰۳ آیه می باشد که تعدادی از آنها به عنوان نمونه در این جا ذکر گردیده، که تفسیراً و تأویلاً و یا اتم و اکمل مصداق آن، حضرت بقیه الله (عج) می باشد و اکثر دانشمندان علم تفسیر از شیعه و سنی آن را نقل نموده اند.

«أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ
وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ»^(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله به آنچه از طرف پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است (او رهبری است که به تمام سخنان خود کاملاً مؤمن می باشد) و مؤمنان نیز به خدا و فرشتگان و کتاب ها و فرستادگانش ایمان آورده اند.

مؤمنون اشاره به ائمه اطهار علیهم السلام است که در حدیث مفصلی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که: در شب معراج در سمت راست عرش دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی علیه السلام (مانند خورشیدی از نور می درخشند) و در همه حال قیام، مشغول نمازند، و مهدی علیه السلام در میان آنان مانند شاخه درخشان است. خداوند متعال فرمود: ای محمد، اینان حجت های من (روی زمین) و این مهدی قائم است و از عترت می باشد، به عزت و جلالم به درستی که او حجت واجبه بر اولیاء من و منتقم از دشمنان

۱. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱.

۲. سوره بقره: آیه ۲۸۵.

من است. (۱)

﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ (۲)

و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند و ورزیده شوند و کافران را تدریجاً نابود سازد.

ابن عباس می گوید: پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

«همانا علی وصی من است و قائم منتظر مهدی (عج) از فرزندان من است که زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که از جور و ستم پر شده باشد، سوگند به آن کس که مرا به حق، بشیر و نذیر برانگیخت، کسانی که ثابت قدم بمانند محققاً از کبریت احمر عزیزتر و گران بهاترند، جابر بن عبدالله برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ؛ آیا برای قائم از فرزندان غیبی می باشد؟ فرمود: آری سپس این آیه را تلاوت نمود:

﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ (۳)

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾ (۴)

و گفتند پروردگارا چرا جهاد را بر ما مقدر داشتی؟ چرا این فرمان را کمی تأخیر نیانداختی؟

از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام و امام باقر علیه السلام در باره اجل قریب روایت شده که اشاره به قیام قائم آل محمد (عج) است. (۵)

۱. ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الائمة من ذریتهم (ع) ج ۲، ص ۳۲.
۲. آل عمران: آیه ۲۰۰.
۳. محمود شریعت زاده خراسانی، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۴۹؛ ص سلیمان بن ابراهیم قندوزی المتقی، ینابیع الموده، ۴۴۸؛ اثبات الهدی، ج ۶، ص ۳۹۰؛ ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الائمة من ذریتهم (ع)، ج ۲، ص ۳۳۵.
۴. سوره نساء: آیه ۷۷.
۵. سید هاشم البحرانی الموسوی، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، تحقیق

۳-۶. گلچینی از آیات مهدویت

۳-۶.۱. غلبه اسلام بر جمیع ادیان

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (۱)

می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند؛ ولی خداوند نمی گذارد تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (۲)

او کسی است که پیامبر خود را به قصد هدایت، با آئین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرد و گواه بودن خدا کفایت می کند.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (۳)

می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آن که خدا - گرچه کافران را ناخوش افتند - نور خود را کامل خواهد گردانید. او است کسی که فرستاده خود را با هدایت و آئین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه

محمد علی عاشور (بیروت: مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۲ق)، ص ۷۲۸؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه (تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰)، ج ۴، ص ۱۵.

۱. سوره توبه: آیات ۳۲ و ۳۳.

۲. سوره فتح: آیه ۲۸

۳. سوره صف: آیه ۸ و ۹.

دین است غالب گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.

واژه «یظهره» فعل مضارع از باب افعال است که وقتی همراه با «علی» می آید، به معنای «یغلبه» (غلبه و برتری دادن است). خداوند در این آیات اشاره می کند که دشمنان دین و حقیقت می خواهند نور خدا را خاموش کنند، در حالی که خداوند نور خود را کامل می کند و تلاش های آنان راه به جایی نمی برد، خداوند وقتی از اراده دشمنان برای خاموشی نور خدا و نابودی دین خبر می دهد، تنها از جلوگیری این اراده خبر نمی دهد و نمی گوید: ما نمی گذاریم آن نور خدا را خاموش کنند؛ بلکه او از تمام نور سخن می فرماید: «خدا این نور را تمام می کند.» سپس به روشنی می گوید: «خدا رسولش را با هدایت (دلایل روشن و برهان های آشکار) و دین حق (آیینی که اصول و فروعش همه بر اساس واقعیت است) فرستاد». نتیجه چنین هدایت و دینی که با خود دلایل شفاف و مطالب حق و درست به همراه دارد، پیروزی بر همه مکاتب و آئین های دیگر است که خداوند آن را اراده کرده است.

ضمیر «ه» در «لیظهره» به دین بر می گردد؛ چرا که ظاهر عبارت غلبه دین است نه غلبه شخص و باید بین غالب و مغلوب تناسب و هم سنخی باشد، غلبه اسلام بر دیگر ادیان، هم از نظر منطق و استدلال است و هم از نظر غلبه عینی و عملی؛ یعنی، روزی فرا می رسد که اسلام با پشتوانه عظیم معرفتی و آموزه هایی که دارد، بر همه ادیان غالب می شود و نفوذ ظاهری و حکومت دین مقدس اسلام بر جهان سایه می افکند و همه را تحت الشعاع خود قرار می دهد. گفتنی است: خداوند در سه جای قرآن عبارتی بسیار شبیه به هم آورده که نشان دهنده اهمیت مطلب و حتمی الوقوع بودن این رویداد بزرگ (غلبه اسلام) است. به علاوه که خداوند در آخر آیه ۲۸ سوره «فتح» از عبارت «وکفی بالله شهیداً» استفاده کرده که شاهد تحقیق این واقعیت و گواه بر آن خود خداوند است، با توجه به این که چنین امری هنوز رخ نداده است، این خبر و وعده الهی در آینده به حتم روی خواهد داد. از طرفی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام امری مسلم و قطعی و یکی از آموزه های دین مقدس اسلام است، قیامی که نتیجه اش نابودی شرک و گسترش دین اسلام در همه جای کره زمین است.

محمد بن فضیل می گوید: «از امام کاظم علیه السلام در باره قول خداوند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

کَلِّهِ ﴿ پرسیدم. فرمود: «لِيُظْهَرَ عَلَى جَمِيعِ الْاَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ.» پیروز می‌کند خدا دین اسلام را بر همه دین‌ها هنگامه قیام قائم ﴿عَلَيْهِ﴾.» (۱)

از این روایت استفاده می‌شود که مراد از پیروزی دین اسلام، پیروزی همه جانبه و حاکمیت این دین بر زمین است.

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق ﴿عَلَيْهِ﴾ در باره آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهَرَ عَلَى الدِّينِ كَلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» پرسیدم، فرمود:

«وَاللَّهِ مَا نَزَلَ اللَّهُ تَأْوِيلَهَا بَعْدَ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلَهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ ﴿عَلَيْهِ﴾
فاذا خرج القائم ﴿عَلَيْهِ﴾ لم يبق كافرٌ بالله عظيم ولا مشرك بالامام الاكره خروجه حتى آن لو كان كافراً أو مشركاً في بطن صخرة لقاتل: يا مؤمن في بطنى كافرٌ فاكسرونى واقتلوه.» (۲)

قسم به خدا هنوز تأویل آن نیامده و تأویل آن نمی‌آید تا این که قائم ﴿عَلَيْهِ﴾ خروج کند. پس هنگامی که قائم خروج کرد، کافری به خدا و مشرکی به امام باقی نمی‌ماند، مگر این که خروج او را کراهت دارد و حتی اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی پنهان شده باشد، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن! درون من کافری هست، مرا بشکن و او را بکش.

پس مراد از ظهور و غلبه دین، برتری در زمین است، به گونه‌ای که دیگر جایی برای شرک باقی نمی‌ماند. به عبارت دیگر، هر چه زمان بیشتر می‌گذرد و جوامع بشری به هم نزدیک‌تر می‌شوند و از حال هم آگاه‌تر می‌شوند و واقعیت «دهکده کوچک جهانی» ملموس‌تر می‌گردد. نیاز به وجود یک مدیر و حاکم عادل و حکیم، با دانایی و توانایی مافوق بشری و با قانونی جامع و کامل برای سعادت و کمال مادی و معنوی انسان‌ها، بیش از پیش آشکار می‌شود؛ چرا که پراکندگی و کوتاه‌نگری قوانین بشری، با حاکمانی خودسر، خودخواه و هوسران، روز به روز بر سقوط ارزش‌ها و حذف امنیت و آرامش این دهکده کوچک افزوده و هراس از آینده‌ای تاریک و

۱. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۸، ح ۷.

مبهم را افزایش داده است و انتظار یک منجی و مصلح عدالت‌گستر را در قلب‌های مضطرب و نگران، افزون ساخته است.

خداوند آگاه به سر و نهان بشر، برای این روز تدبیری اندیشیده و برنامه‌ریزی کرده است و آن تدبیر چیرگی دین اسلام و آموزه‌های گران‌سنگ آن بر همه ادیان به دست رادمردی الهی است تا بشر با او از گرداب تباهی، فقر، تبعیض و فساد رهایی یابد.^(۱)

۷-۳. مهدویت، عامل وحدت

خداوند متعال در قرآن کریم بر موضوع وحدت و اتحاد گروه‌ها و فرقه‌های مختلف امت اسلامی تأکید فراوان کرده و می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^(۲)

به درستی که مؤمنان برادران یکدیگرند.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾^(۳)

و هرگز راه اختلاف و تنازع که موجب تفرقه در اسلام است نپوید که

در اثر تفرقه ترسو و ضعیف شده، قدرت شما نابود خواهد شد.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^(۴)

همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

در میان جوامع اسلامی بعضی اعتقادات وجود دارد که می‌تواند محور خوبی برای

وحدت در بین جامعه باشد یکی از آنها مودت و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام و دیگری اعتقاد به

۱. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، باب ۳۰، ح ۳.

۲. حجرات: آیه ۱۰.

۳. انفال، آیه ۴۶.

۴. آل عمران: آیه ۱۰۳.

مهدی منتظر(عج) است. اعتقاد به منجی را می توان زمینه و بستر مناسبی برای گفت وگو و تقرب بین ادیان دانست؛ زیرا ادیان و مکاتب و ملت ها هر یک به نوعی معتقد به ظهور منجی برای عالم بشریت در آخرالزمان اند. هر چند در کیفیت و چگونگی آن با یکدیگر اختلاف دارند.

۳-۷-۱. امام غائب چگونه امامت می کند؟

انسان غائب می تواند منشاء برکات زیادی باشد در عین حال که ظهور مشخصی ندارد. حال این سؤال پیش می آید که: امام اگر پیشوای مردم است باید ظاهر باشد. بر وجود امام ناپیدا چه فایده ای مترتب است؟ امامی که صدها سال غائب بماند، نه دین را ترویج کند، نه مشکلات جامعه را حل کند، نه پاسخ مخالفین را بدهد، نه امر به معروف و نهی از منکر کند، نه از مظلومین حمایت کند، نه حدود و احکام الهی را جاری سازد و نه مسائل حلال و حرام مردم را روشن سازد، وجود چنین امامی چه سودی دارد؟

پاسخ این است که: مردم در زمان غیبت، آن هم به واسطه اعمال خودشان از فوایدی که شمردید محرومند لیکن فواید وجود امام منحصر به این ها نیست بلکه فواید دیگری نیز وجود دارد که در زمان غیبت نیز مترتب است از جمله: دو فائده ذیل را می توان شمرد:

اول: بر طبق سخنان گذشته و براهینی که در کتب دانشمندان اقامه شده است و احادیثی که در موضوع امامت وارد شده، وجود مقدس امام غایب نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه میان عالم مادی و عالم ربوبی است. اگر امام روی زمین نباشد نوع انسان منقرض خواهد شد. اگر امام نباشد خدا به حد کامل شناخته و عبادت نمی شود. اگر امام نباشد رابطه بین عالم مادی و دستگاہ آفرینش منقطع می گردد، قلب مقدس امام به منزله ترانسفورماتور است که برق کارخانه را به هزاران لامپ می رساند، اشراقات و افاضات عوالم غیبی، اولاً بر آینه پاک قلب امام و به وسیله او بر دل های سایر افراد نازل می گردد. امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است و معلوم است که حضور و غیبت او، در ترتب این آثار تفاوتی ندارد، آیا باز هم می شود گفت: امام ناپیدا را چه نفعی است؟! گمان می کنم شما این اشکال را از زبان کسانی می گوئید که به حقیقت معنای ولایت و امامت پی نبرده و امام را جز یک مسئله گو و جاری کننده حدود نمی دانند، در صورتی که مقام امامت و ولایت از این مقامات ظاهری بسیار شامختر است.

امام سجاد علیه السلام فرمود: ما پیشوای مسلمین و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم. ما امان اهل زمین هستیم چنان که ستارگان امان اهل آسمانند. به واسطه ماست که آسمان بر زمین فرود نمی آید مگر وقتی که خدا بخواهد، به واسطه ما باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج می شود. اگر ما روی زمین نبودیم اهلش را فرو می برد و آنگاه فرمود: از روزی که خدا آدم را آفرید تا حال هیچ گاه زمین از حجتی خالی نبوده است ولی آن حجت، گاهی ظاهر و مشهور و گاهی غائب و مستور بوده است، تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد و اگر امام نباشد خدا پرستش نمی شود.

سلیمان می گوید: عرض کردم: مردم چگونه از وجود امام غائب، منتفع می شوند فرمود: همان طور که از خورشید پشت ابر انتفاع می برند.^(۱)

در این حدیث و چندین حدیث دیگر، وجود مقدس صاحب الامر انتفاع مردم از وی، تشبیه شده به خورشید پشت ابر و انتفاع مردم از آن. وجه تشبیه از این قرار است: «در علوم طبیعی و فلکیات ثابت شده است که خورشید مرکز منظومه شمسی است، جاذبه اش حافظ زمین و آن را از سقوط نگه می دارد. زمین راه دور خود چرخانده شب و روز و فصول مختلف را ایجاد می کند، حرارتش سبب حیات و زندگی حیوانات و گیاهان و انسانیت و نورش روشنی بخش زمین می باشد. در ترتب این آثار بین این که ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد. یعنی جاذبه و نور و حرارتش در هر دو حال موجود است، گرچه کم و بیش دارد. هنگامی که خورشید در پس ابرهای تیره پنهان است یا شبانگاه، جهان گمان دارند که موجودات از نور و حرارت خورشید بی بهره اند، در صورتی که سخت در اشتباهند، زیرا که اگر دقیقه ای نور و حرارتش به جانداران نرسد یخ زده هلاک می گردند و به برکت تأثیرات همان خورشید است که ابرهای تیره پراکنده می شوند و چهره حقیقی آن نمایان می گردد. وجود مقدس امام هم خورشید و هم قلب عالم انسانیت و مربی و هادی تکوینی اوست و در ترتب این آثار، بین ظهور و غیبت آن جناب تفاوتی نیست.

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی المتقی، *ینابیع الموده*، ج ۲، ص ۲۱۷.

و اما فوائد دیگر: گو این که عامه مردم در زمان غیبت از آنها محرومند لیکن از جانب خداوند متعال و وجود مقدس امام، منع فیض وجود ندارد بلکه تقصیر و کوتاهی از ناحیه خود افراد انسان است. اگر موانع ظهور را برطرف می ساختند و اسباب و مقدمات حکومت توحید و دادگستری را فراهم می نمودند و افکار عموم جهانیان را آماده و مساعد می کردند، امام زمان علیه السلام ظاهر می شد و جامعه انسانیت را از فوائد بی شماری بهره مند می گردانید ممکن است بگوئید: در صورتی که شرائط عمومی مساعد ظهور امام زمان علیه السلام نیست پس کوشش نمودن در این راه پرخطر و سخت چه سودی برای ما دارد؟ اما باید بدانید که همت مسلمین نباید محدود به جلب منافع شخصی باشد، بلکه وظیفه هر فرد مسلمان است که در راه اصلاح امور اجتماعی جمیع مسلمین و حتی عموم جهانیان کوشش کند، جدیت در راه رفاه عمومی و مبارزه با بیدادگری از بزرگ ترین عبادات به شمار می رود.

فائده دوم: ایمان به مهدی غائب و انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام مایه امیدواری و آرامش بخش دل های مسلمین است و این امیدواری یکی از بزرگ ترین اسباب موفقیت و پیشرفت در هدف می باشد. هر گروهی که روح یأس و ناامیدی خانه دلشان را تاریک نموده باشد و چراغ امید و آرزو در آن نتابد، هرگز روی موفقیت را نخواهند دید.

تنها روزنه امید که برای بشر مفتوح است و یگانه برق امید که در این جهان تاریک جستن می کند همان انتظار فرج و فرارسیدن عصر درخشان حکومت توحید و نفوذ قوانین الهی است انتظار فرج است که قلب های مأیوس و لرزان را آرامش بخشیده مرهم دل های زخم دار طبقه محروم گردد. نویدهای مسرت بخش حکومت توحید است که عقائد مؤمنین را نگهداری نموده در دین پایدارشان می کند. ایمان به غلبه حق است که خیرخواهان بشر را به فعالیت و کوشش وادار نموده است. استمداد از آن نیروی غیبی است که انسانیت را از سقوط در وادی هولناک یأس و ناامیدی نجات می دهد و در شاهراه روشن امید و آرزو وارد می کند، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به وسیله طرح برنامه حکومت جهانی توحید و یقین و معرفی رهبر اصلاحات جهانی، دیو یأس و ناامیدی را از جهان اسلام رانده است، درهای شکست و ناامیدی را مسدود ساخته است و انتظار می رود که جهان مسلمین به واسطه این برنامه گران های اسلامی، ملل پراکنده جهان را متوجه

خویش سازند و در تشکیل حکومت توحید متحدشان گردانند. حضرت علی بن الحسین علیه السلام می‌فرماید: انتظار، فرج و گشایش، خودش، یکی از بزرگ‌ترین اقسام فرج است.^(۱)

۳-۸. فلسفه غیبت امام مهدی (عج)

یکی از سؤال‌هایی که در طول تاریخ عصر غیبت مطرح بوده و هست این که چرا امام زمان علیه السلام غائب شد و چرا ما با آن حضرت نداریم؟ چه فرقی بین این عصر و عصرهای گذشته است؟ آیا وظیفه امام هدایت بشر نیست؟ اگر هست، پس چرا او را نمی‌بینیم؟ و...

قاضی عبدالجبار معتزلی می‌گوید:

«اگر امام ظاهر نشود تا به وسیله او نقص‌ها جبران شود، چه فایده‌ای برای او مترتب است، بسان آن که اصلاً حاجتی بر روی زمین نباشد، زیرا به صرف وجود امام، نقص برطرف نمی‌شود بلکه به امام ظاهر است که نقص جبران می‌گردد.»^(۲)

همچنین تفتازانی می‌نویسد:

«مسئله اختفای امام از مردم به این کیفیت که تنها اسمی از او در بین باشد جداً بعید است و امامت او در اختفا امری بیهوده است، زیرا غرض از امامت، حفظ شریعت، نظام، دفع جور و غیره است...»^(۳)

با پاسخ به این سؤالات با توجه به مقدماتی که ذکر خواهیم کرد به نتیجه قطعی خواهیم

رسید:

۳-۸-۱. غلبه اسلام بر سایر ادیان

در متون اسلامی، اعم از قرآن و حدیث - اشاره‌های متعددی بر این مسئله شده است که در آخرالزمان، دین اسلام بر تمام ادیان غلبه کرده و عدل و داد و حکومت الهی و توحیدی سرتاسر

۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۵۸.

۲. المغنی، ج ۱، ص ۵۷.

۳. علی بن حسین معروف به محقق کرکی، جامع المقاصد (بیروت: آل البیت، ۱۴۰۸ ه. ق.) ج ۳، مبحث امامت.

گیتی را فرا خواهد گرفت.

۳-۸-۱. بررسی آیات

الف) خداوند متعال در قرآن در سه آیه اشاره به این نکته دارد که هدف از فرستادن و مبعوث کردن پیامبر اکرم ﷺ به دین حق همانا غلبه دین اسلام بر سایر ادیان است: خداوند می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱)

اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد.

و نیز در آیه دیگری می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^(۲)

اوست خدایی که رسول خود محمد ﷺ را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند و بر حقیقت این سخن گواهی خدا کافی است.

استدلال به این آیه در صورتی تمام می شود که ضمیر «لیظهره» را به دین حق برگردانیم نه «رسول» و صحیح هم همین است، به دو جهت:

۱- این که در ادبیات عرب این قاعده معروف است: «الاقرب يمنع الأبعد» یعنی تا جایی که ممکن است ضمیر را به مرجعی نزدیک برگردانیم، نوبت به ارجاع ضمیر به دور نمی رسد. از همین رو می دانیم که ارجاع ضمیر به دین حق، اقرب است.

۲- به دلیل قاعده «لزوم سنخیت بین غالب و مغلوب» زیرا آنچه که بر سایر ادیان غالب است دین حق است، نه شخص پیامبر ﷺ.

۱. توبه: آیه ۳۳؛ صف: آیه ۹.

۲. فتح: آیه ۴۸.

از همین رو سعید بن جبیر در تفسیر این آیه می‌گوید: «هو المهدی (عج) من ولد فاطمه رضی الله عنها» «او مهدی از اولاد فاطمه علیها السلام است.»^(۱)

ب) خداوند می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ
بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْقَاسِقُونَ»^(۲)

خدا به کسانی که از شما بندگان [که به خدا و حجت عصر] ایمان آرد
و نیکوکار گردد وعده فرموده است که در [ظهور امام زمان (عج)] در زمین
خلافت دهد. (و او به جای امم سالفه حکومت و اقتدار بخشد.)

چنانچه امم صالح پیامبران سلف جانشینان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده
آنان را (که اسلام واقعی است.) بر همه ادیان تمکن و تسلط عطا کند و بر همه مؤمنان پس از
خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش
کنند و بعد از آن هر که کافر شود به حقیقت، همان فاسقان تبه کارند که با شناسایی حق از پی
شهووت نفس به راه کفر می‌روند.

خداوند متعال در این آیه شریفه به طور صریح وعده داده که مؤمنان صالح را که تحت انواع
ظلمها و شکنجه‌ها در طول تاریخ بوده و از خود فداکاری‌های زیادی داشته‌اند در روی کره زمین
حاکم گرداند.

۳-۸-۲. تغییر مصالح به تغییر حالات

شیخ مفید (ره) می‌فرماید:

«مصالح بندگان با اختلاف حالات آنها متغیر می‌شود، انسانی که
حکیم است تدبیر و تربیت اولاد و دوستان و اهل و خدمت‌کاران و... خود را

۱. سید مرتضی شریف رضی، نورالابصار، ص ۱۸۶.

۲. نور: آیه ۵۵.

به عهده گرفته و آنها را معرفت و آداب آموخته و وادار بر اعمال حسنه می‌کند تا در میان مردم عزیز شده و مستحق مدح و ثنا و تعظیم گردند، همچنین چگونگی تجارت صحیح را به آنها می‌آموزد و...

حال اگر آنان به دستورها و اهداف تربیتی او عمل کردند آن شخص حکیم هدایت‌هایش را ادامه داده و راه صحیح را برای آنان هموار می‌کند... ولی اگر از دستورات سرپیچی کرده و تحت تربیت او قرار نگرفته و راه سفاهت و ظلم و لهو و لعب را پیشه کردند، در این هنگام آن شخص حکیم مصلحت را در قطع موقتی رحمت از آنها می‌بیند تا به خود آمده و قدر نعمت را دانند، و این عمل هیچ‌گونه تناقض و تضادی با اغراض و تدبیرهای انسان حکیم و عاقل ندارد. عین همین مطلب را که در مورد انسان عاقل و حکیم ذکر کردیم، در باره خداوند عرض می‌کنیم، به این بیان که خداوند متعال امر تدبیر و مصلحت امت را به عهده گرفت، آنگاه عقلشان را کامل کرد و آنان را مکلف به انجام دادن اعمال صالح کرد تا به وسیله آن به سعادت برسند. حال اگر مردم به دستورهای الهی از اوامر و نواهی چنگ زنند، بر خدا لازم است که آنها را یاری کند و با اضافه کردن عنایت‌هایش بر بندگان، راه را بر آنها آسان‌تر نماید، ولی در صورتی که مخالف دستورهایش عمل کنند و مرتکب نافرمانی شوند، مصلحت بندگان تغییر می‌کند و در نتیجه موقعیت و وضعیت نیز تغییر خواهد کرد و خداوند توفیق را از آنها سلب می‌نماید، و در این هنگام آنان مستحق ملامت و مستوجب عقاب خواهند بود. در واقع برای آنان این حالت در تدبیر امورشان به صواب و صلاح نزدیک‌تر است، و این وضعیت هیچ‌گونه مخالفتی با عقل و حکمت و مصلحت‌اندیشی ندارد...

ما همین نکته را در مصلحت خلق به ظهور ائمه (علیهم‌السلام) و تدبیر آنان در صورت اطاعت و نصرت مردم می‌بینیم؛ ولی هنگامی که مردم نافرمانی

کرده و به طور وسیع خون آن بزرگواران را ریختند، قضیه عوض شده و مصلحت بر این تعلق می‌گیرد که امام مردم غائب و مستور باشد و این عمل باعث ملامت و سرزنش کسی غیر از خود مردم نخواهد بود، زیرا به سبب سوء کردار و رفتار و اعتقادشان مسبب این واقعه شدند. شایان ذکر است که هیچ‌گاه مصلحت غیبت و استتار مانع از وجوب وجود او نشده است و این عین صلاح و صواب برای جامعه این چنینی است...»^(۱)

۳-۸-۳. تکامل و پیشرفت بشر

بی‌شک هر کار اجتماعی - کوچک یا بزرگ، احتیاج به آماده شدن ظرفیت‌های مناسب دارد تا چه رسد به این که آن امر اجتماعی انقلاب جهانی و فراگیر در تمام زمینه‌ها - اعم از اعتقادی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی باشد. به عبارت دیگر انقلابی که در طول تاریخ نمی‌توان برای آن نمونه یافت. واضح است که چنین قیامی نیاز به آمادگی و استعداد در میان مردم دارد که از آن جمله است:

۳-۸-۳.۱. پیشرفت بشر از حیث ظرفیت دینی و اسلامی، ولو در طبقه خاصی از آنها.

۳-۸-۳.۲. پیشرفت بشر در تکنولوژی برای بسط و گسترش حکومت در سطح عالم.

۳-۸-۳.۴. ضرورت رهبری

بی‌تردید دین غالب در عصر ظهور، احتیاج به رهبر و امامی غالب دارد که دارای شرایط زیر باشد:

۳-۸-۳.۱. عالم به جمیع قوانینی باشد که بشر به آنها محتاج است.

۳-۸-۳.۲. قدرت خارق العاده داشته باشد.

۳-۸-۳.۳. از گناه و اشتباه و گمراهی به دور باشد.

۳-۸-۳.۵. دوازده امام

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنا بر روایاتی که از طریق شیعه و سنی رسیده، امامان و خلفای بعد از

۱. ر.ک: شیخ مفید، الفصول العشرة فی الغیبة، صص ۱۱۴-۱۱۷.

خود را تا روز قیامت دوازده نفر معرفی کرده است:

۱۱ روی البخاری عن جابر بن سهره قال: سمعت النبي ﷺ يقول: يكون

اثنا عشرًا أميراً. فقال كلمة لم اسمعها. فقال ابي: انه قال: كلهم من قریش. (۱)

بخاری به سندش از جابر بن سهره نقل کرده که گفت: من از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود:

«بعد از من دوازده امیر خواهد بود». سپس جابر می‌گوید: پیامبر ﷺ کلمه‌ای فرمود که من نفهمیدم. پدرم به من گفت که پیامبر ﷺ فرمود: «تمام آنها از قریشند».

وروی المتقی الهندی عن انس بن مالك قال: قال رسول الله ﷺ: «لن

يزال هذا الدين قائماً إلى اثني عشر من قریش، فاذا هلکوا ماجت الارض

بأهلها». (۲)

متقی هندی به سندش از انس بن مالک نقل می‌کند که رسول

خدا ﷺ فرمود: این دین برپاست تا این که دوازده نفر از قریش بر آن

امامت و خلافت کند و بعد از هلاکت دوازده امام، زمین زیر و رو خواهد

شد.

۳-۸-۶. خوف از قتل

یکی از اسباب گوشه‌نشین شدن انبیاء و رسل، خوف از قتل به جهت حفظ جان و به امید

نشر شرایعشان بوده است، خداوند متعال از زبان حضرت موسی ﷺ می‌فرماید: «فَفَرَّوْا

مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ» (۳) «پس از میان شما گریختم، هنگامی که از شما ترسیدم». هم‌چنین خداوند

متعال از زبان شخصی از بنی اسرائیل که خطاب به حضرت موسی ﷺ می‌گوید: «إِنَّ الْمَلَأَ

يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ» (۴). گفت: «ای موسی رجال دربار فرعون در کارت مشورت می‌کنند که تو را

به قتل رسانند».

۱. امام محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷، کتاب الاحکام، باب استخلاف، ح ۷۲۲۳.

۲. علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳، ح ۳۳۸۶۱.

۳. شعراء: آیه ۲۱.

۴. قصص: آیه ۲۰.

آری خوف یکی از اسبابی بود که موسی بن عمران علیه السلام را مجبور به فرار از مصر کرد و او را به سوی شعیب علیه السلام رسانید.

امام مهدی علیه السلام منتظر (عج) نیز با نبود اسباب عادی باری نصرت و یاریش، و قوت و قدرت دشمنانش خوف حبس بلکه قتل و به دار آویختن برای او بوده است، لذا از ابتدا برایش چاره‌ای جز اعتزال و غیبت نبود تا این که امر خدا صادر شود و ظهور او مقدر گردد.

از همین رو در روایتی که صدوق (ره) به سندش از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، آمده:

«للقائم غيبة قبل قیامة، قلت: ولم؟ قال: يخاب على نفسه الذبح.»^(۱)

امام صادق علیه السلام به زراره می‌فرماید: برای قائم غیبتی است قبل از قیامت، زراره می‌گوید: به حضرتش عرض کردم، به چه جهت؟ فرمود: زیرا او به جهت قتل بر خود می‌ترسد.

۳-۸-۷. بیعت نکردن امام زمان (عج) با حاکمان

یکی از اسباب و عوامل غیبت امام زمان (عج) که در روایات به آن اشاره شده = بیعت نکردن آن حضرت با حاکمان عصر خود است.

شیخ صدوق (ره) در کمال الدین به سندش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «لا يقوم القائم وليس في عنقه لاحد بيعة» قائم علیه السلام قیام خواهد کرد در حالی که بیعت کسی بر گردن او نخواهد بود.^(۲)

و نیز به سندش از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«كأنی شیعه عند فقداهم الرابع من ولدی یطلبون المرعی فلا یجدونه»
قلت: ولم ذلك یا بن رسول الله؟ قال: لأن امامهم یغیب عنهم». قلت: ولم؟ قال:
«لئلا یكون لأحد فی عنقه بیعة إذا قام بالسيف.»^(۳)

امام رضا علیه السلام به حسن بن فضال فرمود: گویا حال شیعه را هنگام

۱. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۴۸۰ باب علت غیبت.

۳. همان، ص ۴۸۱.

فقدان و غیبت فرزند چهارم خود می‌بینم؛ یعنی غیبت امام مهدی (عج) که چگونه مردم به دنبال او رفته و او را طلب می‌کنند ولی او را نمی‌یابند. آن‌گاه حسن بن فضال به آن حضرت عرض کرد: ای فرزند رسول خدا ﷺ چه شش چیست؟ حضرت فرمود: تا این که هنگامی که قیام به شمشیر می‌کند، برای کسی برگردن او بیعتی نباشد.

این مسئله امری کاملاً عادی و عرفی است، زیرا هر کسی که در صدد اصلاح دنیوی یا دینی است طبیعتاً قراردادهای و پیمان‌هایی را با بعضی از قدرتمندان می‌بندد تا با کمک گرفتن از آن اصلاح خود را به پیش برد. و لازمه این عهد و پیمان، متعرض نشدن آنان است تا امر اصلاح او به پایان رسد و این امر نیازمند تعطیل اجرای برخی از احکام و معامله خلاف واقع با آن کردن است به جهت خوف و تقیه.

از همین رو خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ﴾ (۱)

مگر آن گروه از مشرکان که با آنها عهد بسته‌اید و چیزی از (تعهدات خود نسبت به) شما فروگذار نکرده و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اید. پس با آنها عهد را تا مدتی که مقرر داشته‌اید نگاه دارید که خدا پرهیزکاران را که به عهد خود وفا کنند دوست دارد.

ولی امام مهدی (عج) - از آن جا که هنگام ظهورش به واقع تکلیف کرده و از کسی تقیه نمی‌کند همان گونه که از اخبار استفاده می‌شود و از طرفی دیگر هر لحظه احتمال ظهورش وجود دارد - لازمه آن این است که بیعت هیچ کسی برگردن آن حضرت نباشد. (۲)

۱. توبه: آیه ۴.

۲. ر.ک: سید صدرالدین صدر، بحث حول المهدی، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۳-۹. امامت و عصمت «دو اصل مبنایی برای غیبت»

بیان این نکته این که: عقل بر وجوب امامت دلالت دارد و حکم می‌کند به این که هر زمانی - که در آن مکلف‌هایی مورد تکلیف قرار می‌گیرند که انجام کار ناشایسته و شایسته و اطاعت و معصیت هر دو از آنان ممکن است - نمی‌تواند خالی از امام باشد و خالی بودن آن زمان از امام، نوعی اخلال در قادر ساختن و قادر بودن آنها بر انجام تکالیف و نوعی ضربه بر حکم عقل نسبت به نیکو بودن مکلف ساختن آنهاست. در مرحله بعدی عقل دلالت می‌کند بر این که آن امام باید از خطا و لغزش مصون و معصوم باشد و گمان انجام هیچ کار ناپسندی در حق او نرود. بعد از ثبوت این دو اصل دیگر چیزی نمی‌ماند مگر این که تحقق عنوان امامت در همان کسانی که شیعه امامیه آنان را از امام می‌شمارند، ثابت شود که امامیه معتقد است که آن عنوان و صفتی که عقل بر وجوب و ضرورت آن دلالت داشت، جز در شخص او وجود ندارد و هر کسی جز او - از آنها که دیگران بر ایشان ادعای امامت دارند - فاقد آن می‌باشد. بدین ترتیب است که غیبت سمت و سویی غیر قابل شبهه می‌یابد. و این راه روشن‌ترین راهی است که در اثبات امامت صاحب الزمان حضرت مهدی علیه السلام مورد اعتماد قرار گرفته و نیز دور از شبهه و بی‌اشکال‌ترین طریقه برای اثبات است. از دیگر سو اگر قرار باشد در اثبات غیبت بر روایات اعتماد شود اگر چه در بین شیعه بسیار ظاهر و واضح است و تواتر آن آشکار و ورود آن از هر طریق و سندی، معلوم است با این همه امکان دفع آنها و شبهه وارد کردن بر آنها وجود دارد. که در نتیجه در حل آن اشکالات و شبهات، به شکل‌های مختلف باید خود را به رنج و تکلف واداشت. در حالی که طریقه و راهی را که ما توضیح دادیم دور از شبهات و نزدیک به فهم همگان است. حال می‌ماند که چگونه بر درستی آن دو اصل که ذکر کردیم دلیل اقامه کنیم.^(۱)

۳-۹-۱. غیبت و زمان غیبت

حضرت مهدی (عج) در زمان پدر بزرگوارش اگر چه از مردم مخفی بود، اما از بعضی خواص اصحاب مخفی نبود، ولی بعد از پدر بزرگوارش به طور کلی از همه مخفی گشت و ابتدای

۱. شریف‌المرتضی علم الهدی، امامت و غیبت، ترجمه مسجد جمکران، (قم: انتشارات مسجد جمکران، بی‌تا).

غیبت از همان وقت شروع شد، لیکن چنانچه نزد شیعه معروف است آن حضرت را دو غیبت است؛ یکی غیبت صغری (کوچک تر) و دیگری غیبت کبری (بزرگ تر) گویند و به همین دو غیبت در اخبار پیش از تولدش اشاره شده، چنانچه از حضرت زین العابدین علیه السلام است که فرمود: قائم ما را دو غیبت است: یکی از آن دو طولانی تر از دیگری است: (۱)

۳-۹-۱. دوران غیبت صغری

پس از انتقال امامت به آن حضرت و خواندن نماز بر جنازه پدر بزرگوارش در اثر تعقیب کردن معتمد عباسی برای دستگیر کردن وی غیبت فرموده حتی بر خواص همه رسماً ظاهر نمی شد، اما نائب خاصی برای خود انتخاب فرمود تا مرجع شیعیان باشد، حوائج و سؤالات خود را به وسیله او به آن حضرت برسانند و دریافت جواب کنند و خود گاه گاه مخفیانه بر نائب خاص ظاهر می شد و دستورات خاصه می داد و سؤالات دوستان را توفیق می فرمود و بسیاری از اوقات بر نائب هم ظاهر نمی شد و کتباً یا به وجه دیگر بر وی القاء می فرمود، تا این که بر همین منوال چهار نائب هر یکی پس از دیگری تعیین فرمود و بعد از آن غیبت صغری مبدل به غیبت کبری گردید و امر مراجعه شیعه محول به عموم فقهای جامع الشرایط شد و از این جهت آن چهار نائب را نائب خاص می گفتند، زیرا که نیابت ایشان به طور خصوصی یعنی به نصب خاص و تعیین خاص آن حضرت بود و فقهای عظام را نائب عام می گفتند زیرا که نیابت ایشان را به طور کلی امضاء فرموده چنانچه در توفیق اسحاق بن یعقوب که بر دست نائب دوم بود فرمود: «اما حادثه و اموری که بر شما رخ می دهد، در آنها مراجعه کنید به راویان احادیث ما، زیرا که ایشان حجت مند بر شما و من حجت خدایم.» (۲)

و حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از فقها نفس خود را از معاصی و محرّمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و فرمان بر مولای خود باشد، پس برای عوام رواست که از او تقلید کنند.» نواب اربعه دو امتیاز بر فقها دارند یکی آن که: به اسم و شخصیت به خصوص به نیابت انتصاب گشته اند، دیگر آن که ایشان سمت رسالت در رسانیدن

۱. همان، ص ۲۹.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۳۲.

حوائج و سؤالات به آن حضرت داشتند یعنی واسطه خاص بین امام و مردم بودند. همان گونه که امام واسطه بین نبی و مردم است و نبی واسطه بین ملک و مردم و ملک واسطه بین خدا و نبی است.^(۱) فقها فقط سمت مرجعیت در احکام را دارند.

غیبت صغری را بر غیبت کبری دو امتیاز دارد، یکی آن که؛ مدت آن کوتاه که مجموعاً هفتاد سال تقریباً می شود و مدت این دراز و هنوز غیر معلوم است. دوم آن که؛ در دوران غیبت صغری چون نائب خاص وجود داشت، مراجعه مردم به خود امام تا حدی آسان بود، زیرا که اگر از فیض مشاهده حضوری محروم بودند از فیض مراجعه کتبی به وسیله نائب خاص محروم نبودند، حوائج و سؤالات خود را از امام علیه السلام شخصاً می توانستند استعلام کنند و این فیض نیز در غیبت کبری برداشته شد، یعنی از هر دو فیض محروم گشتند، پس این غیبت از دو جهت کبری و بزرگتر است. هم از جهت طول مدت و هم از جهت محرومیت. البته این منافات ندارد که در غیبت کبری احیانت بر وجه ندرت شخصی به طور خصوصی به خدمت آن حضرت برسد، یا آن حضرت به وسائلی به کسی چیزی القاء کند، زیرا که در غیبت کبری فیض رؤیت و ساطت به طور عمومی منقطع است به خلاف غیبت صغری که فیض و ساطت به طور عمومی جاری بود. چون دوستان در غیبت صغری و کبری وجه مشابه دارند باستثناء نواب خاص.^(۲)

در این جا دو نظریه وجود دارد: نظریه اول این که:

غیبت صغری از زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام بوده، زیرا ولادت حضرت در اختفا و پنهانی بوده است، ولی این نظریه مورد مناقشه واقع شده زیرا بحث در غیبت امام است و در آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود، خصوصاً آن که جماعت زیادی از شیعیان حضرت را در آن پنج سال قبل از شهادت حضرت عسکری علیه السلام مشاهده کرده اند.

نظریه دوم این که:

غیبت حضرت از زمان شهادت پدرش امام عسکری علیه السلام بوده است. و به طور دقیق می توان گفت که بعد از نماز خواندن بر جنازه پدرش و آن قضیه ای که ابوالادیان بصری نقل

۱. ر.ک: شواهد ربوبیه، فصل نبوت و مبدء و معاد فصل نبوت.

۲. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۷۳.

می‌کند (که بعداً مفصل به توضیح آن می‌پردازیم) بوده است.^(۱)

۳-۹-۱-۱-۱. حکمت غیبت صغری قبل از غیبت کبری چه بوده است؟

غیبت صغری نشان‌گر اولین مرحله از امامت حضرت مهدی (عج) است که خداوند متعال تقدیر نمود تا در مدتی نه چندان دور از عموم مردم مخفی بماند و امور شیعه را توسط سفیر انجام دهد. اما این که چرا غیبت صغری قبل از غیبت کبری قرار گرفت ممکن است که جهت آن این باشد که عادت شیعیان در طول عمر امامت بر این بود که هر زمان اراده می‌کردند خدمت امام خود رسیده و از محضر او استفاده می‌بردند و با غیبت کلی و تام و تمام هرگز انس نداشتند، لذا برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغری تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه‌ای ارتباط قطع شد و مردم اگر چه در ابتدا به شک و تردید و تشویش خاطر افتادند ولی بعد از مدتی نه چندان دور شک و تردیدها زایل شد و با مشاهده دلایل قطعی، به وجود حضرت مهدی علیه السلام یقین پیدا کردند و بعد از مدتی نه چندان طولانی غیبت کبری شروع شد.^(۲)

۳-۹-۱-۲. امتیاز عصر غیبت صغری بر غیبت کبری چیست؟

بنا بر قولی شروع غیبت صغری از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است که از همان زمان امام علیه السلام متولی امر امامت می‌شوند. حضرت خلافت خود را با نصب وکیل اولش هنگام مقابله با جماعت قمیین آغاز نمودند.

عصر غیبت صغری از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است از جمله:

- ۱- در این عصر امام مهدی (عج) متصدی امامت و خلافت شد.
- ۲- در این عصر امام علیه السلام استتار کامل نداشتند بلکه به جهت مصالح کلی با برخی از خواص یارانش ملاقات برقرار می‌کردند.
- ۳- در این عصر چهار سفیر وجود داشت که از طرف حضرت به طور خصوصی مأمور به

۱. همان، ص ۳۷۴.

۲. سیدمحمدکاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، صص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ علی اصغر رضوانی، موعودشناسی،

ص ۳۲۵.

رسیدگی امور مردم بوده و رابط بین آنان و حضرت به شمار می‌آیند. (۱)

۳-۹-۲. زمینه‌سازی خداوند برای امامت حضرت مهدی (عج)

آری، از جمله موضوعاتی که قبل از ولادت امام مهدی (عج) اتفاق افتاد که آن را می‌توان زمینه‌ساز امامت حضرت مهدی (عج) در کودکی دانست، ولادت امام جواد و امام هادی (ع) است؛ زیرا امام جواد (ع) در هشت سالگی یا هفت سالگی و امام هادی (ع) در سن شش سالگی به امامت رسیدند، و لذا بعد از آن که شیعه به امامت این دو امام اعتقاد پیدا نمود، این مسأله، زمینه‌ساز اعتقاد به امامت حضرت مهدی (عج) و رفع استبعاد از امامت او در سنین پنج سالگی شد.

۳-۹-۳. زمینه‌سازی امامان برای غیبت حضرت مهدی (عج)

موضوع غیبت امام تجربه جدیدی برای امت بوده تجربه‌ای که به این مقدار از غیبت، هرگز هیچ امتی به چشم خود ندیده بود، لذا امت و جامعه شیعی احتیاج مبرم به زمینه‌سازی برای ورود به آن داشت، به همین جهت اهل بیت (ع) و حتی رسول خدا (ص) همگی به طور مکرر به موضوع غیبت امام دوازدهم (عج) اشاره و تصریح داشته‌اند.

همان‌گونه که غیبت صغری قبل از شروع غیبت کبری نیز به جهت زمینه‌سازی و ایجاد انس در بین مردم برای ورود به غیبت کبری بوده است.

۳-۹-۴. خیردادن رسول اکرم (ص) از غیبت امام زمان (عج)

آری، در بسیاری از روایات به این موضوع اشاره شده است؛ ابن عباس در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود:

«... وجعل من صلب الحسين ائمة يقومون بأمری ويحفظون وصیتی

التاسع منهم قائم اهل بیتی ومهدی امتی أشبه الناس لی فی شمائله واقواله

واقواله. يظهر بعد غيبة طويله وحيرة مضله فيعلن امر الله ويظهر دين الله جل

وعز...» (۲)

۱. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی، ص ۳۲۸.

۲. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۵۶؛ علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶.

و از صلب حسین علیه السلام امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود. نهمین از آنها قائم اهل بیت علیهم السلام من و مهدی امت من است، او شبیه‌ترین مردم به من در شمائل و اقوال و افعال است. بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه‌کننده ظهور خواهد کرد، آن‌گاه امر خدا را اعلان کرده و دین او را ظاهر خواهد نمود.

امام علی علیه السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

«... ثم یغیب عنهم اما لهم ما شاء الله ویکون له غیبتان إحداهما أطول من الاخری.»^(۱)

... آن‌گاه امامشان از میان آنها تا هر زمان که خدا بخواهد غائب خواهد شد. و برای او دو غیبت مقرر شده که یکی از آن دو از دیگری طولانی‌تر است....

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید:

«وللقائم من ولدك غیبة؟ قال: ای وربی. ثم قرأ هذا الآیه: «وَلِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»^(۲)

«آیا برای قائم از اولاد تو غیبت است؟ فرمود: آری به خدا سوگند، آن‌گاه این آیه را قرائت نمود: «وَلِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»^(۳)

۳-۹-۵. امام علی علیه السلام به غیبت حضرت مهدی (عج) اشاره کرده است.

آری، در بسیاری از روایات به آن اشاره نموده از جمله؛ صدوق (ره) در حدیثی به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«للقائم منا غیبة أمرها طویل کانی بالشیعة یجولون جولان الغنم فی غیبة»

مجموعه ۲۲۷، ج ۳.

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸.

۲. آل عمران: آیه ۱۴۱.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

يطلبون المرعى فلا يجدونه ألا فمن ثبت منهم على دينه ولم يقس قلمه لطول أمر
غيبه امامه فهو معي في درجتي يوم القيامة...»^(۱)

برای قائم از ما غیبتی است که زمان و مدت آن طولانی خواهد بود،
گویا شیعه را می بینم که به مانند گوسفندان متحیر و سرگردانی به دنبال
چراگاه می گردد ولی آن را نمی یابد، آگاه باشید هر کس در آن زمان بر دین
خود ثابت قدم باشد و قلبش به جهت طولانی شدن مدت غیبت سخت
نشود، او با من و در مرتبه من در روز قیامت خواهد بود.

۳-۹-۶. امام حسن علیه السلام از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است.

شیخ صدوق (ره) به سند خود در حدیثی نقل می کند که امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از
مصالحه با معاویه و اعتراض برخی به آن حضرت در این جهت فرمود:

«ويحكم ما تدرون ما عملت والله الذي عملت خير لشيعة مما طلعت
عليه الشمس أو غربت، ألا تعلمون اني امامكم مفترض الطاعة عليكم واحد
سیدی شباب اهل الجنة بنص رسول الله صلى الله عليه وآله علي؟ قالوا: بلى. قال: اما علمتم
أن الخضر عليه السلام لما خرق السفينة واقام الجدار وقتل الغلام لان ذلك سخطاً
لموسى بن عمران عليه السلام إذا خفى عليه وجه الحكمة في ذلك وكان ذلك عند الله
تعالى ذكر حكمة وصواباً، اما علمتم انه منا احد الا ويقع في عنقه بيعة للطاغية
زمانه إلا القائم الذي يصلى روح الله عيسى بن مريم خلفه فإن الله عز وجل يخفى
ولادته ويغيب شخصه لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة. اذا اخرج ذلك تاسع من ولد
أخي الحسين بن سيد. الا ماء يطيل الله عمره في غيبته ثم يظهر بقدرته في صورة
شاب دون اربعين سنة ذلك ليعلم ان الله على كل شيء قدير.»^(۲)

وای بر شما! نمی دانید که من چه کردم؟ به خدا سوگند آنچه را من
انجام دادم برای شیعیانم از آنچه خورشید بر او طلوع و غروب کرده بهتر

۱. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰۳.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.

است، آیا نمی دانید که من امام شما هستم که اطاعتم بر شما واجب است؟
 آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خدا ﷺ
 نیستم؟ گفتند: آری، فرمود: آیا نمی دانید خضر ﷺ هنگامی که کشتی را
 سوراخ و دیوار را بر پا و غلام را کشت مورد غضب موسی بن عمران ﷺ
 قرار گرفت، به جهت آن که حکمت آن را نمی دانست؟ ولی این امر نزد
 خداوند متعال مطابق حکمت و صواب بود. آیا نمی دانید که هر یک از ما بر
 گردن خود بیعت طاغوت زمان خود را داریم، جز قائمی که عیسی بن
 مریم ﷺ پشت سر او نماز می گذارد، خداوند عزوجل ولادت او را
 مخفی خواهد نمود و شخصش را غائب خواهد کرد تا آن که برگردن او از
 جانب هیچ کس هنگام خروج بیعت نباشد. او نهمین اولاد برادرم حسین و
 فرزند بهترین زنان است. خداوند عمر او را در غیبتش طولانی خواهد
 گرداند، آن گاه او را به قدرت خود در صورت جوانی کمتر از چهل سال
 ظاهر خواهد نمود، تا دانسته شود که خداوند بر هر کاری قدرت مند است.

۳-۹-۷. امام حسین ﷺ از غیبت فرزندش مهدی (عج) خبر داده است.

شیخ صدوق (ره) به سند خود از امام حسین ﷺ نقل کرده که فرمود:

«فی التاسع من ولدی سنة من یوسف وسنة من موسی بن عمران ﷺ»

و هو قاتلنا اهل البیت یصلح الله تبارک وتعالی امره فی لیلة واحدة»^(۱)؟

در نهمین از فرزندانم سنتی از یوسف ﷺ و سنتی از موسی بن

عمران ﷺ است و او قائم ما اهل بیت ﷺ می باشد که خداوند تبارک

و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.

و نیز از امام حسین ﷺ نقل کرده که فرمود:

«قائم هذا الامه هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبة»^(۲)

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، صص ۱۳۲ و ۱۳۳، ح ۲.

۲. همان، ص ۳۱۷، ح ۳.

... قائم این امت همان نهمین از اولاد من است و او صاحب غیبت

می باشد...

و نیز فرمود:

«... له غيبة يرتدّ فيها أقوام ويثبت على الدين فيها آخرون...»^(۱)

برای او غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شده و گروهی دیگر بر دین

ثابت خواهند بود....

۳-۹-۸ امام سجاد علیه السلام از غیبت فرزندش مهدی (عج) خبر داده است.

شیخ صدوق (ره) به سندش از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«تهتدّ الغيبة بولى الله الثانى عشر من أوصياء رسول الله والائمة

بعده علیه السلام يا ابا خالد! إنّ اهل زمان غيبة القائلين بامامته والمنتظرين لظهوره

أفضل من اهل كل زمان لأنّ الله تبارك وتعالى اعطاهم من العقول والأفهام

والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة...»^(۲)

آن گاه غیب به ولی خدای عزوجل دوازدهمین از اوصیای رسول

خدا صلی الله علیه و آله و امامان بعد از او امتداد می یابد. ای ابا خالد! همانا اهل زمان

غیبت او که به امامتش قائلند و منتظر ظهور او می باشند افضل از هر زمان

هستند، زیرا خداوند تبارک و تعالی به آنها چنان عقل و فهم و معرفتی داده

که غیبت نزد آنان به منزله حضور و مشاهده است....

۳-۹-۹ امام باقر علیه السلام از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است.

شیخ صدوق (ره) به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«یأتی على الناس زمان یغیب عنهم إمامه. فیأطوبی للثابتن علی امرنا

فی ذلك الزمان - إنّ أدنی ما یكون لهم من النواب أن ینادیهم البارئی جل جلاله

فیقول عبادی وامائی آمنتم بسرّی وصدقتم بغیبی، فأبشروا بحسن الثواب

۱. همان، ح ۴.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

منی...» (۱)

زمانی بر مردم بیاید که امامشان از آنها غائب گردد، پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما در آن زمان ثابت قدم باشند، همانا کمترین ثوابی که برای آنها در نظر گرفته شده این است که خداوند جل جلاله در باره آنان می فرماید:

«ای بنده‌ها و کنیزان من! به سر من ایمان آوردید، و غیب مرا تصدیق کردید، بشارت باد شما را به حسن ثواب از جانب من...»

۹-۱۰. امام صادق علیه السلام از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود:

«الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه» (۲)

پنجمین از اولاد هفتمین، کسی است که شخصش از شما غائب

خواهد شد.

و نیز فرمود:

«أما والله لیغیبن عنکم مهدیکم حتی یقول الجاهل منکم ما الله فی آل

محمد حاجة» (۳)

آگاه باشید! به خدا سوگند که مهدی شما از بین شما غائب خواهد

شد تا این که جاهل از شما می گوید: خداوند احتیاجی به آل محمد علیهم السلام

ندارد....

و نیز فرمودند:

«أن الغیبه یتقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الائمة الهداة بعد

رسول الله صلی الله علیه و آله، اولهم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرهم القائم

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، صص ۱۴۳، ح ۴.

۳. همان، ص ۱۴۵، ح ۱۲.

بالحق بقية الله في الارض...»^(۱)

همانا غیبت در ششمین از فرزندانم واقع خواهد شد و او دوازدهمین از امامان هدایت بعد از رسول خدا ﷺ است که اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر آنها قائم به حق، بقية الله در روی زمین است....

۹-۱۱. امام کاظم علیه السلام از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في اديانكم لا يزيلنكم أحد عنها،

يا بني! انه لا بد لصاحب هذا الامر من غيبة...»^(۲)

هنگامی که پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شد پس خدا را خدا را در ادیانتان، کسی شما را از آن جدا نکند، ای فرزندانم، همانا به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است....

یونس بن عبدالرحمن می گوید: من بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای

فرزند رسول خدا ﷺ! آیا شما قائم به حق می باشید؟ فرمود:

«أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الارض من اعداء الله عز وجل

ویملاها عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً وهو الخامس من ولدي له غيبة يطول امدها

خوفاً على نفسه...»^(۳)

من قائم به حجتتم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خداوند عزوجل

پاک کرده و آن را از عدالت خواهد نمود، آن گونه که پر از ظلم و جور شده

باشد، همان پنجمین نفر از اولاد من است. برای او غیبتی طولانی است زیرا

بر جان او خطر است....

۱. همان، ح ۱۳.

۲. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

و نیز در بیان قول خداوند متعال «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (۱)

فرمود:

«النعمة الظاهرة الامام الظاهر والباطنة الامام الغائب، فقلت له: ويكون في الائمة من يغيب؟ قال نعم، يغيب عن ابصار الناس شخصه ولا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره وهو الثاني عشر منا...» (۲)

نعمت ظاهر امام و نعمت باطن، امام غائب است، راوی می گوید: به حضرت عرض کردم آیا در میان ائمه علیهم السلام کسی غائب می شود؟ فرمود: آری شخصش از چشمان مردم غائب می گردد ولی از قلوب مؤمنان غائب نمی گردد و او دوازدهمین از ما می باشد....

۹-۱۲. امام رضا علیه السلام از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است.

شیخ صدوق (ره) به سندش از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«الرابع من ولدی ابن سیده الاماء يطهر الله به الارض من كل جور ويقدها من كل ظلم وهو الذي يشك الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروج...» (۳)

... چهارمین از اولاد من، که فرزند بهترین زنان است، خداوند به واسطه او زمین را از هر ظلمی پاک و پیراسته خواهد نمود، و او کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد و اوست صاحب غیبت قبل از خروجش.

و نیز به دعبل فرمود:

«... یا دعبل! الامام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه و بعد علی ابنه

۱. لقمان: آیه ۲۰.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۲.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹.

الحسن وبعد الحسن ابنه الحجة المنتظر في غيبة...»^(۱).

... ای دعبل! امام بعد از من محمد و فرزند من است و بعد از محمد

فرزندش علی و بعد از علی، فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت

قائم است. کسی که در غیبتش به انتظار او می‌نشیند...

۳-۹-۱۳. امام جواد علیه السلام از غیبت حضرت مهدی (عج) خیر داده است.

عبدالعظیم حسنی علیه السلام می‌گوید: من بر آقا محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن

محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم به قصد این که از او درباره قائم

سؤال کنم که آیا او مهدی است یا دیگری؟ حضرت ابتدائاً فرمود:

«... یا ابالقاسم أن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته

ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي...»^(۲)

ای ابالقاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است در

غیبتش انتظار او را کشیده و هنگام ظهورش از او اطاعت شود و او سومین از

اولاد من است....

صقر بن ابی دلف می‌گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: چرا قائم را منتظر خوانند؟

فرمود:

«... لأن له غيبة تكثر أيامها ويطول أمدها فينتظر خروجه المخلصون

وينكره المرتابون...»^(۳)

... زیرا برای او غیبتی است که روزهایش زیاد و مدتش طولانی

خواهد بود، مخلصین در انتظار خروج او به سر خواهند برد و شک‌کنندگان،

او را انکار خواهند کرد....

۱. همان، ج ۵۱، ص ۱۵۴، ح ۴.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱.

۳. همان، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴.

۳-۹-۱۴. امام هادی علیه السلام از غیبت حضرت مهدی (عج) خبر داده است.

شیخ صدوق (ره) به سندش از ابن هاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می‌کند که از ابوالحسن «امام هادی علیه السلام» شنیدم که می‌فرمود:

«... ومن بعدی الحسن ابنی فکیف للناس بالخلف من بعده؟ قال: فقلت:

وکیف ذلك یا مولای؟! قال: لآنه لا یری شخصه ولا یحل ذکره باسمه...»^(۱)

جانشین بعد از من فرزندم حسن علیه السلام است، پس چگونه است شما را به خلف بعد از خلف؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدایت گرداند؟ حضرت فرمود: زیرا شخصیتش دیده نمی‌شود و حلال نیست که نامش برده شود....

۳-۹-۱۵. امام عسکری علیه السلام برای غیبت فرزندش مهدی (عج) زمینه‌سازی نموده است.

فعالیت‌های امام عسکری را در این زمینه می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۳-۹-۱۵-۱. تعلیمات و بیانات

امام عسکری علیه السلام در حدیث مبسوطی به احمد بن اسحاق فرمود:

«... یا احمد بن اسحاق! مثله فی هذه الامه مثل الخضر علیه السلام و مثله مثل

ذی القرنین، والله لیغیبن غیبه لا ینجو فیها من الحركة الا من ثبته الله عز وجل

علی القول یا امامته ووقفه فیها الدعاء بتعجیل فرجه...»^(۲)

... ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر علیه السلام و مثلش

مثل ذی القرنین.

به خدا سوگند! هر آینه غیبتی خواهد نمود که تنها کسانی که خداوند

آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده و به دعا بر تعجیل فرجش موفق ساخته،

هلاک نخواهد شد....

و نیز فرمود:

۱. شیخ صدوق (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، صص ۳۷۹ و ۳۸۰.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۳ و ۲۴، ح ۱۶.

«... أما ان الولدی غیبة یرتاب فیها الناس الا من عصمه الله عز وجل»

... آگاه باشید؛ همانا برای فرزندم غیبتی خواهد بود که در آن مردم

شک خواهند کرد جز کسانی که خداوند عزوجل آنها را حفظ کرده باشد.

۳-۹-۱۵-۲. کم کردن ارتباطات خود با شیعیان

مسعودی می‌گوید:

«هنگامی که امر امامت به او رسید با خواص خود و غیر خواص از

پشت پرده سخن می‌گفت مگر در اوقاتی که او را به خانه سلطان

می‌برند...»^(۱)

لذا شیعیان حضرت برای ملاقات با او در راه می‌نشستند تا در آن اوقات حضرت را ملاقات

کنند.

۳-۹-۱۵-۳. اتخاذ نظام وکالت

گرچه امام عسکری علیه السلام اولین کسی نبود که به نظام وکالت رو آورد ولی در زمان آن

حضرت برای زمینه‌سازی غیبت فرزندش مهدی علیه السلام آن را توسعه داد و لذا در این راستا عثمان

بن سعید و فرزندانش را به عنوان وکیل مورد اعتماد و ثقة خود معرفی فرمود:

«... واشهدوا علی ان عثمان بن سعید العمری وکیلی وان ابنه محمد وکیل

ابنی مهدیکم.»^(۲)

... و شهادت دهید بر این که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و

همانا فرزند او محمد وکیل فرزند من، مهدی شماس است.» و نیز از وکلای او

محمد بن احمد بن جعفر و جعفر بن صیقل است.

۳-۹-۱۵-۴. قربانی کردن برای فرزندش

شیخ صدوق (ره) به سندش از ابی جعفر عمّری نقل کرده که فرمود: هنگامی که آقا متولد

شد، ابو محمد (عسکری) علیه السلام فرمود:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۹۰، ح ۶۳.

۲. همان، صص ۳۰۹ و ۳۱۰، ح ۹.

«ابعثوا إلی ابن عمرو، نبعث إلیه فصار إلیه، فقال: إشتهر عشرة آلاف رطل خبزاً وعشرة آلاف رطل لحماً وفرقه أحسبه. قال: علی بنی هاشم، وعق عنه بكذا وكذاشة»^(۱).

«کسی را نزد ابو عمرو بفرستید، کسی را فرستادند، هنگامی که آمد، حضرت به او فرمود: ده هزار پیمانۀ نان و ده هزار پیمانۀ گوشت بخر و به گمانم فرمود آن را بین بنی هاشم تقسیم کن و از طرف فرزندش عقیقه کرده و به مردم گوش زد کنند که این عقیقه به مناسبت ولادت مولود جدید امام عسکری علیه السلام محمد است و نیز به خواص خود در بغداد و سامرا نیز چنین نوشت.

۳-۹-۱۵-۵. نشان دادن فرزند خود به خواص از شیعیان

امام عسکری علیه السلام برای تثبیت قلوب شیعیان نسبت به ولادت امامت فرزندش مهدی علیه السلام او را به تعداد بسیاری از یارانش نشان داده آنها نیز از آن فرزند معجزاتی مشاهده کردند که موجب امامت او شد که از آن جمله می توان به احمد بن اسحاق اشعری اشاره نمود.^(۲)

۳-۱۰. حکومت جهانی مهدوی

اشاره

یکی از ارکان مهم مهدویت حکومت جهانی مهدوی، است که به اقتضای قواعد عقلی، آیات قرآنی و احادیث اسلامی، جهانی به شمار می رود، حکومت جهانی مهدوی دارای مبانی و آرمانها و دستاوردهای بزرگ و جهانی است، خداپرستی، عدالت خواهی، تعالی جویی، خاتمیت و جهان شمولی اسلام، امامت معصوم، حکومت دینی از مبانی فلسفی و کلامی حکومت مهدی علیه السلام به شمار می رود. لذا تصدیق حکومت جهانی مهدوی در گرو پذیرش اصول یادشده است.

حکومت جهانی مهدوی آرمانها و دستاوردهای مهمی دارد که همگی از نیازها و خواسته های فطری بشراند. از این روی مورد وفاق جامعه جهانی بوده و همین امر مهم ترین عامل

۱. همان، ج ۱۰۴، ص ۱۲۶.

۲. همان، ج ۵۲، صص ۲۳ و ۲۴، ح ۱۶.

تحقق‌پذیری آن خواهد بود، یکتاپرستی که ریشه در فطرت انسانی دارد، نخستین محصول عقیدتی حکومت مهدوی است، علاوه بر آن، گسترش فضایل و ارزشهای دینی و برجیده شدن بساط محرمات و ناپاکی‌ها از فضای زندگی بشر خواهد بود. جهان‌شمولی عدالت و مساوات را می‌توان محور این حکومت در عرصه اجتماعی دانست، فراگیر شدن امنیت به صورت کامل، توسعه عمران و آبادانی سرزمین‌ها و به دنبال آن تحقق رفاه عمومی، گسترش و تعمیق صفا و صمیمیت و برقراری رابطه دوستی خالصانه از خصوصیات دیگر این حکومت به شمار می‌رود که در پرتو آن زندگی، لذت‌بخش و بهشت‌آسا خواهد شد. گویی در پایان عمر دنیا جلوه‌ای از زندگی دل‌انگیز بهشتی که در سرای قیامت نصیب پارسایان خواهد شد، در این جهان به‌نمایش گذاشته می‌شود. رهایی بشریت از آتش فتنه‌های شیطانی، نابودی بدعت‌ها و احیای سنت‌های نیک معصومان از دیگر دستاوردهای این حکومت الهی است و سرانجام عقول بشری تکامل می‌یابد و علم و دانش به آخرین درجه کمال خود می‌رسد.^(۱)

۳-۱۰-۱. عقل و حکومت جهانی مهدوی

وجود امام معصوم و تصرف او در امور جامعه بشری و مدیریت و رهبری سیاسی او مظهر و مصداق لطف الهی در مورد مکلفان می‌باشد، عبارت معروف خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب *تجربید الاعتقاد* که نوشته: «وجود لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا». ناظر به این مطلب است. البته همین که مکلفان معتقد باشند که امام معصوم وجود دارد؛ اگر چه او را نمی‌بینند، در نوع رفتار آنها مؤثر خواهد بود و آنان را به اطاعت خدا نزدیک و از معصیت او دور می‌سازد. البته آن حضرت از وضعیت مکلفان آگاه است و اعمال خوب آنها موجب خشنودی و اعمال بد آنان موجب ناراحتی او می‌گردد. از یک طرف وجود امام و رهبری او مصداق لطف الهی است و از طرف دیگر، موضوع قاعده لطف تکلیف و مکلف است و ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، نژادی، زبانی، مکتبی و غیره در این باره تأثیری ندارد، لذا این قاعده شامل حال همگان می‌شود و جامعه بشری را فرا می‌گیرد، بنابراین مقتضای برهان عقلی لطف جهانی بودن حکومت مهدوی

۱. علی اصغر رضوانی، *موعودشناسی*، صص ۲۸ و ۲۹.

می باشد.

۳-۱۰-۲. قرآن و حکومت جهانی مهدوی

آن دسته از آیات قرآن که ناظر بر حکومت مهدوی هستند نیز بیانگر جهانی بودن آن

می باشند.

نتیجه گیری

مادامی که نوع انسان روی زمین باقی باشد، باید همواره در بین آنها فرد کامل معصومی وجود داشته باشد که تمامی کمالاتی که برای آن نوع امکان دارد، در او به فعلیت رسیده، علماً و عملاً هدایت افراد را عهده دار باشد و همچنین فرد ممتازی، امام و پیشرو انسانیت خواهد بود، اگر نوع انسان، زمانی از چنین فرد ممتازی خالی گردد، لازم می آید که احکام الهی که به منظور هدایت انسانیت نازل گشته محفوظ نمانده، از بین مردم مرتفع گردد و افاضات و امدادهای غیبی حق تعالی منقطع شود و در بین عالم ربوبی و عالم انسانی ارتباطی برقرار نباشد.

اگر چنین فردی نباشد، خدا به کمال، شناخته و عبادت نمی شود، بنابراین قلب و باطن امام خزینه علوم خداوندی و مخزن اسرار الهی است و مانند آینه ای است که حقایق هستی در آن جلوه گر می شود تا دیگران از انعکاسات آن حقایق، بهره مند شوند.

فصل چهارم:

شبهه سوم: شریعت مهدی (عج)

چه نوع شریعتی است؟

(اثبات اینکه شریعت مهدی (عج) اسلام است در روایات معصومین علیهم السلام)

موضوع «مهدی» و این که او در آخرالزمان ظهور می‌کند و حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌گذارد و اسلام دیگر بار به دست توانای او حیاتی دوباره می‌یابد، یکی از مسائل مهم دین اسلام است. احادیث فراوانی که در این زمینه رسیده است، از حد تواتر می‌گذرد. راویان صحابی، تابعی، مکی و مدنی و... آن را بازگو کرده‌اند، در میان آنها چهره‌هایی همچون عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، عبدالله بن عباس، عایشه، ابوهیره، عبدالله بن مسعود و ابوسعید خدری، دیده می‌شود. این احادیث در صحاح سته اهل سنت آمده است. تنها در کتاب معروف *کنز العمال*، باب مهدی، سی حدیث در باره مهدی آمده است^(۱) و در کتاب *الحاوی*، سیوطی بیش از ۱۸۰ حدیث در این باره نقل شده است.^(۲)

حدیث‌شناسان بزرگ و عالمان فرهیخته و مورد اعتماد اهل تسنن مانند؛ بیهقی، عقیلی، ذهبی، ابن تیمیّه، ابن قیم، ابن کثیر و ابن حجر و... احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را در این زمینه یادآور شده‌اند و بر صحت و ثبوت آنها اذعان کرده‌اند.

در میان معاصران چهره‌هایی چون: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (ریاست پیشین مراکز علمی و افتاء)، و شیخ عبدالمحسن عباد (استاد بازنشسته دانشگاه اسلامی مدینه و نائب رئیس سابق این دانشگاه)، مسأله مهدی را امری مسلم و خدشه‌ناپذیر دانسته‌اند، استاد عبدالمحسن عباد، در این باره تحقیق گسترده‌ای انجام داده و دو مقاله تحسین‌برانگیز نوشته است و به کسانی

۱. علی بن حسام الدین متقی هندی، *کنز العمال*، ص

۲. جلال الدین سیوطی، *الحاوی للفتاوی*.

چون «ابوالاعلی مودودی» و «شیخ عبدالله بن محمود» که در مسأله مهدی به خطا رفته و احادیث این موضوع را تضعیف و یا آن را انکار کرده‌اند، پاسخی شایسته و قاطع داده است.

باری، سخنان کسانی که اعتقاد به ظهور مهدی را تضعیف کرده‌اند درست و مستند نیست و در برابر اجماع و اذعان بزرگان اهل سنت بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی چیزی به حساب نمی‌آید و بیشتر سننتی باورهای دینی اینگونه افراد را می‌نمایاند. زیرا؛ گذشته از این اسلام اعتقاد به آمدن مصلح در آخرالزمان و زیست منتظرانه، در بلندای تاریخ حیات ادمی موج می‌زند، در آئین‌های زردشتی، برهمنی، بودایی، یهودی و مسیحیت، اعتقاد به ظهور منجی مشاهده می‌شود و حتی به نشانه‌های او نیز اشاره شده است. در آئین اسلام این علامت‌ها (تولد و دودمان مهدی، سیمای ظاهری حیات و عمر او، هنگام ظهور و دوران پس از آن...) به طور مشخص توسط پیامبر ﷺ ترسیم شده است و به نقد و بررسی این شبهه که شریعت مهدی (عج) چه نوع شریعتی است، پرداخته است.

این نوشتار در این راستا نگارش یافته است، به امید این که یاد «مهدی» احیاگر اسلام (در آخرالزمان) همچنان در دل‌ها زنده بماند و این باور مسلم دینی و اعتقاد قطعی اسلامی در تار و پود ره‌پویان راه پیامبر اکرم ﷺ روح حیات بدمد، و آنان را در حرکت به سوی مدینه فاضله اسلامی نیرو بخشد، تا با ستم‌ها و زورگویی‌ها و حق‌کشی‌ها درافتند، و در ظلمت‌ها و سیاهی‌های دوران پیش از قیام حضرت مهدی، گم نشوند، از سختی‌ها نهراسند، آتش اختلافات آنها را از هستی ساقط نکند و اندیشه‌های باطل آنان را نلغزاند، از پیمودن راه حق باز نمانند، و در صراط مستقیم دین خدا تا آمدن «مهدی» استوار گام نهند. تذکر این نکته سودمند است که اعتقاد به آخرالزمان و قیام مهدی یکی از نقاط مهم وحدت فِرَق اسلامی به حساب می‌آید، زیرا در آینده، همه فرقه‌های اسلامی به وحدت اصولی می‌رسند و آن امامت امامی از خود امت اسلامی بر آنان است.

۴-۱. احیای سنت محمدی ﷺ

در زمینه احکام جدید و قضاوت‌های حضرت مهدی ﷺ و اصلاحاتی که حضرت

انجام می‌دهد، روایات بسیاری وجود دارد؛ احکامی که در نظر اول با متون فقهی موجود و گاهی با ظواهر روایات و سنت سازگاری ندارد. قانون ارث برادر در عالم ذر، کشتن شراب‌خوار، کشتن فرد بی‌نماز، اعدام دروغ‌گو، تحریم سود گرفتن از مؤمن در معاملات، ناپودی مناره‌های مسجد و برداشتن سقف مساجد از آن جمله است روش‌هایی که حضرت در کارها و امور اتخاذ می‌کند نیز از این گونه است. در روایات از این تغییرات با عباراتی مانند قضای جدید، سنت جدید، دعای جدید و کتاب جدید نام برده شده است، که ما آن را جز زنده کردن سنت محمدی ﷺ نمی‌دانیم؛ ولی دگرگونی‌ها به اندازه‌ای چشم‌گیر است که وقتی مردم با آن روبرو می‌شوند، با تعبیر «او دین جدیدی آورده است» یاد می‌کنند. در صورتی که صدور این روایات از معصومین علیهم‌السلام ثابت شود، توجه به چند نکته در این باره ضروری است:

۱-۱-۴. برخی از احکام الهی هرچند از سوی خداوند پایه‌ریزی شده است، ولی شرایط اعلام و اجرای آن در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم می‌شود و اوست که آن احکام را اعلام و اجرا می‌کند.

۲-۱-۴. با گذشت زمان به وسیله زورمندان و تحریف‌گران، دگرگونی‌ها و تحریفاتی در احکام الهی پدید آمده است و حضرت قائم (عج) پس از ظهور آنها را تصحیح و تعدیل می‌کند. در کتاب *القول المختصر* آمده است: بدعتی را بر جای نمی‌گذارد و سنتی نمی‌ماند مگر آن که آن را احیا می‌کند. (۱)

۳-۱-۴. چون فقها در استنباط حکم شرعی از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌جویند، گاهی حکمی را که استنباط کرده‌اند با حکم واقع مطابقت ندارد؛ هرچند نتیجه آن استنباط برای مجتهد و مقلدینش حجت شرعی است؛ ولی در حکومت امام زمان (عج) حضرت، احکام واقعی را بیان می‌فرماید.

۴-۱-۴. برخی از احکام شرعی در شرایطی خاص و اضطراری و برای تقیه به صورت غیرواقعی اعلام شده است که در روزگار حضرت، تقیه برداشته می‌شود و حکم واقعی بیان

۱. *القول المختصر*، ص ۲۰. قیل: «لا یترک بدعة الا ازالها ولا سنة الا احياها».

می‌گردد. (۱)

امام صادق علیه السلام ضمن حدیث مفصلی می‌فرماید: «بر شما (مسلمانان) است که تسلیم (امر ما) باشید و امور را به ما بازگردانید و به انتظار حکومت ما و شما باشید و منتظر فرج و گشایش ما و شما بمانید. هنگامی که قائم ما ظهور کند و سخن‌گوی ما به سخن آید و تعلیم قرآن و دستورات دین و احکام را از نو به شما بیاموزد - به همان شکلی که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است - دانشمندان شما این رفتار حضرت را انکار کرده، مورد اعتراض قرار می‌دهند. خداوند سنت امت‌های پیشین را بر این مردم قرار داده؛ ولی آنان، سنت‌ها را تغییر داده و دینی را تحریف کردند، هیچ حکم رایجی در بین مردم نیست، مگر این که از شکل وحی شده‌اش تحریف گشته، خدا تو را رحمت کند، به هر چه فرا خوانده می‌شوی بپذیر تا آن کس که دین را تجدید می‌کند، فرا رسد. (۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که حضرت قائم ظهور می‌کند، مردم را از نو به اسلام دعوت می‌کند و آنان را به سوی اسلام هدایت می‌نماید، در حالی که اسلام کهنه و نابود شده، مردم از آن گمراه گشته‌اند.» (۳)

از این روایت فهمیده می‌شود که امام دین جدیدی را به جهان عرضه نمی‌کند؛ بلکه چون مردم از اسلام واقعی منحرف شده‌اند، حضرت دوباره به آن دین دعوت می‌کند؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دعوت کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. به نقل از: نجم الدین طوسی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج) (قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۰)، ص ۱۶۴.
۲. محمدبن عمر کشی، رجال الکشی (مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸)، ص ۱۳۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰؛ علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸.
۳. محمد بن النعمان (مفید)، ارشاد مفید، تصحیح سید کاظم موسوی، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷)، ص ۳۶۴؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ فضل بن حسن الطبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، تحقیق مؤسسه ال‌بیت علیه السلام للاحیاء التراث (قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام للاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق)، ص ۴۳۱؛ علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵.

«ای برید! به خدا سوگند، هیچ حریمی برای خداوند نماند، مگر این که آن را دریدند و هرگز به کتاب خدا و سنت پیامبرش ﷺ در این جهان عمل نشد و از روزی که امیر مؤمنان ﷺ به شهادت رسید هرگز حد خداوند در بین مردم جاری نگشت».

آن گاه فرمود:

«به خدا سوگند روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسد مگر آن که خداوند مردگان را زنده و زندگان را بمیراند و حق را به صاحبش بازگرداند و آئین خود را که برای خود و پیامبرش پسندیده است، برپا دارد. بر شما بشارت یاد. بشارت باد شما را. به خدا سوگند که حق فقط و فقط در دست شماست».^(۱)

این روایت نشان می‌دهد که دگرگونی‌ها برای غیرشیعه بیشتر چشم‌گیر است هر چند در برخی از موارد برای آنان نیز تازگی دارد.

۲-۴. دگرگونی‌ها و اصلاحات در روزگار امام زمان (عج) (شریعت مهدی ﷺ)

این اصلاحات و دگرگونی‌ها در سه قسمت: احکام جدید، اصلاحات و تجدید بناها و قضاوت‌های تازه می‌باشد که به بیان موضوعی آن می‌پردازیم.

۲-۴-۱. احکام جدید

۲-۴-۱-۱. اعدام زناکار و منع‌کننده از زکات

ابان بن تغلب می‌گوید: «امام صادق ﷺ به من فرمود:

«در اسلام به حکم خدا دو خون حلال است، ولی کسی به آن حکم نمی‌کند تا این که خداوند، قائم اهل بیت ﷺ را بفرستد. او به حکم خدا حکم خواهد کرد و بینة و شاهدهی نمی‌طلبید، حضرت زناکار محسن (مرد

۱. التهدیب، ج ۴، ص ۹۶؛ ملاذ الاخبار، ج ۶، ص ۲۵۸؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

زن دار و زن شوهر دار) را سنگسار می‌کند و کسی که زکات نمی‌دهد گردش
را می‌زند»^(۱)....

از آنجا که در عصر غیبت برای زناکار باید بی‌نه آورده شود تا حد جاری شود اما در عصر
ظهور حضرت، بدون بی‌نه و از آنجایی که برای آنحضرت همه چیز روشن است حد جاری
می‌شود.

۲-۱-۲-۴. قانون ارث

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند ارواح را دوهزار سال پیش از بدن‌ها آفرید، هر یک از آنها که
با دیگری در آسمان‌ها آشنا شد، در زمین نیز با هم آشنا خواهند بود و هر
کدام که از دیگری بیگانه بوده است در زمین نیز چنان خواهد بود. هنگامی
که حضرت قائم (عج) قیام کند، به برادر دینی ارث می‌دهد و این است
معنای قول خداوند در سوره مؤمنون: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ
يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» پس هنگامی که در شیپور دمیده شود، هیچ نسبی بین
آنان نخواهد بود و هرگز از علت آن جويا نخواهند شد.»^(۲)

۲-۱-۳-۴. کشتن دروغ‌گویان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که قائم ما ظهور کند، نخست به سراغ دروغ‌گویان شیعه
می‌رود و آنان را به قتل می‌رساند.»^(۳)

احتمال دارد که مراد از این افراد منافقان یا مدعیان مهدویت و بدعت‌گذاران در دین باشد
که سبب انحراف مردم شدند.

۱. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۰۳.

۲. السید هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، حققه و علق علیه لجنة من العلماء والمحققين الاخصائين
(بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ هـ)، ج ۳، ص ۱۲۰.

۳. محمدبن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۲۹۹.

۴-۲-۱. پایان حکم جزیه

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«خداوند، دنیا را به پایان نمی‌رساند، مگر آن که حضرت قائم از ما

قیام کند و دشمنان ما را نابود سازد و دیگر جزیه را نپذیرد و صلیب و بت‌ها

را بشکنند و دوران جنگ و خون‌ریزی به پایان رسد و مردم را برای دریافت

مال و ثروت فرا خواند و اموال را در بین آنان یکسان تقسیم کند، و در میان

مردم به عدالت رفتار نماید»^(۱).

۴-۲-۵: انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام

هر روی می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! نظر تان

در باره این سخن امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «هر گاه قائم ما قیام کند، بازماندگان از قاتلان

امام حسین علیه السلام به کیفر کردار پدرانشان کشته می‌شوند؟ چیست؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«این سخن صحیح است». گفتم: پس این آیه قرآن وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ «گناه کسی را به پای

کسی نمی‌نویسند»^(۲) چه معنایی دارد؟ فرمود:

«آن چه خداوند می‌فرماید صحیح است؛ ولی بازماندگان قاتلان امام

حسین علیه السلام به کردار پدرانشان خرسند هستند و به آن افتخار می‌کنند و هر

کس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار انجام داده باشد، اگر

مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود

باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل است. و حضرت قائم (عج) که فرزندان

قاتلان امام حسین علیه السلام را هنگام ظهورش نابود می‌سازد؛ برای این است

که آنان از کردار پدرانشان خشنود هستند». گفتم: قائم شما از چه طایفه‌ای

شروع می‌کند؟ فرمود: «از بنی شیبه شروع می‌کنند و دست‌های آنان را قطع

۱. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۲، صص ۸۸۴.

۲. سوره کهف: آیه ۹.

می‌نمایند؛ زیرا آنان دزدان خانه خدا در مکه معظمه هستند.»^(۱)

۴-۲-۱-۶ حکم رهن و وثیقه

علی می‌گوید: پدرم، سالم از امام صادق علیه السلام درباره حدیث «کسی که به رهن و سپردن وثیقه، از برادر مؤمن خود مطمئن تر باشد من از او بیزارم.» سوال کردم. امام صادق علیه السلام فرمود: «این مطلب در دوران قائم ما اهل بیت علیهم السلام است.»^(۲)

۴-۲-۱-۷ سود تجارت

سالم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: روایتی نقل شده است که سود و بهره گرفتن از مؤمن برای برادر مؤمنش حرام و ریاست؟ حضرت فرمود: این مطلب در هنگامی است که قائم ما اهل بیت علیهم السلام ظهور کند؛ ولی امروز جایز است که شخصی به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد.^(۳)

۴-۲-۱-۸ کمک برادران دینی به یکدیگر

اسحاق می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت از کمک و همکاری با برادران سخن به میان آورد و آن‌گاه فرمود: «هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب می‌شود و باید آنان را تقویت و کمک کنند.»^(۴)

۴-۲-۱-۹ حکم قطایع

امام صادق علیه السلام فرمود: «آنگاه که قائم ما قیام کند، قطایع (و مالکیت اموال غیر منقول) از بین می‌رود به گونه‌ای که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.»^(۵)

۱. محمد بن علی بن بابویه الصدوق، *علل الشرایع*، مقدمه محمد صادق بحر العلوم (نصف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق)، ج ۱، ص ۲۱۹؛ محمد بن علی بن بابویه الصدوق، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، مقدمه محمد مهدی سید حسن الخراسان (طهران: منشورات الاعلمی، ۱۳۹۰ق)، ج ۱، ص ۲۷۳؛ علامه محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۳.
۲. محمد ابن علی بن حسین بن بابویه (صدوق)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق محمد جواد فقیه (تهران: مکتبه الصدوق، [بی‌تا]) ج ۳، ص ۲۰۰؛ *التهدیب*، ج ۷، ص ۱۷۹؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه* (تهران: مکتبه اسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۰۱هـ.ق)، ج ۱۳، ص ۱۳۳.
۳. همان.

۴. محمد بن علی ابن بابویه، *مصادقة الاخوان* (قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۴)، ص ۲۰.

۵. عبدالله بن جعفر الحمیدی، *قرب الاسناد* (قم: آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ هـ)، ص ۵۴؛ علامه محمدباقر

۴-۲-۱-۱۰. حکم ثروت‌ها

معاذ بن کثیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شیعیان ما در فراخی بوده، آزادند از این که آنچه را به دست می‌آورند در راه خیر و نیکی مصرف کنند ولی هنگامی که قائم ما قیام کند، بر هر گنجینه‌داری اندوخته‌اش حرام می‌شود، مگر این که آن را به خدمت آن حضرت آورد و از آن در جنگ با دشمن، یاری و کمک بگیرد و این است سخن خداوند که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^(۱)؛ «کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذاب دردناکی بشارت ده»^(۲).

۴-۲-۲. اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد

۴-۲-۲-۱. تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن

اصبغ بن نباته می‌گوید: امیر مؤمنان علیه السلام هنگام ورود به مسجد کوفه - که در آن هنگام با خرف و گِل پخته ساخته شده بود - فرمود: «وای بر کسی که تو را ویران کرد، وای بر کسی که زمینه ویرانی تو را آسان کرد، وای بر آن که تو را با گل و خاک پخته بنا کرد و جهت قبله نوح علیه السلام را تغییر داد!» آنگاه ادامه داد: «خوشا به حال کسی که شاهد ویرانی تو در روزگار حضرت قائم از اهل بیت علیهم السلام باشد! آنان نیکان امت هستند که همراه نیکان عترت می‌باشند»^(۳).

۴-۲-۲-۲. تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف

ابوبصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می‌سازد و هیچ مسجد مشرفی را نمی‌گذارد، مگر این که کنگره و اشراف آن را ویران می‌کند و با حالت سادگی و بدون اشراف، آن را بر جای می‌گذارد و هر مسجدی را که در مسیر جاده قرار می‌گیرد، ویران می‌سازد»^(۴).

مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۱. توبه: آیه ۳۶.

۲. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۱.

۳. طونسی، غیبه، ص ۲۸۳.

۴. محمد ابن علی بن حسین بن بابویه (صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ص ۵۳.

امام باقر علیه السلام در باره این مساجد می فرماید: «در کوفه به دلیل شادی از کشتن امام حسین علیه السلام چهار مسجد ساخته شد که عبارتند از: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شیبث بن ربیع» (۱)

۴-۲-۲. ویران کردن مناره‌ها

ابوهاشم جعفری می گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که ایشان فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، دستور می دهد، مناره‌ها و مقصوره‌های که در مساجد است، ویران شود». با خود گفتم: چرا حضرت چنین می کند؟ امام عسکری علیه السلام رو به من کرد و فرمود: «چون این‌ها بدعت و نوآوری‌هایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامی آن را نساخته است.» (۲)

۴-۲-۴. بازگرداندن مسجدالحرام و مسجدالنبی به اندازه اصلی

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حضرت قائم (عج) ساختمان مسجدالحرام را ویران می کند و آن را

به ساختمان نخستین و اندازه اصلی اش باز می گرداند، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

را نیز پس از ویران کردن، به اندازه اصلی آن باز می گردند و کعبه را در

جایگاه اصلی اش می سازد.» (۳)

۴-۲-۵. قضاوت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«پس از ظهور حضرت مهدی (عج) خداوند بادی می فرستد تا در هر

سرزمینی ندا کند: این مهدی علیه السلام است که به روش داود و سلیمان علیه السلام

قضاوت می کند و بر حکم خود گواهی نمی طلبد.» (۴)

امام باقر علیه السلام می فرماید:

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۹.

۲. طوسی، غیبه، ص ۱۲۳.

۳. محمد بن النعمان (مفید)، ارشاد مفید، ص ۳۶۴؛ طوسی، غیبه، ص ۲۹۷.

۴. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

«حکومت و دولت ما آخرین دولت است و هیچ خُرُوب، گروه و خاندانی نمی‌ماند که دارای حکومت باشد مگر این که پیش از ما حکومت‌شان بر روی کار می‌آید و این برای آن است که اگر روش و سیاست حکومت ما را دیدند نگویند، ما هم اگر زمام‌دار امور می‌شدیم این چنین رفتار می‌کردیم و این معنای سخن خداوند است که فرمود: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^(۱)؛ «و عاقبت کار از آن پرهیزکاران است.»^(۲)

۴-۲-۶ حکومت عدل

عدالت واژه‌ای است آشنا که همگان آن را دوست دارند و در پی آنند. عدالت چیزی است که از هر کس صادر شود نیکو و زیباست و از مسئولان و فرمان‌روایان زینده‌تر؛ ولی جای تأسف است که در روزگاران بسیاری، جز نام، نشان دیگری از عدالت نمی‌توان یافت و بشریت جز در روزگار اندکی - آن هم در حکومت مردان الهی - عدالت را مشاهده نکرده است.

استعمارگران برای استثمار بیشتر و نفوذ حاکمیت خود، به اشکال گوناگون از این واژه مقدس سوء استفاده می‌کنند و با تبلیغ این شعار جذاب، گروهی را به دور خود گرد می‌آورند؛ ولی دیری نمی‌پاید که رسوا شده، ادامه حکومت خود را جز با به کارگیری زور و بی‌عدالتی نمی‌بینند.^(۳)

۱۲۹

۱. اعراف: آیه ۱۲۸.

۲. محمد بن النعمان (مفید)، ارشاد مفید، ص ۳۶۴.

۳. نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج) (قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۰)، ص ۱۶۰.

نتیجه گیری

اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج) و اینکه او در آخر الزمان ظهور می کند و تغییر و تحولاتی که با ظهورش در دنیا صورت می گیرد و اینکه حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام پشت سر او به نماز می ایستد و اسلام را به اوج کمال می رساند، از مسائل مهم دین می باشد.

احادیث فراوانی که در این زمینه رسیده است، از حد توأتر می گذرد که البته این احادیث در صحاح سته اهل سنت نیز آمده است، اقدامات آن حضرت در زمان حکومتش با توجه به احادیثی که وجود دارد، مبین این مطلب است که شریعت مهدی (عج) اسلام است و اقدامات آن حضرت و سیره و روش آن بزرگوار همان سیره نبوی می باشد و این باور مسلم دینی و اعتقادی قطعی اسلامی، در تار و پود ره پویان راه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، روح حیات بدمد و آن را در حرکت به سوی مدینه فاضله اسلامی نیرو می بخشد تا با ستمها و زورگوییها و حق کشیها مبارزه کند و زمینه قیام و برپاسازی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توسط آن حضرت را آماده کند.

فهرست منابع

Abstract

Critique and of kalam dubitations about Mahdavisim

All of the religion and different cults of Islam, believe that peace maker will come in the end of the history.

whereas Mahdavisim has unique traits, therefore the most powerful agent for growing our religion society.

so, there is in this case from developed country and mistake conclusion of this issue, then protection of this fundamental thought is necessary, therefore in this research try to answer to some questions about Mahdavisim.

Three questions and three hypothesis have been designed.

first hypothesis: Imam Mahdi is a historical fact, not an assumption philosophic.

necessity expressions of sinless existence and absence are the same.

expressions necessity of sinless existence and Mahdavisim are the same.

These hypothesis research in three chapters.

and final chapter discuss about: what is Mahdi's law and it is mentioned that Mahdi's law is same Islamic law.

for example instauration of Islam religion is.

social reformations and retaliation of Imam Hossein's assassins.

and restoration of Masjid -al- Haram and Masjid -al- Aghsa.

key words: existence of sinless- absence - mercy rule- Mohammad law- historical law.

فهرست منابع

- ۱- قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ه.ق.
- ۴- ابن اثیر جذری. النهایه فی غریب الحدیث والاثار. قم: انتشارات اسماعیلیان، [بی تا].
- ۵- ابن النعمان (مفید)، محمد. ارشاد مفید. تصحیح سید کاظم موسوی، تهران: داراکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه.ق.
- ۶- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی بن حسین. من لایحضره الفقیه. تحقیق محمد جواد فقیه، تهران: مکتبه الصدوق، [بی تا]، ج ۲.
- ۷- ابن بابویه، محمد بن علی. مصادقة الاخوان. قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۴.
- ۸- ابن جوزی. تذکرة الخواص. بیروت: موسسه اهل البيت، ۱۴۰۱ ه.ق - ۱۹۸۱ م.
- ۹- ابن حنبل، احمد. مسند احمد بن حنبل. قاهره: [بی تا]، ۱۳۱۳ ق.
- ۱۰- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد. تاریخ ابن خلدون. ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۱۱- ابن خلدون. مقدمه. ترجمه گنابادی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- ۱۲- ابن خلکان، احمد بن محمد. وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ ه. ۱۹۹۸ ق.
- ۱۳- ابن عربی. فتوحات مکیه. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، [بی تا].

۱۴- افندی، بهجت. منتخب الاثر فی اعلام الثانی عشر ع. لطف الله صافی گلپایگانی، تهران: مکتبه الصدر، ابي تا.

۱۵- البحرانی، السنید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. حقه و علق علیه لجنة من العلماء والمحققين الاخصائيين بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ هـ ج ۲.

۱۶- البحرانی الموسوی، سید هاشم. غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام. تحقق علی عاشور، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۲ ق.

۱۷- الترمذی، أبو عبدالله محمد بن علی الحکیم. نوادر الاصول فی معرفة أحادیث الرسول. بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ هـ ق.

۱۸- الحاکم النیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ هـ. ۱۹۹۰ م، ج ۱.

۱۹- الحمیدی، عبدالله بن جعفر. قرب الاسناد. قم: آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ هـ

۲۰- الخزار القملي الرازی، ابی القاسم علی بن محمد بن علی. کفایة الاثر. تهران: انتشارات بیدار، ابي تا.

۲۱- الدانی، ابی عمرو عثمان بن سعید. سنن ابن داود. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ابي تا، ج ۱.

۲۲- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. جامع الصغیر من حدیث البشیر و النذیر. تحقیق: عبدالله محمد الدرویش، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ

۲۳- الشافعی، الحافظ الکنجی. البیان فی اخبار صاحب الزمان. مهدی حمد الفتلوی، بیروت: مرکز وارث الانبیاء، ۱۴۱۲ ق

۲۴- الصدوق، محمد بن علی بن بابویه. علل الشرایع. مقدمه محمد صادق بحر العلوم، نجف: المکتبه الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.

۲۵- الصدوق، محمد بن علی بن بابویه. عیون اخبار الرضا ع. مقدمه محمد مهدی سید حسن الخراسان، طهران، منشورات الاعلمی، ۱۳۹۰ ق.

۲۶- الطبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب. الاحتجاج. تحقیق ابراهیم البهاری، قم:

اسوة، ۱۴۱۳ق.

۲۷- الطبرسی، فضل بن حسن. اعلام الوری باعلام الهدی. تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

۲۸- الطیالسی، سلیمان بن داوود. مسند الطیالسی. تحقیق عبد المحسن التركي، [بی جا]: دار الهجر، ۱۴۲۰ق.

۲۹- القرینی، حافظ ابی عبدالله محمد بن یزید (ابن ماجه). سنن ابن ماجه. تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵هـ / ۱۹۷۵م.

۳۰- المقدسی شافعی، یوسف بن یحیی. عقد الدرر فی اخبار المنتظر. تحقیق عبدالفتاح محمدلو، چاپ اول، تهران: انتشارات نصاب، ۱۴۱۶هـ ق.

۳۱- امینی، ابراهیم. دادگستر جهان. قم: انتشارات شفق، چاپ یازدهم، ۱۳۶۹.

۳۲- بخاری، امام محمد بن اسماعیل. صحیح بخاری. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱هـ-ق.

۳۳- پورسیدآقایی، مسعود. میر مهر، جلوه های حجت امام زمان (عج). قم: حضور، ۱۳۸۲.

۳۴- ترمذی، محمد بن عیسی. الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۱.

۳۵- تیمی مکی، احمد ابن حجر. صواعق المحرقة. تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره: مکتبه القاهرة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق - ۱۹۶۵م.

۳۶- حرّ عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. تهران: مکتبه اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۰۱هـ ق.

۳۷- حکیمی، محمدرضا. خورشید مغرب. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.

۳۸- حموئی جوینی، ابراهیم بن محمد. فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطين و الائمة من ذریتهم (ع). تهران: داوود، ۱۳۷۸.

۳۹- خزاز رازی، علی بن محمد. کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر. قم: بیدار، ۱۳۵۹.

۴۰- خسروشاهی، هادی. مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.

۴۱- رشید رضا، محمد. تفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۳۹۳ق.

۴۲- رضوانی، علی اصغر. موعودشناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۸۴.

۴۳- سیوطی، جلال الدین. العرف الوردی فی أخبار الإمام المهدی (عج). شیخ مصطفی صبحی النخفر، دمشق: ابي نا، ۱۴۲۲ق.

۴۴- شریعت زاده خراسانی، محمود. حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و عترت. قم: نشر دار الصادقین، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.

۴۵- شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت و الجواهر مصر: ابي نا، ابي تا، ج ۲.

۴۶- شیخ صدوق، (ابن بابویه). کمال الدین و تمام النعمه. قم: مرکز انتشارات اسلامی، ابي تا، ج ۲.

۴۷- شیخ طوسی. النهایه. بیروت: دارالکتاب العربی. ابي تا.

۴۸- صدر، سیدرضا. راه مهدی. ابي جا: ابي تا، ۱۳۷۸.

۴۹- صدر، صدر الدین. مهدی. قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۳.

۵۰- صدر، محمد باقر. بحث حول المهدی. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۳۸۲.

۵۱- صدر، محمد. موسوعة الامام المهدی. قم: دار الفقه، ۱۳۸۲.

۵۲- طبرانی، سلیمان بن احمد. معجم الكبير. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ابي تا.

۵۳- طبرسی نوری، میرزا حسن. نجم الثاقب (در احوال حضرت ولی عصر صاحب العصر والزمان بقية الله الاعظم عجل الله)، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۵۴- طبسی، نجم الدین. چشم اندازی به حکومت مهدی (عج). قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۵۵- طوسی، محمد بن الحسن. الغیبه. بیروت: مؤسسه علمی، ۱۴۰۳ ه.ق.

۵۶- علامه شعرانی. کشف المراد. تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ ه.ش.

۵۷- علم الهدی، شریف المرتضی. امامت و غیبت. ترجمه مسجد جمکران، قم: انتشارات مسجد

جمکران، ابي تا.ا.

۵۸- علم الهدی، علی بن حسین. ذخیره فی علم الکلام. قم: الجامعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، ۱۳۷۰.

۵۹- فخر رازی، محمد بن عمر. الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه. قم: مكتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۶۰- فصلنامه علمی تخصصی مهدویت. قم: مرکز تخصصی مهدویت.

۶۱- قمی، حاج اشیرخ عباس. مفاتیح الجنان. قم: كانون انتشارات علمی، ۱۴۰۸ هـ.ق.

۶۲- قندوزی المقتی، سلیمان بن ابراهیم. ینایع الموده. قم: انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۷ ق.

۶۳- کشی، محمد بن عمر. رجال الکشی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.

۶۴- کلینی، ثقة الاسلام. اصول کافی. مترجم: آية الله محمد باقر كمره‌ای، قم: انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۶۵- متقی هندی، علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان، ص ۱۶۸.

۶۶- متقی هندی، علی. كنز العمال. بیروت: مكتبة التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ هـ.ق.

۶۷- مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.

۶۸- محقق کرکی. جامع المقاصد. بیروت: آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق ج ۳.

۶۹- محمدی اشتهاردی، شیخ علی نقی. سیره چهارده معصوم. تهران: نشر مطهر، [بی تا].

۷۰- مظفر، محمدرضا. عقائد الامامیه. تحقیق محمد جواد الطریحی، قم: مؤسسه امام علی، ۱۴۱۷ هـ.ق.

۷۱- مفید، محمد بن نعمان. الفصول العشرة فی الغیبة. بیروت: المؤتمر العالمی، ۱۴۱۳ ق.

۷۲- معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (تهیه و تنظیم). امامت و انسان

کامل از دیدگاه امام خمینی. تهران: نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۷۳- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.

۷۴- نصیبی، محمد بن طلحه. مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول. بیروت: مؤسسة القرى،

۱۳۷۸.

- ۷۵- نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم. غیبت نعمانی. ترجمه محمد جواد غفاری، چاپ اول، تهران: ناشر کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳.
- ۷۶- نوری طبرسی، اسماعیل بن احمد. کفایة الموحدين. تهران: علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳.
- ۷۷- نوری، یحیی. چهار رساله اسلام و تشیع، اصل امامت و دلائل آن، زندگی و سیره امامان، حضرت مهدی و فلسفه مهدویت. تهران: نوید نور، ۱۳۸۴.
- ۷۸- نیشابوری، امام مسلم. صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر، ابی تا.

۱۱۹۸۲